

آینده جهان در دست هنرمندان اسلامی است



این حالت تحمیل در آن کاملاً مشهود خواهد بود. انقلاب اسلامی فرزندان هنرمندی دارد که آنها فقط محدود و محصور در این مرز و بوم و این روزگار نیستند. آنها عرصه فردای جهان را فتح خواهند کرد.

همه کسانی که اکنون برای انقلاب قلم می‌زنند، به انگیزه‌های درونی خودشان عمل می‌کنند. آنها نخست انقلابی هستند و بعداً این خودشان هستند که علایق انقلابی خودشان را محاکات می‌کنند. هنر با سفارش خلق نمی‌شود و اگر اثری نیز با سفارش نوشته شود،

کتابخانه

شنبه ۱۴ فروردین ۱۳۸۹
۱۸ ربیع الثانی ۱۴۳۱، آوریل ۲۰۱۰
شماره ۲۲۵، پیاپی ۸۷۶
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان

ISSN:1029-3345

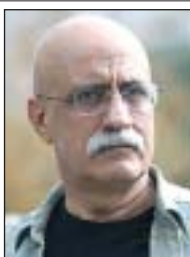
صاحب امتیاز: خانه کتاب
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۶۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



«»
**آوای قاره سیاه؛
صدایی به بلندی
نوبل ادبیات**

۲۰



«»
**هوشنگ گلگانی:
نمی خوانیم
پس نمی نویسیم!**

۱۵



«»
**رضا شعبانی:
تاریخ نویس در خلأ
زندگی نمی کند**

۱۰

معاون فرهنگی وزیر ارشاد:

کنترل حاشیه‌ها مهم‌ترین دستاورد بخش فرهنگ در سال ۸۸

داشت: «بدترین رویداد فرهنگی از دست دادن افراد بزرگی بود که در عرصه فرهنگ کشور وزنه‌هایی مهم محسوب می‌شدند.

به طور کلی می‌توانم بگویم از دست دادن اهالی فرهنگ و کسانی که می‌توانستند به حال جامعه مفید باشند و خدمت‌رسانی کنند اسفبارترین رخداد در سال گذشته بود.»

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه درباره بهترین رویداد فرهنگی کشور در سال ۸۸ تصریح کرد: «بهترین رویداد همین است که ما اهل فرهنگ را در کنار هم می‌بینیم. به گمانم در خیلی از حوزه‌ها متأسفانه افرادی تلاش می‌کنند که با ایجاد تفرقه در بین گروه‌های مختلف مردم و اهالی فرهنگ، مشکلاتی ایجاد کنند که البته معمولاً هم موفق نمی‌شوند و بالطبع در چنین مواقعی که این حرکت‌ها ناکام می‌مانند ما احساس شادی می‌کنیم.»

پرویز یادآور شد: «برای مثال در جریان برگزاری چهارمین جشنواره شعر فجر تلاش زیادی صورت گرفت که اوضاع آشفته شود و عده‌ای از این مجموعه جدا شوند اما بحمدالله این اتفاق نیفتاد و به استثنای افراد معدودی، اهالی فرهنگ در کنار هم ماندند.»

ادامه در صفحه ۲

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی سال ۸۸ را سالی پرکار برای مسوولان و دست‌اندرکاران عرصه فرهنگ کشور دانست و با اشاره به برخی حاشیه‌های ایجاد شده در بخش فرهنگ در این مقطع، کنترل آنها را توسط مدیران فرهنگی مهم‌ترین دستاورد این مجموعه در سال گذشته عنوان کرد.

دکتر محسن پرویز در گفت‌وگو با «کتاب هفته» در پاسخ در سال ۸۸ چه نمره‌ای به خودتان می‌دهید؟ گفت: «درست‌ترین است که دیگران در این باره قضاوت کنند و به ما نمره بدهند، اما همین قدر می‌توانم بگویم که سال ۸۸ برای ما سال پرکاری بود که در کنار این پرکاری بعضی‌ها سعی می‌کردند دائم حاشیه درست کنند که این حواشی معمولاً به همه زمینه‌ها هم کشیده می‌شد.»

پرویز در ادامه افزود: «ما قبل و بعد از انتخابات حاشیه‌های زیادی در کشور داشتیم که هیچ بخشی از جمله بخش فرهنگ مصون از این حاشیه‌سازی‌ها نبود، اما فکر می‌کنم این حاشیه‌ها در بخش فرهنگ بحمدالله به خوبی کنترل شد و نتوانست تأثیری اساسی بر جای بگذارد که خود این شاید یک موفقیت بزرگ برای مجموعه ما بود.»

پرویز همچنین در پاسخ به این سوال که از نظر شما بدترین و بهترین رویداد فرهنگی در یک سال گذشته چه بود اظهار



سرآغاز

سررسید

بسم الله می‌گوییم و سررسید سال نو را ورق می‌زنیم. تعطیلات تمام شده، دغدغه‌های «شب عید» و «پایان سال» و... گذشته و روزها آرام آرام گام برمی‌دارند تا چون همیشه، سریع و پرشتاب به انتهای سال جاری برسند و دوباره...

سررسید ما اما، از جنس دیگری است، تعطیلی ندارد، نه در تقویم شمسی، نه هجری و نه حتی میلادی. هر روز، روز کتاب و اهل دل و قلم است، روز خواندن و نوشتن. روز ورق زدن آنچه «گذشته»، این که «هست» و آن که «می‌آید». سررسید «انتظار»، روز پایان مشخصی ندارد. یعنی، چه کسی می‌داند که ۳۶۵ روز دیگر یا یک ماه دیگر یا همین امروز یا فردا، عید و بهار آمدن «او» می‌شود؟ ما، سررسید را ورق می‌زنیم و به وظیفه خود عمل می‌کنیم و خبر جایزه‌های «کتاب فصل»، «کتاب سال»، «کتاب جلال‌آل‌احمد»، «کتاب پروین اعتصامی»، «شعر فجر»، «گام اول» و... را پی می‌گیریم تا به برترین «هدیه» کتاب آفرینش در «جشنواره» پر مخاطب «انتظار» برسیم. پیشاپیش، به برگزیدگان و مخاطبان این جشنواره‌ها، تبریک می‌گوییم!

۲

• فعالیت‌های
نمایشگاه کتاب از
زبان دبیر شورای
سیاستگذاری

• ۱۳ مجموعه شعر
از فصل پنجم
در راه نمایشگاه

• اشعار نیمایی
قیصر امین پور در
راه نمایشگاه کتاب

• کتابی
مینی مالیستی
از ژان لویی فورنیه
منتشر شد

۲

۳



وقتی کسی کتاب معظمی می نویسد، چه مانعی دارد که این کتاب را زیر نظر استادی بنویسد؟ شما بیاید این کار را باب کنید. با یک حرکت این طوری، گاهی می شود یک کتاب متوسط را به یک کتاب عالی و ممتاز تبدیل کرد. در این زمینه، یک مقدار صرف وقت و صرف کار کنید، و از افکار آقایان و خانم هایی که صاحبان فکرند و در اینجا هستند و کسانی که در اینجا نیستند، کمک بگیرید، تا این راه را جلوی خودتان باز کنید.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست اندرکاران برگزاری هفته کتاب: ۷۵/۷/۳۰

در راستای بررسی «کارنامه صد ساله شعر زنان فارسی سرا»

دومین همایش با محور شعر پروین برگزار می شود

دومین همایش «کارنامه صد ساله شعر زنان فارسی سرا» با محور شعر پروین اعتماسی، پاییز سال جاری از سوی پژوهشکده شعر و هنر دانشگاه الزهرا (س) و با همکاری فرهنگستان هنر، معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای گسترش زبان و ادب فارسی و انجمن شاعران ایران برگزار می شود.

فاطمه راکعی، رییس نخستین همایش «کارنامه صد ساله شعر زنان فارسی سرا» در توضیح دلیل انتخاب شعر پروین به عنوان محور همایش دوم گفت: «از آنجاکه شعر پروین باید در تمامی ابعاد بررسی و با نگاهی تازه تنظیم و گردآوری شود، این امر نیازمند پژوهشی نوین در این زمینه برای پر کردن خلأهای پژوهشی موجود است.»

وی ادامه داد: «برگزاری دومین همایش «کارنامه صد ساله شعر زنان فارسی سرا» با محور شعر پروین، فرصت مناسبی برای پژوهشگران، استادان و علاقه مندان حوزه شعر است تا پژوهش های خود را در این زمینه ارائه کنند.»

این مدرس دانشگاه در پایان به انتشار کتاب «مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش کارنامه صدساله شعر زنان فارسی سرا» اشاره کرد و توضیح داد: «حدود ۱۰۰ چکیده مقاله و بیش از ۶۰ مقاله کامل به دبیرخانه نخستین همایش «کارنامه صد ساله شعر زنان فارسی سرا» رسیده بود که بیش از ۴۰ مقاله با محوریت موضوع همایش در داوری های ارائه در همایش و انتشار در مجموعه مقالات همایش انتخاب شد که توسط انتشارات دانشگاه الزهرا منتشر و در بیست و سومین نمایشگاه کتاب ارائه می شود.»

کنترل حاشیه ها مهم ترین دستاورد بخش فرهنگ در سال ۸۸

ادامه از صفحه اول

معاون فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین برخورد ناشران را در مقاطع مختلف، برخوردی هوشمندانه توصیف کرد و گفت: «حوزه فرهنگ با وجود مشکلاتی که ایجاد شد در بسیاری از بخش ها سرفراز بیرون آمد و به حاشیه نرفت که این از نظر من خیلی مهم است، برای مثال ناشران ما در این مقاطع حساس هوشمندانه برخورد کردند و اجازه ندادند این اتفاقات تأثیری بر روند کار نشر بگذارد.»

پرویز در پایان متذکر شد: «در مجموع، در حوزه های مرتبط با کار خودمان، ناشران، نویسندگان، شاعران و همه اهالی فرهنگ و همچنین اقلیت های دینی، هم میهنان ارمنی، آشوری، کلیسی و زرتشتی با هوشیاری با تمامی ماجراها برخورد کردند که به نظر من اینها همه جزو اتفاقات خوب و مثبت در سال ۸۸ بوده اند.»

دو بهار در یک فصل، نمایشگاه کتاب در انتظار اردیبهشت

است در نمایشگاه عرضه شوند از طرق هوایی، زمینی و دریایی به سمت ایران در حرکتند و برخی از محموله ها هم نزدیک ورودی های گمرکی تهران هستند که طی چند روز آینده این کتاب ها در گمرک تهران تخلیه خواهند شد.»

اللهیاری درباره فعالیت های بخش جنبی بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران نیز یادآور شد: «فعالیت های جنبی، امسال هم مثل سال گذشته در قالب های مختلفی اجرا خواهد شد. از جمله نشست های مختلفی در سرای اهل قلم در بخش بزرگسال، کودک و نوجوان، و کارنامه نشر پیش بینی شده و این کمیته همچنین برنامه های جدیدتری را برای این دوره نمایشگاه کتاب تدارک دیده که جزئیات آن متعاقبا اعلام خواهد شد.»

وی در ادامه اظهار داشت: «کمیته تسهیلات رفاهی نیز در تلاش است همچون سال گذشته بسته های فرهنگی را برای مخاطبان تهرانی و مراجعان شهرستانی به تفکیک تدارک ببیند.»

دبیر شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب تهران درباره تدابیر اندیشیده شده در زمینه حمل و نقل بازدیدکنندگان نمایشگاه کتاب امسال یادآور شد: «هماهنگی های لازم با شرکت مترو و خطوط اتوبوسرانی و تاکسیرانی در حال پیگیری است تا حمل و نقل عمومی مردم در کوتاه ترین زمان ممکن انجام شود.»

بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران ۱۵ تا ۲۵ اردیبهشت در مصالای امام خمینی (ره) برگزار خواهد شد.



دبیر شورای سیاستگذاری نمایشگاه کتاب تهران در ادامه از پایان یافتن ثبت نام ناشران داخلی برای این دوره نمایشگاه کتاب خبر داد و گفت: «با توجه به ملاک های اعلام شده به ناشران برای ثبت نام، متراژ نهایی اختصاص یافته به هر ناشر طی اطلاعیه ای از سوی کمیته ناشران داخلی اعلام خواهد شد.»

اللهیاری درباره فعالیت های بخش بین الملل در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران اظهار داشت: «در کمیته بین الملل، ثبت نام ناشران خارجی پایان یافته و کتاب های خارجی که قرار

دبیر شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از برگزاری ۱۴ جلسه از سوی این شورادر سال ۸۸ و تدارک مقدمات برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در سال جدید خبر داد.

محمداللهیاری فومنی، دبیر شورای سیاستگذاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در گفت و گو با «کتاب هفته» با اعلام این خبر و با اشاره به این که مصالای امام خمینی (ره) اکنون تنها گزینه برگزاری نمایشگاه بین المللی کتاب تهران است اظهار داشت: «عملیات عمرانی مصالای این روزها با سرعت بیشتری انجام می شود، اما از آنجا که بنا بر اعلام مسولان مصالای، بهره برداری از فضای رواق های شرقی و غربی - مثل نمایشگاه گذشته - ممکن نیست، با توجه به مذاکراتی که وزیر ارشاد با برخی مسولان دولتی از جمله وزرای مسکن و نیرو داشته اند مقرر شد به جای رواق شرقی و غربی از فضا های جایگزین در مصالای استفاده شود.»

اللهیاری درباره همکاری نهادهای مختلف در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران گفت: «امسال نیز همچون سال های گذشته نهادهای شهری از جمله شهرداری تهران، شورای اسلامی شهر تهران و سایر نهادهای شهری برای این که نمایشگاه با کمترین مشکل از جهت مسائل شهری برگزار شود اعلام آمادگی کرده اند که کنترل ترافیک و برقراری امنیت برای بازدیدکنندگان نمایشگاه از جمله این خدمات خواهد بود.»

۱۳ مجموعه شعر از فصل پنجم در راه نمایشگاه

پرویز بیگی حبیب آبادی، مدیرمسول انتشارات فصل پنجم از انتشار ۱۳ مجموعه شعر جدید در قالب های کلاسیک و سپید تا بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران خبر داد. همچنین به تازگی توسط این انتشارات، چهار مجموعه جدید شعر منتشر و راهی بازار نشر و چهار مجموعه تجدید چاپ شده اند.

بیگی حبیب آبادی درباره مجموعه شعرهایی که منتشر و در بیست و سومین نمایشگاه کتاب ارائه می شوند، گفت: «حق با تو بود» سروده مریم رزاقی در قالب کلاسیک، «تا دست به واژه می زنم می سوزد» رباعی های مریم حقیقت، مجموعه غزل های حبیب الله بخشوده با عنوان «دخترم باران» و «مرگ پیرانش را عوضی پوشیده است» سروده های سپید محمد تقی جنت امانی، عنوان برخی از این دفترهای شعرند.»

وی به دیگر آثار در دست چاپ انتشارات فصل پنجم اشاره و تصریح کرد: «دفتر رباعی های طنز ربیعی با عنوان «بخت گشایی با وقت قبلی»، «دفتر گل باز شد» (شعر نوجوان) سروده مریم زندی، «دو او» دربرگیرنده رباعی هایی با مضامین مختلف و طنز سروده داوود ملک زاده، دفتر غزلی از محمد رضا طاهری با عنوان «سرفه های گرامافون» و «چله تاک» دفتری از غزل های علیرضا بدیع دیگر کتاب های در دست انتشارند.»

مدیرمسول انتشارات فصل پنجم ادامه داد: «پل رومی» مجموعه ای از شعرهای سپید مهدی مظاهری، مجموعه رباعی ها و دوبیتی های طنز علی بهشت آیین با عنوان «بدبخت شدیم گاو مان زاییده»، «اینجا تمام ثانیه ها خسته می شوند» چارپاره های پرپسا فتحیان پور و سروده های مریم افضلی در قالب کلاسیک با عنوان «باران گرفته است زمان آب می رود» از دیگر آثار در دست چاپی اند که تا نمایشگاه کتاب ارائه می شوند.»

وی به برخی از مجموعه شعرهایی که توسط این انتشارات اخیرا راهی بازار نشر شده اند اشاره کرد و توضیح داد: «فاطمه پیغمبر اندیشه ها» سروده رضا عبداللهی با موضوع مذهبی، رباعی های پیام جهانگیری با عنوان «تردید مکن که انتخاب خوبی است»، «گندم و گوشواره، آهن و آرواره» سروده سید محمود سجادی و نخستین دفتر شعر آزاد بهشارتی با عنوان «پلک های قفل شده» با مقدمه ای از محمد علی بهمنی به تازگی راهی بازار نشر شده اند.»

وی در پایان افزود: «در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب ۷۵ مجموعه شعر منتشر شده توسط انتشارات فصل پنجم را در غرفه تخصصی شعر در اختیار علاقه مندان و مخاطبان شعر قرار خواهیم داد.

ویژه نامه ای برای کانت و نجوم دوره اسلامی

تازه های کتاب ماه منتشر شد

در فلسفه یهودی، برخی موضوعات صد و چهل و هشتمین شماره کتاب ماه کودک و نوجوان (بهمن ۸۸) نیز عبارتند از «چگونه می توان کودکان و نوجوانان را به استفاده از وب سایت های مخصوص به خود ترغیب کرد؛ تاریخ مهدویت و مشارکت مخاطب؛ ترس متن از ضربه پنهالی؛ از هنر آوانگارد تا تصویرسازی دیجیتال، قدم زدن های شاعر و مخاطب نیمه راه....»

کتاب ماه علوم و فنون نیز در سی و چهارمین شماره (بهمن ۸۸) در قالب ویژه نامه ای با عنوان نجوم دوره اسلامی به موضوعاتی از این جمله پرداخته است؛ بررسی روش های ساخت و تزئین اسطرلاب های دوران سلجوقی و ایلخانی؛ نقش خواجه نصیرالدین طوسی در آخرین مرحله تکامل علوم پایه؛ تاریخچه به کارگیری ریاضیات در یافتن جهت قبله؛ علم در بین النهرین؛ نجوم بطلمیوسی و بررسی علمی تطابق تقویم های قمری.

جدیدترین شماره های ماهنامه های تخصصی اطلاع رسانی و نقد و بررسی کتاب ماه فلسفه، کتاب ماه دین، کتاب ماه کودک و نوجوان و کتاب ماه علوم و فنون از سوی موسسه خانه کتاب منتشر شد.

سی امین شماره کتاب ماه فلسفه (اسفند ۸۸) در قالب ویژه نامه ای به بررسی آثار ایمانوئل کانت اختصاص دارد. «کانت در متن آثارش»، «کانت و فلاسفه مدرن متقدم»؛ «برهان در فلسفه کانت»؛ «زبان از دیدگاه کانت»؛ «آموزه های بنیادین در نظام فلسفی ایمانوئل کانت» و «گفت و گو با دکتر کریم مجتهدی» برخی از عناوین اصلی، آخرین شماره کتاب ماه فلسفه اند.

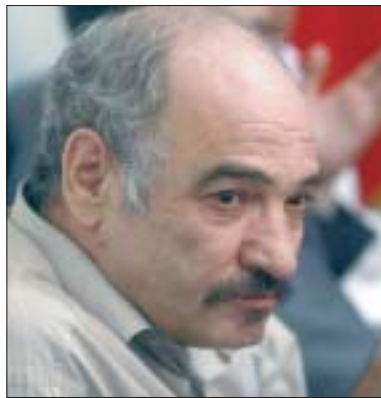
کتاب ماه دین نیز در صد و چهل و هشتمین شماره (بهمن ۸۸) به موضوعاتی از این دست پرداخته است: «نقد و بررسی کتاب «هیروگلیف در قرآن»؛ بایسته های گفتمان دینی، پویش صوفیان در شبه قاره؛ نگاهی به کتاب تصوف هندی از قرن هفدهم بدین سو؛ کتابی در نقد سکولاریسم اسلامی و بازتاب های کلام اسلامی

اشعار نیمایی قیصر امین پور و ۲۳ کتاب دیگر در راه نمایشگاه کتاب

مدیر دفتر شعر جوان از ارائه ۲۳ عنوان اثر جدید از سوی دفتر شعر جوان در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران خبر داد.

محمد رضا عبدالملکیان مدیر دفتر شعر جوان در گفت و گو با «کتاب هفته» با بیان این مطلب، از همکاری و حمایت موسسه خانه کتاب برای چاپ ۳۰ مجموعه شعر توسط دفتر شعر جوان خبر داد و گفت: «طی تفاهمنامه‌ای که با خانه کتاب برای نمایشگاه بیست و سوم داریم، قرار است با حمایت خانه کتاب، ۳۰ مجموعه شعر توسط دفتر شعر جوان به چاپ برسد که از این ۳۰ عنوان تاکنون ۱۴ عنوان منتشر شده و چند عنوان دیگر هم تا نمایشگاه کتاب آماده می‌شوند که فکر می‌کنم در مجموع تا نمایشگاه کتاب حدود ۲۳ عنوان را بتوانیم به علاقه‌مندان شعر عرضه کنیم.»

مدیر دفتر شعر جوان در پاسخ به این سوال که در میان این عناوین آیا آثار برگزیده در جشنواره‌ها نیز وجود دارند؟ اظهار داشت: به طور کلی شیوه کار ما در دفتر شعر جوان به این ترتیب است که بخش عمده آثار یعنی حدود ۷۰-۸۰ درصد، به چاپ مجموعه شعرهای مستقل شاعران جوان مستعد کشور اختصاص دارد و برخی مجموعه شعرها هم، شعرهای الگویی و شاخص از شاعران پیشکسوت اند که از این مجموعه برای مثال می‌توانیم به نیمایی‌های قیصر امین پور اشاره کنیم که این کتاب دربردارنده کل شعرهای نیمایی زنده یاد قیصر امین پور است که خود از اعضای هیات مدیره دفتر شعر جوان بود.



عبدالملکیان با اشاره به این که اشعار نیمایی امین پور برای نخستین بار در قالب کتابی مستقل با عنوان «نیمایی‌های قیصر امین پور» منتشر می‌شود، گفت: «این اشعار پیش از این در خلال آثار امین پور منتشر شده‌اند اما این نخستین باری است که این اشعار به صورت مستقل و یکجا در یک مجموعه فراهم آورده می‌شوند.»

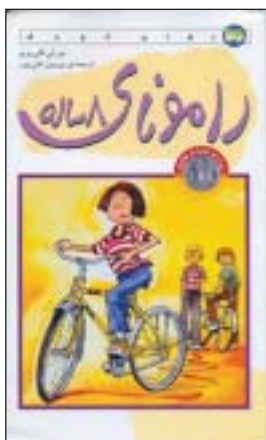
مدیر دفتر شعر جوان یادآور شد: «از دیگر آثار الگویی، دو کتاب «بصیرت سایه‌ها» و «مراحل» مجموعه شعرهای رضا صفریان هستند که این شاعر گرچه خیلی شناخته شده نیست اما اشعار متفاوت و برجسته‌ای دارد که دفتر شعر جوان کتاب «بصیرت سایه‌ها» را که یک شعر الگویی است، در قالب یک

کتاب مستقل به چاپ رسانده است.» مجموعه شعرهای «نام دیگر نیامدن» از محمدرضا رستم پور؛ «دیگر ماه اعتقادی ندارم» از زهر احیدی؛ «پنجره‌های بی‌اطاق» اثر مهدی مظاهری؛ «قول آلائی خال قرمزی» از مجید سعیدآبادی؛ «باغ بی‌سایه» از محمد جواد آسمان؛ «جمعه، خیابان ولی‌عصر» از آرش شفعاغی؛ «صدایم را از پرنده‌های مرده پس بگیر» از لیلا کردبچه؛ «درآمدی بر چارچوب» از امیرحسین نیکزاد؛ «بلبل و بولدوزر» از ابراهیم اکبری دیزگاه؛ «مرثیه‌ای برای گم‌گشتگی» از علیرضا لیش؛ «مشتی سنگ میان سطرها» از هاجر فرهادی؛ «اتفاق» از سید مهدی موسوی؛ «همسایه‌های مشکوک» از حافظ عظیمی و «گوشه‌ای در اصفهان» از جواد زهتاب، از جمله آثاری‌اند که به گفته مدیر دفتر شعر جوان در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران عرضه می‌شوند.

عبدالملکیان همچنین با اشاره به اجرای طرح کتاب سال شعر جوان از سوی این مرکز با عنوان «جایزه قیصر امین پور» یادآور شد: تاکنون سه دوره این جایزه برگزار شده که ما در هر دوره نمونه شعرهای شاعران برتر کتاب سال شعر جوان را در قالب یک کتاب منتشر می‌کنیم که کتاب سال شعر جوان (۱)، (۲) و (۳) که مجموعه‌ای بسیار کیفی و قابل توجه برای شاعران جوان و علاقه‌مندان شعراند ان شاء الله تا نمایشگاه کتاب در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهند گرفت.

کتاب جدیدی از مجموعه رامونا

«رامونا و مادرش» در راه نمایشگاه کتاب



پروین علی پور، مترجم آثار کودکان و نوجوانان، جلد دیگری از مجموعه کتاب‌های «رامونا» را آماده انتشار کرده است. نشرافق به زودی این کتاب را با عنوان «رامونا و مادرش» برای کودکان منتشر می‌کند.

پیش از این، کتاب‌هایی چون «رامونا و خواهرش»، «رامونای ۸ ساله»، «موش گریزپا»، «رامونای آتش‌پاره»، «رامونای شجاع شجاع» و «رامونا همیشه راموناست» از این مجموعه برای کودکان منتشر شده است.

مجموعه رامونا را «بورلی کلی پری» نوشته و تعدادی از کتاب‌های این مجموعه را علی پور برای کودکان ترجمه کرده است. این مجموعه کتاب توسط لویس دارلینگ تصویرگری شده است و به اتفاقات زندگی و دختری به نام رامونا می‌پردازد.

نشریه نیویورک تایمز درباره رمان‌های رامونا می‌نویسد: «طنین ماجراهای رامونا مثل زنگ تفریحی واقعی است.»

انتشارات افق قصد دارد به زودی مجموعه هشت جلدی از کتاب‌های رامونا را در قالب یک‌های جذاب برای کودکان به بازار نشر بفرستد.

«روزگار سپری شده خانم گادنی» به ایران رسید

سال ۱۹۷۷ برای رمان «اعترافات پیترا اسمارت» و در سال ۱۹۸۶ برای رمان «سوگواری گابریل» در فهرست نهایی نامزدهای جایزه بوکر قرار گرفت. همچنین، او نخستین نویسنده‌ای است که برای آثار داستانی و غیر داستانی‌اش به جایزه ادبی «ای.ام. فوستر» دست یافته است.

پل بیلی، رمان «روزگار سپری شده خانم گادنی» را در سن ۲۸ سالگی نوشت و جامعه ادبی انگلستان دهه ۶۰ قرن میلادی گذشته را متوجه خود کرد. وی در این کتاب به رفتارهایی اشاره می‌کند که موجب از بین رفتن هویت فردی انسان در کهن سالی می‌شوند. به عقیده منتقدان در آثار بیلی، تزلزل درونی انسان و سرنوشت بی‌منطق، غیر عادی و نامتعارفی که او را به تباهی می‌کشاند، نمادهای مهمی برای درک شخصیت‌ها هستند. بیلی در آثارش ناهنجاری‌های ناشی از تعصب‌های خانوادگی و اجتماعی را به نقد می‌کشد و تصویر ناپسندی از آنها نشان می‌دهد.

ترجمه شعله آذر از رمان سه فصلی «روزگار سپری شده خانم گادنی» در ۲۴۷ صفحه چاپی روانه بازار کتاب ایران خواهد شد.

رمان «روزگار سپری شده خانم گادنی» اثر پل بیلی، نویسنده انگلیسی، به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد. این نخستین ترجمه فارسی از آثار این نویسنده انگلیسی است که در قالب کتابی مستقل منتشر می‌شود.

این کتاب را شعله آذر به فارسی ترجمه کرده و ترجمه او توسط موسسه انتشاراتی ققنوس منتشر شده است. این اثر به زودی در بازار کتاب ایران توزیع می‌شود. این نخستین اثر از این نویسنده انگلیسی است که به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شده است. پل بیلی شانزدهم فوریه سال ۱۹۳۷ در انگلستان به دنیا آمد. وی که مدتی به بازیگری تئاتر مشغول بود، در ۲۷ سالگی از مدرسه عالی سخنوری و درام موفق به کسب بورسیه شد اما بعد از پایان تحصیل و در سال ۱۹۶۷، یعنی زمانی که دقیقاً ۳۰ ساله بود، به نویسندگی روی آورد.

رمان «روزگار سپری شده خانم گادنی» نخستین رمان این نویسنده است. بیلی برای این اثر به جایزه ادبی «سامرست موام» دست یافت که موفقیت این اثر، بیلی را به عنوان نویسنده تثبیت کرد. نام او در

انتشار کتابی مینی‌مالیستی

از ژان لویی فورنیه

مجموعه داستان مینی‌مالیستی «کجامی ریم بابا» اثر ژان لویی فورنیه، نویسنده فرانسوی به فارسی ترجمه و در ایران منتشر شد.

این مجموعه داستان‌ها ترجمه محمد جواد فیروزی، توسط موسسه انتشارات نگاه منتشر و روانه بازار کتاب ایران شده است.

«کجامی ریم بابا» جمله‌ای است که تو ما، کودکی که از نظر ذهنی و جسمی معلولیت دارد، هربار که سوار ماشین پدرش می‌شود، به‌طور خستگی‌ناپذیری تکرار می‌کند. فرقی ندارد جواب چه باشد، کودک بی‌وقفه سوال خود را تکرار می‌کند.

فیروزی، مترجم این کتاب، در مقدمه‌ای کوتاه که برای این اثر تالیف کرده، سوال «کجامی ریم بابا» را مساله‌ای بنیادی برای انسان دانسته و نوشته است: «شاید این پرسش بنیادی ژان لویی فورنیه است که چون یک ترجیح‌بند، مکرراً از زبان فرزند معلولش تکرار می‌شود.» فورنیه می‌گوید: «این سوالی است که تو ما بدون وقفه از من می‌پرسد. او بی‌آنکه متوجه باشد، سوال بنیادی‌ای را مطرح می‌کند که انسان از بدو خلقت برایش بی‌پاسخ مانده است.»

مترجم در این مقدمه می‌افزاید: «فورنیه راوی زشتی‌ها نیست. او زیبایی‌ها را نیز از یاد نبرده است. کتاب بسیار کوتاه است و شیوه مینی‌مالیستی و انتی‌مستی خاص فورنیه را دارد. او توانسته است کوهی از قضایا و انبوهی از احساسات و هیجانات را در قالب تعداد اندکی از کلمات بیان کند به همین دلیل جایزه مم فمینا ۲۰۰۸ به حق سزاوار اوست.»

فورنیه، نویسنده این کتاب، در واقعیت هم دو فرزند معلول بانام‌های تو ما و ماتئو دارد. این نویسنده در سال ۱۹۳۸ میلادی متولد شد ولی فعالیت ادبی خود را بعد از ۵۲ سالگی و در دهه ۹۰ قرن گذشته میلادی شروع کرد. «کجامی ریم بابا» آخرین کتاب این نویسنده است که در سال ۲۰۰۸ منتشر شده و در همان سال به جایزه ادبی فمینا دست یافته است. «بابام هرگز آدم نکشت» و «من به جهنم نخواهم رفت» دو اثر معروف دیگر از این نویسنده فرانسوی‌اند. ترجمه فیروزی از «کجامی ریم بابا» در ۱۶۰ صفحه منتشر و روانه بازار کتاب ایران شده است.

کارنامه ادبی انتشارات خانه کتاب در سال ۱۳۸۸

انتشارات خانه کتاب، نشر کتاب در حوزه‌های مختلف از جمله ادبیات را در برنامه کاری خود دارد و کتاب‌هایی در ارتباط با مولوی، رودکی، جلال آل احمد و نقد کتاب را در سال ۱۳۸۸ به چاپ رسانده است.

«رودکی سرآمد شاعران»، «نقد ادبیات منطبق با حقیقت»، «شهود حسن»، «مولانا»، «جلال آل احمد»، «خرد و خردورزی» و «از دریچه نقد» از جمله کتاب‌های منتشر شده در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات موسسه خانه کتابند.

«رودکی سرآمد شاعران» به اهتمام منوچهر اکبری شامل مجموعه مقالات رودکی پژوهی که به مناسبت سال رودکی توسط تعدادی از استادان دانشگاه و صاحب نظران عرصه ادبیات گردآوری شده بود، در سال ۱۳۸۸ به چاپ دوم رسید.

کامران پارسی نژاد نیز کتابی در حوزه نقد ادبیات داستانی با عنوان «نقد ادبیات منطبق با حقیقت» را توسط این انتشارات راهی بازار نشر کرده است.

«شهود حسن» (مولوی و تجربه زیبانگری) عنوان اثری از مژده احمدزاده هروی است که به عنوان پایان‌نامه برتر توسط انجمن استادان زبان فارسی انتخاب شده و به چاپ رسیده است.

این کتاب به سیر تجربی و تحلیلی زیبانگری در آثار مولانا به ویژه مثنوی معنوی می‌پردازد و شامل مباحث «عشق مولوی صفتانه»، «تجربه دیدار»، «تجربه زیبانگری»، «نظریه زیبانگری» و «بهشت نقد مولوی» می‌شود.

نخستین جلد از مجموعه‌ای که موسسه خانه کتاب برای آشنایی نسل جوان و جوینده معاصر با مفاخر فرهنگی ایران در دست انتشار دارد، کتاب «مولانا» به قلم علی اوجبی است که در سال ۱۳۸۸ راهی بازار نشر شد.

این کتاب اثری روان و کوتاه حاوی زندگی‌نامه مولانا، مستند به منابع دسته اول درباره آثار مولانا و شرح و ترجمه‌های آنها، معرفی تحلیلی دیدگاه‌های انتقادی نسبت به مولانا و کتاب‌شناسی مولوی برای علاقه‌مندان به مولانا پژوهی است.

از همین مجموعه، کتاب «جلال آل احمد»، دوم آذرماه امسال مقارن با ایام تولد این نویسنده منتشر شده است. این کتاب تلاشی برای معرفی شخصیت، اندیشه‌ها و آموزه‌های جلال است و علاوه بر مقدمه، منابع، ضمیمه و سال شمار زندگی جلال، دارای سه فصل با عنوان‌های روزهای جلال، داستان‌های جلال و آراء و اندیشه‌های جلال است.

«خرد و خردورزی» (مجموعه مقالات)، ارج‌نامه دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی به کوشش علی اوجبی، دیگر کتابی است که توسط انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

«از دریچه نقد: گفتارها و جستارهای انتقادی ادبی» اثر عبدالعلی دستغیب به کوشش علیرضا قوجه زاده نیز در سال ۱۳۸۸ منتشر شد. جستارهایی درباره مقوله نقد ادبی و ادبیات معاصر ایران که از دهه سی تاکنون در نشریات متعدد چاپ شده، در این کتاب آمده است و منتقدان جوان را در عمل با نقد علمی، اخلاقی و تحلیلی امروز آشنا می‌سازد.

کتاب، مطالبی در حوزه ادبیات، هنر و فلسفه دارد. از سوی دیگر واکاوی و نقد کتاب‌های شعر و داستان و سنجش آثار بزرگان ادب فارسی آمیخته با نظریه‌های فلسفی و ادبی در این کتاب گنجانده شده‌اند.



کشف حقایق را دوست نداریم

سالیان گذشته از شهادت سید مرتضی آوینی، فرصت کمی نیست و این قدر هست که بتواند درک احساسی و عقاقلانه را از این چهره فرهنگی زمانه ما، برابر کند.

سید مرتضی آوینی در بیشتر عمرش «صدا» بود. نخستین شنونده، خودش بود و بعد اطرافیان. با وقوع انقلاب اسلامی، شنندگان صدای او بیشتر شدند تا آنجا که بعد از شهادتش، بسیاری می توانند ادعا کنند، حداقل نام و صدای او را شنیده اند. نیمه دوم از آخرین دهه زندگی سید مرتضی آوینی، بخشی قابل توجه است. آن «صدا» بعد از جنگ و در حدود پنج سال «چهره» شد و این چهره به نظر آشنا می آمد، اما کجا بود که «خرج» نشده بود؟

«جاذبه» و «شهرت» برای آوینی، مسائل تمام شده و حل شده ای بودند. به همین علت، جنس جاذبه او، از نوع مرسوم نبود. آنان که مثل خودش بی ریا، زندگی و فکر می کردند، فهمیدند آوینی کیست. اما کسانی که می خواستند پشت جاذبه او سنگر بگیرند، خیلی زود ناامید شدند و در روزهای نزدیک به شهادتش، از در شکوایت به او نگاه کردند. پس از فروردین ۱۳۷۲ علقه مندان سید مرتضی آوینی خیلی زیاد شدند. جز آن که خوی ایرانی، در مرگ کسان و چهره ها اهل ستایش است، تماشا می یکسانی حرف و عمل یک ایرانی نویسنده و هنرمند هم ستایش برانگیز است.



علاقه به سید مرتضی آوینی، زمینه توجه به فرهنگ دوران دفاع هشت ساله بود. آوینی، چون آینه ای در برابر جنگ ایستاده بود و به سادگی، از زندگی در جنگ می گفت و می نوشت. خود را امانت دار تصاویری که دیده بود، می دانست و تحفه او برای مخاطبان، محصولی بود که احساس و اندیشه را به یک اندازه و متناسب برانگیزاند و در قالب رابطه منطقی ظرف و مظهر بگنجد. این احساس در جمع مخاطبان پس از شهادت او، با توجه جدی به آثار مکتوب و مصور، به اعتدال می رسید و زمینه رشد افکار آوینی درباره مسائل فرهنگی جامعه و به ویژه دوران دفاع هشت ساله به وجود می آمد. آیا این اتفاق روی داد؟ در طول سالیانی که از شهادت سید مرتضی آوینی گذشته، آثار او بارها تجدید چاپ شده اند. ولی رویکرد احساسی، بر این کار تاثیر گذاشته است. یعنی بیشتر از آن بخش آثار استقبال شده که جنبه حسی و عاطفی نسبت به وقایع دوران دفاع هشت ساله دارند.

جمله های قشنگ سید مرتضی آوینی، ورد زبان ها و نقش بند در و دیوارهاست. اما از دقت در تفکر او که این جمله ها و در کل سبک بیانی و زبانی اش را پرورش داده، خبری نیست و این وضعیت، تکرار همان کم لطفی پنهانی است که در حق متفکران و اندیشمندان ایرانی روا داشته می شود. چرا ما از شناخت و آشنایی عمیق می هراسیم؟ سید مرتضی آوینی برای علاقه مندان زبانت از آن می شود که تصور می کنند، به آن شرط که مثل او، بیش از ستایش حقیقت، کشف حقایق و رازها را دوست ندارند.

یادداشتی از شهید مرتضی آوینی درباره «ادبیات انقلاب»

آینده جهان در دست هنرمندان اسلامی است

مسأله دیگر به مخاطب بازمی گردد. مخاطبین ادبیات جدید، معتاد به سبک ها و قالبی هستند که اصلا تحمل حرف های جدی را ندارند. به مجرد آن که به یک حرف جدی برخورد کنند، نهیلیسم رایج حکم بر رد آن می کند.

شما همین نوشته ها را که به نظر شعاری می رسد به مخاطب مناسب خودش بدهید، خواهید دید که او حقیقت این شعار را دریافت خواهد کرد، مشروط بر آن که خود قصه یا ادبیات مورد نظر نیز پیام را چون یک باری که به دشواری بر شانه های خویش حمل می کند، قبول کرده باشد.

ادبیات شعاری، ادبیات سفارشی است و سفارش یعنی آن که نویسنده یا شاعر تلاش کند از چیزی سخن بگوید که در وجود خودش نیست. ادبیات جدید محاکات عوالم درونی و شخصی است و نویسنده تا تجربه ای شخصی و درونی نداشته باشد نباید از آن سخن بگوید. در اینجا لفظ شعاری کاملاً به معنای خاص خویش مصداق دارد. اما اگر نویسنده ای از تجربه ای عمیق در زندگی خویش می نویسد و مهارت کافی نیز داشته باشد، اینجا شعارها بسیار زیبا جلوه خواهد کرد. من قصه هایی را خوانده ام که از مسائلی بسیار جدی سخن گفته اند، ولی از آنجا که نویسنده خود حقیقت شعارها را تجربه کرده است، دیگر سخن شعاری جلوه نمی کند.

تاثیر ادبیات بر انقلاب

ادبیات به طور قطع بر انقلاب تاثیر نداشته است. انقلاب اسلامی، انقلابی منشاء گرفته از رهبری روشنفکران نیست، خلاف انقلاب هایی که در دنیای جدید اتفاق افتاده است بلکه انقلابی است که در رابطه خاص بین مردم و مراجع دینی شان اتفاق افتاده است و البته زمینه فکری انقلاب و معنویت آن،



اگر این انتقاد عنوان می شود که بالفرض ادبیات انقلاب شعار زده است مهم ترین دلیل این مسأله این است که ما درست در همان فضای ادبیات قبل از انقلاب، که ادبیات غرب زده و به شدت منفعل در برابر غرب است، می خواهیم سخنانی را مطرح کنیم که اصلاً مناسبتی با این فضا ندارد.

ادبیات مدرن همان طور که گفتیم، حدیث نفس و محاکات عوامل و اوام نفسانی است که در اینجا حتی خود ادبیات جدید در تبعیت از نهیلیسم رایج به جایی رسیده است که حتی داستان داشتن را انکار می کند. ادبیات نو به ضد داستان تبدیل شده است و در صورت حاد خویش هر نوع محتوا یا معنای جدی را نفی می کند.

نمی دانم شما آثار جدید آمریکایی را خوانده اید یا نه. اگر آثار جی.دی سالیانجر را بخوانید، خواهید دید که ادبیات نو چرانی می تواند حرف های هنرمندان بعد از انقلاب را تحمل کند.

هفده سال از آن روز فروردین سال ۱۳۷۲ که سید مرتضی آوینی شهید شد، می گذرد و هر سال به آن مناسبت، به یاد مانده ها را جست و جو می کنیم تا رد بکر و دست نخورده ای از آن ذهن پویا و کوشا گلچین کنیم. برای این سالگرد آوینی، یادداشت از حوالی آخرین سال های زندگی این شهید برگزیده ایم. این یادداشت یادگار نشستنی با آوینی درباره «بررسی و ارزیابی قصه بعد از انقلاب» است و چند صفحه از نوشته های وی در یکی از سررسید هایش که روزهایی از آذر سال ۱۳۷۰ را نشان می دهند و احتمال دارد در همان روزها نوشته شده باشند. یادش گرمی.

رابطه شعار و شعور در واقع رابطه ظاهر و باطن و جسم و روح است. اگر این رابطه برقرار باشد، در واقع شعار همواره دلالت بر مدلول خویش که شعور نهفته در باطن آن باشد، خواهد کرد.

هر تفکری ناچار است که در ظاهر به شعارهایی متناسب که دلالت بر باطن او داشته باشد، تبدیل شود. تا موقعی که این رابطه باقی است، شعار زیباست، اما درد از هنگامی آغاز می شود که آن رابطه منقطع می شود.

در اینجا یک مسأله اساسی وجود دارد که باید مورد تذکر قرار گیرد و آن این است که ادبیات مدرن، در طول تاریخی خویش، متناسب است با غایاتی که علت وجودی آن بوده است، سبک ها و قالب خاص یافته است که هر مظهری را نمی پذیرد.

ادبیات جدید، حدیث نفس است، محاکات عوالم و اوام نفسانی هنرمندان است و این صرف نظر از آن که به سمت رحمانیت و یا شیطان زدگی میل کند، خود به خود قالبی است که مدالیل و محتویات خاصی را می پذیرد و لاغیر.

شهید آوینی جزء جدانشدنی روایت فتح

تاثیرگذاری قابل توجهی داشته است. «کریم پور می گوید: «بی گمان شهید آوینی جزو جدانشدنی از آثار روایت فتح است و مخاطبان با صدای ایشان ارتباط حسی برقرار کرده اند که متأسفانه در آثار دیگر به چشم نمی خورد یا کمتر به چشم می آید. به همین دلیل برای برقراری ارتباط مخاطب با آثار دیگر دفاع مقدس از صدای شهید آوینی شبیه سازی و توسط برادر ایشان - سید محمد آوینی - اجرا شده است که همین امر، ارتباط بین مخاطب و آثار مرتبط را نزدیک تر کرده است. به این علت که شهید آوینی و صدایش تاثیر عمیقی بر روایت فتح و آثار دفاع مقدس داشته است.»

موسسه نشر روایت فتح در حوزه چاپ آثار شهید آوینی، به شکل خاطره گویی عمل کرده که مستند بودن آن به شکل ساده روایت شده است. این، منوط به مستند بودن موضوع و صدق گفتار خاطره گوست و به نویسنده تازه کار یا با تجربه بودن ارتباطی ندارد، بلکه آثار شهید آوینی با مدرک به چاپ رسیده اند.

کریم پور درباره نشر و توزیع صحیح آثار موسسه روایت فتح می گوید: «با نهاد کتابخانه های عمومی کشور برای تجهیز این نهاد به آثارمان، به توافق رسیده ایم و قراردادی به مبلغ یک میلیارد و پانصد میلیون ریال با مهندس واعظی، مدیر آن نهاد به ثبت رسانده ایم که در حال انجام است. همچنین، معاونت

است، تصاویر شهیدان حسن هادی (فیلمبردار) و حسین شریعتی (دستیار فیلمبردار) نقش بسته اند. طبقه سوم این نشر، کتابخانه است که برای استفاده اعضا و پژوهشگران بنا نهاده شده است.

موسسه روایت فتح که در خیابان شهید فلاح پور واقع شده است سال ۱۳۷۱ به پیشنهاد رجیبی معمار، علیرضا افشار، مهدی همایون فرو شهید آوینی شروع به کار کرد و به طور گسترده تر در سال ۱۳۷۵ کار خود را پیش گرفت. موسسه نشر روایت فتح حول سه محور انقلاب، دفاع مقدس و بین الملل اسلام به نشر آثار می پردازد و در حوزه آثار شهید آوینی، به گفته مدیر مسوول موسسه، تمام آثار آن شهید را به چاپ رسانده است. محمد حسین کریم پور، مدیر مسوول موسسه نشر روایت فتح در این باره می گوید: «نخستین نشر آثار شهید آوینی سال ۱۳۷۶ اتفاق افتاد و سپس در سال ۱۳۷۸ شکل ساختارمندتری به خود گرفت و مباحث کلامی، نظری - رفتار - سیاست های انقلابی و وجوه اشتراکات آوینی و رهبری را به چاپ رساند.»

کریم پور در جواب به این سوال که «آیا کتاب های مرتبط با شهید آوینی، تاثیرگذاری فیلم های مستند روایت فتح را - که توسط این شهید ساخته شدند و با صدای ایشان نریشن گذاری شده بودند دارند - می گوید: «بله، اما در حوزه کتاب به یقین با تعداد محدودتری از مخاطبان در ارتباطیم. با این همه،

کوروش شیوا: بیستم فروردین ماه مصادف است با سالگرد شهادت سید مرتضی آوینی و روز هنر اسلامی نیز نام گرفته است.

سید شهیدان اهل قلم، نام آشنایی است که بدون شک در به تصویر کشیدن وقایع دفاع مقدس و ارزش های آن نقش بسزایی داشت. در همین راستا، موسسه نشر روایت فتح برای اشاعه و نشر آثار شهید آوینی فعالیت های چشمگیری داشته است. موسسه ای که خود شهید آوینی در بنیان گذاشتن آن، نقش عمده ای داشت. این گزارش به مناسبت سالروز شهادت سید مرتضی آوینی، به بررسی عملکرد نشر روایت فتح و چگونگی تداوم اندیشه های آوینی می پردازد.

پژواک صدای سید مرتضی در ساختمانی فرهنگی

دیوارهای راهروی ورودی موسسه روایت فتح به عکس شهدای رسانه روایت فتح مزین شده است. در سمت راست تصاویر شهیدان؛ سید ابراهیم اصغر زاده (کارگردان)، بهروز فلاحت پور (فیلمبردار)، قاسم بوذری (صدابردار) و سمت چپ تصاویر شهیدان رضا مرادی نسب (صدابردار) و سید مرتضی آوینی. روی دیوار راهروی طبقه اول که ساختمان فنی است، عکس های شهیدان علی طالبی (فیلمبردار) و امیر اسکندر یکه تاز (فیلمبردار) قرار دارند و روی دیوار طبقه دوم که ساختمان تولید

پیشاپیش در ادبیات کهن این مرز و بوم وجود دارد و در این معنا، هرگز نمی توان بین فرهنگ ملی و اسلامی تفارقی قائل شد.

آنچه که در ادبیات کهن ایران ظاهر شده است، حقیقت اسلام (دین) است. چنانچه شما دیدید حضرت امام امت نیز وقتی می خواهند از نهفته ترین حقایق قلبی خویش سخن بگویند ربه شعر می آورند اما ادبیات به طور مستقیم و خاص اثری در شکل گیری انقلاب نداشته است و همان طور که عرض کردم، انقلاب اسلامی در رابطه خاص مردم و مراجع روحانی شان شکل گرفته است.

در این انقلاب در واقع روشنفکران هستند که باید خود را با مردم همرو و انقلاب همراه کنند نه بالعکس. ادبیات ما به شدت متأثر از فرهنگ غرب و منفعل در برابر آن بوده است و این البته یک ضرورت تاریخی بوده است که با پیروزی انقلاب اسلامی، عصر آن به اتمام رسیده است. انقلاب اسلامی یک انقلاب صرفاً سیاسی نیست و یک انقلاب اصالتاً فرهنگی است و بنابراین تاثیر آن در ادبیات تنها در این زمینه نخواهد بود که مثلاً مضامین و موضوعات جدیدی را برای شعر یا ادبای گذشته بیافریند.

انقلاب اسلامی با ایجاد تحول انفسی، تحول درونی و فرهنگی در انسان ها به وقوع پیوسته است و در همین عرصه، هنرمندان و نویسندگان تازه ای پرورش داده و خواهد داد که این انسان های پرورش یافته انقلاب و متعهد، ارائه مضامین آن را برعهده خواهند گرفت. انقلاب اسلامی هرگز چون انقلاب های دیگری که شاهد آن بوده ایم با فضای هنر و ادبیات این گونه برخورد نکرده است که آزادی هنرمندان را سلب کند و به آنها سفارش مضامین انقلابی بدهد.

همه کسانی که اکنون برای انقلاب قلم می زنند، به انگیزه های درونی خودشان عمل می کنند. آنها نخست انقلابی هستند و بعداً این خودشان هستند که علایق انقلابی خودشان را محاکات می کنند. هنر با سفارش خلق نمی شود و اگر اثری نیز با سفارش نوشته شود، این حالت تحمیل در آن کاملاً مشهود خواهد بود. انقلاب اسلامی فرزندان هنرمندی دارد که آنها فقط محدود و محصور در این مرز و بوم و این روزگار نیستند. آنها عرصه فردی جهان را فتح خواهند کرد.

فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تجهیز کاروان های راهیان نور یکصد و سی هزار نسخه که شامل ۲۶ عنوان پنج هزار نسخه است، از مادرخواست کرده است.

ساقی؛ نشری در دل نشر دیگر

شاید کمتر کسی بداند که انتشارات ساقی که مدیرمسئول آن هم محمدحسین کریم پور است، در کنار موسسه نشر روایت فتح و واقع در همان مکان به فعالیت مشغول است. انتشارات ساقی که در دل مجموعه روایت فتح در سال ۱۳۷۶ آغاز به کار کرده است، حول پنج محور سینما، سینمای مستند، داستان، فرهنگ و فلسفه و سیاست فعالیت می کند.

تاکنون در موسسه نشر روایت فتح ۱۱۶ عنوان کتاب و در انتشارات ساقی ۸۰ عنوان کتاب به چاپ رسیده است که آثار در دست انتشار به زودی برای عرضه به نمایشگاه بین المللی کتاب تهران خواهد رسید.

آثار در دست انتشار روایت فتح عبارتند از: «زندگی سلطنتی در قصر زمردی» راجیو چاندر اسکان و «تنگ و شاخه زیتون» مترجم علیرضا عبادتی.

آثار در دست انتشار ساقی نیز عبارتند از: «گردآوری نقاشی» (خط خاطرات) سیدعباس میرهاشمی، «بوطیقای ارسطو برای فیلمنامه نویسان» ترجمه محمد گذرآبادی، «ایترنت» هیوبرت ال دریفوس ترجمه علی فارسی نژاد، «لابی اسرائیل و سیاست خارجی آمریکا» میرل شیمیر و استفان ام والت با ترجمه علی عبدالمحمدی، «دولت های ورشکسته» نوام چامسکی، ترجمه پوپک محبی و «خون و نفت» مایکل کلیر با ترجمه وحید موسوی.

در گفت و گو با میراحمد میراحسان مطرح شد

حسینی؛ پلی برای رسیدن به حماسه در شعر سپید

در حوزه های شعر، تحقیق، ترجمه و تالیف، سید حسن حسینی نامی آشناست. او سال ۱۳۳۵ در محله سلسبیل تهران به دنیا آمد و بعد از دریافت دیپلم طبیعی، لیسانس رشته تغذیه را از دانشگاه مشهد دریافت کرد. اما فوق لیسانس و دکتری را، در رشته ادبیات فارسی گذراند. وی از سال ۵۲ نوشتن و سرودن را در مطبوعات، به ویژه مجله فردوسی آغاز کرد و در سال ۵۸، به حوزه هنر و اندیشه اسلامی پیوست. حسینی در حوزه هنری، مسوولیت بخش ادبیات و شعر را همراه قیصر امین پور بر عهده داشت. او در کنار سرودن شعر و تدریس در دانشگاه در سال های آخر عمرش به سبک شناسی قرآن و زبان شناسی حافظ مشغول بود و در ۹ فروردین ۱۳۸۳ بر اثر سکته قلبی، درگذشت. «همصدا با حلق اسماعیل»، مجموعه اشعار عاشورایی «گنجشک و جبرئیل» و ترجمه گزیده ای از آثار جبران خلیل جبران با نام «حمام روح» از جمله آثار این شخصیت ادبی است. میراحمد میراحسان، شاعر و منتقد ادبی در گفت و گو با «کتاب هفته» به بررسی نقش و جایگاه او در شعر انقلاب اسلامی پرداخته است که مشروح آن در ادامه می آید.

شعر هایش را در مجله فردوسی منتشر کرد. اما به عنوان شاعر مستعدی که توان سرودن غزل را در حوزه شعر کلاسیک داشت، غزل نیز می سرود. پس از پیروزی انقلاب نگاهی ارتجاعی در حوزه شعر پیدا شد که مروجین آن؛ این نگاه را به محافل ادبی آن روز تحمیل می کردند. آنها معتقد بودند که شعر نو وارداتی است و شاعران باید با رجوع به سنت ادبی سعدی و حافظ شعر کلاسیک بسازند.

انها شعر مدرن را قبول نداشتند و مقتضیات آفرینش آن را نمی شناختند و در انجمن های ادبی خود با گسستن از جامعه از همان محتوای گل و بلبل و فضاهای تکراری شعر کلاسیک استفاده می کردند. البته برخی از آنها شعرهای استادانه ای نیز می سرودند.

خدمت بزرگی که حسینی در چنین فضایی به شعر انقلاب کرد، این بود که با دانش ادبی بالا در مقابل این جریان ایستاد و شعر مدرن را با تکیه بر چهره های مذهبی مناسب با اعتقادات جامعه پدید آورد تا بدین وسیله شاعران جوان گمراه نشوند. در چنین شرایطی باید نقش احیاگرانه حسینی و قیصر امین پور را ستود. اما باید توجه داشت که آنها شعر جدید را پدید نیاوردند، چون بنیان گذار شعر نو نیماست و شاعران مدرنش شاملو و احمدرضا احمدی هستند. بعد از انقلاب نیز شاعر معتبر در تجربه جدید طاهره صفارزاده است و م.آر.م و موسوی گرمارودی را نیز از جمله شاعران مهم سیاسی، شعر انقلاب می توان نامید.

شعرهای اعتراضی حسینی از شاخص ترین شعرهای این شاعر هستند. آیا این شعرها را می توان مهم ترین شعرهای اعتراض ایران با رنگ و بوی مذهبی و حماسی خواند؟

شعر اعتراض در دنیا به ویژه با جنبش های ضد استعماری و آزادی خواه در قرن بیستم شروع شد. در ایران نیز قبل از انقلاب عده ای پیرو این نوع شعر بودند و در حوزه شعر دینی نیز سید علی موسوی گرمارودی پیشگام این نوع شعر بود. سید حسن حسینی قبل از انقلاب، شاعر نام آوری که به دلیل سرودن شعر اعتراضی به زندان افتاده باشد، نبود، اما بعد از انقلاب باید از او و زنده یاد قیصر امین پور به عنوان چهره های شاخص شعر انقلاب نام برد. آنها تحت تاثیر آرمان های انقلاب اسلامی که ماهیت اعتراضی و ضد سلطه داشت، شعرهایی سرودند که در زمره شعر اعتراض قرار می گیرد، اما محتوای مذهبی این شعرها برجسته تر است.

کارهای پژوهشی حسینی درباره شعر دفاع مقدس از جمله پژوهش های دقیق علمی و راه گشاست. آیا شعرهای او در حوزه دفاع مقدس نیز همطراز پژوهش های او در این حوزه است؟

در شعر دفاع مقدس نیز حسینی و امین پور شاعران بسیار مهمی هستند و میراث شعری که بعد از خود به جا گذاشتند، سرمشق شاعران جوانی شد که در زمان حیات آنها سنی نداشتند. حتی معتقد هستم حسینی بهترین شعر هایش را درباره دفاع مقدس سرود. او با گره زدن شعر خود با ایمان مذهبی و حماسه عاشورا از تفکرات انقلابی خود دفاع کرد و توانست بر شاعران جوان مسلمان تاثیر وسیعی بگذارد.



شکوفایی هنر سینما در شوروی شد، مثل سینمای برتوف، آیزنشتاین و سینمای مستند که رشد آنها محصول همین انقلاب است. اما این انقلاب به عنوان یک حکومت ایدئولوژیک با ترویج تک صدایی در جامعه و بسط حکومت دیکتاتوری، پدر هنر را در آورد و آن را تبدیل به هنر مجیزگوی حکومتی کرد.

در انقلاب های دیگر نیز هنر متناسب با فضای سیاسی تغییر پیدا کرد، در ایران نیز تاثیر پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه حماسه آفرینی های دوران دفاع مقدس در سینمای مستند بی دلیل است، اما برخلاف انقلاب روسیه، انقلاب اسلامی تاثیری شگرف بر ادبیات داشت، به ویژه این تاثیر در حوزه شعر وسیع بود و موجب شد یک نوع وحدت بین حماسه، هنر و مذهب به وجود بیاید که این ویژگی در شعرهای سید حسن حسینی چشمگیر است. او با بهره گرفتن از این وحدت و با استفاده از پیشخوانه هایی که میراث ناتمام شعر نیمایی و شاملویی بود، با ذوق سرشار و خارق العاده در این مسیر پیش رفت. اما باید توجه داشته باشیم که این شاعر مهم و تاثیر گذار مکتب جدیدی ابداع نکرد، بلکه یک سبک شخصی در شعر خود به وجود آورد که ویژگی آن بسامدهای استعارات مرتبط با فرهنگ بومی و کلام و اسطوره های مذهبی مبتنی بر تجربه های حماسی بود. در واقع او و شاعران برجسته ای که در مسیر شعر انقلاب قدم گذاشته بودند با این سبک خلائی را که از آغاز شعر نیمایی تا پیروزی انقلاب میان مذهب و حماسه وجود داشت، پر کرده و وحدتی ناگسستگی میان آنها به وجود آوردند.

با وجود این که حسینی را اغلب به عنوان شاعری برجسته در حوزه شعر سپید می شناسند، اما برخی منتقدان باور دارند که او نه در شعر سپید که در حوزه غزل سربازی هم خوش درخشید. با توجه به این که می گویند هر شاعری تنها در یکی از دو حوزه شعر کلاسیک یا شعر نو می تواند سرآمد باشد، آیا حسینی در عرصه غزل موفق است یا در شعر سپید؟

حسینی از زمانی که در کارگاه های شعر نوری علا که در دهه ۵۰ دایر بود، شرکت می کرد، اولین تجربه شعری اش را با سرودن شعر نو آغاز و

برخی منتقدان بر این باورند که زنده یاد سید حسن حسینی، شعر سپید انقلاب اسلامی را تئوریزه کرد و با این کار شعر سپید را از انحصار پیروان شاملو خارج ساخت. این استدلال تا چه حد صحت دارد؟

این استدلال به هیچ وجه اساس درستی ندارد. سید حسن حسینی اگر چه شعر هایش ماهیت مذهبی و حماسی داشت اما این شعرها با استفاده از پشتوانه های شعر نیمایی به پختگی رسید. بنابراین راه او ادامه راه گذشته بود، البته شعر نو شاملویی شعری است که از اوزان عروضی چشم می پوشد و آهنگ درونی را بر پایه همنشینی کلمات اساس شعر قرار می دهد. این تجربه در اصل مربوط به شعر اوایل قرن بیستم فرانسه است که توسط فریدون رهنما وارد ادبیات ایران شد و شاملو زمانی که با رهنما آشنا شد، به این تکنیک علاقه زیادی نشان داد و این سبک را برای سرودن شعر هایش برگزید. قبل از انقلاب نیز منتقدان معروفی بودند که تئوری او را نقد و بررسی کردند و نظرات خود را در کتاب هایی که درباره شعر این شاعر نوشتند، اعلام کردند، که از جمله آنها محمد حقوقی، رضا براهنی، عبدالعلی دستغیب و نوری علا بودند.

اما شعر سپید شاعران انقلاب اسلامی با وجود حفظ فرم قبلی، با مفاهیم شیعی و مذهبی ارتباط نزدیکی پیدا کرد که شاعرانی چون م.آر.م، طاهره صفارزاده و موسوی گرمارودی از پیشگامان این حوزه بودند و این سه تن در حقیقت از مهم ترین پشتوانه ها و تجربه های شعر جوان انقلاب هستند که پیش و پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تکنیک شعر مدرن، شعرهایی با رنگ و بوی انقلابی و مذهبی سرودند.

اما مهم ترین فردی که به طور متمرکز و جدی در ارتباط با مفاهیم مذهبی به ویژه در حوزه شعر عاشورایی شعر سرود و توانست با کاربرد تکنیک های قابل توجه شعر سپید، شعر شیعی و حماسی را به اوج برساند، سید حسن حسینی است. باید توجه داشت که تکرار این اظهارات کلیشه ای که سید حسن حسینی شعر سپید انقلاب را تئوریزه کرد، حرف گزافی است. البته زنده یاد حسینی شاعر مهم و معتبری است که در حوزه شعر شیعی آثار ماندگاری را به جا گذاشت که اهمیت و جایگاه بالایی در شعر معاصر فارسی دارد، اما باید بدون غلو ارزش و جایگاه واقعی این شاعر ارزشمند انقلاب شناخته شود.

اما ادبیات همواره متأثر از رویدادهای اجتماعی و سیاسی بوده و عملاً آنچه در شعر شاعران انقلابی چون حسینی می بینیم تفاوت های بسیار زیادی با شعر سپید قبل از انقلاب، به ویژه شعر دهه ۴۰ دارد. بنابراین شما چطور شعرهای حسینی را ادامه راه شاعران پیش از انقلاب می دانید؟

درست است که تمام انقلاب ها، ادبیات متناسب با ارزش ها و آرمان های خود را به وجود می آورند، اما ما باید بدون هرگونه تعصبی درباره انقلاب و هنر صحبت کنیم، مثلاً بنده معتقدم اگر رابطه هنر، به ویژه ادبیات را با انقلاب اکبر شوروی بررسی کنیم، متوجه می شویم که انقلاب روسیه که در دوره آغازینش هنوز یک نظام دموکراتیک نیست موجب



کاوه رحمانی

نشریه کتاب ماه کلیات، یکی از نشریاتی است که به نوعی می توان آن را خودی ترین نشریه خانه کتاب به حساب آورد، چرا که روزنامه نگاری، اطلاع رسانی و کتابداری موضوع این نشریه است و این موضوعات، چه به ما که در حوزه کتاب و رسانه کار می کنیم و چه برای سایر اهالی نشر، بیشترین اهمیت را دارد. متنی که در ادامه می آید، گفت و گو با سردبیر این نشریه، داریوش مطلبی است. وی که چهار سال است به عنوان سردبیر در کتاب ماه کلیات کار می کند، در رشته کتابداری و اطلاع رسانی و در مقطع دکتری تحصیل می کند. او عضو هیات علمی دانشگاه آزاد نیز هست و حدود بیست مقاله علمی در کارنامه اش دارد. مطلبی علاوه بر کارگاه های آموزشی متعدد، پروژه های علمی زیادی را به انجام رسانیده و هشت کتاب در کارنامه اش دارد که از جمله آنها می توان به ترجمه «سازمان جهانی شابک»، «فهرست نویسی و رده بندی برای کتابداران» و تهیه کتاب های «مرجع نشر ایران» و «کارنامه نشر» اشاره کرد.

گفت و گو با داریوش مطلبی، سردبیر کتاب ماه کلیات

دایره کتابداری را محدود نکرده ایم

کتاب آن حوزه را به کمک صاحب نظران و منتقدان، شناسایی و نقد کنیم. ماهمچنین، به مزایا و خصوصیات کتاب پرداخته ایم تا مترجمان و به ویژه مترجمان جوان تر بدانند که چه کتاب هایی را می توانند برای ترجمه مورد استفاده قرار دهند.

نکته بعدی که در سال گذشته به آن پرداختیم، مباحث بین رشته ای بود. احساس ما این است که در دنیای امروز هیچ رشته ای نمی تواند دور خود را با یک دیوار بپوشاند و ادعا کند که از رشته های دیگر مستقل است. مثلاً کسی که در رشته کتابداری فعالیت می کند، نمی تواند کارش را جدا از رشته های دیگر بداند. بحث ما روی مباحث میان رشته ای و تأثیری است که علوم مختلف بر هم می گذارند. از همین رو، مباحث میان رشته ای مجله را تعریف کردیم و این تعریف بیشتر روی مسائلی چون «علم سنجی و وب سنجی»، «مدیریت و دانش»، «سواد اطلاعاتی»، «حقوق مولف»، «جامعه اطلاعاتی»، «اقتصاد اطلاعات» و «مسائل مرتبط با وب معنایی و بازیابی ماشینی» تمرکز بیشتری کردیم. از سوی دیگر در مورد حوزه هایی که ارتباط بیشتری با کار ما دارند، چون اقتصاد، جامعه شناسی، علوم کامپیوتری و ارتباطات کنکاش بیشتری انجام دادیم. توجه ما به این علوم از آن رو صورت گرفت تا جایگاه متخصصان کتابداری در میان سایر علوم مشخص شود و این مساله جا بیفتد که کتابداران هم می توانند وارد حوزه های دیگر بشوند.

این نکته سبب تداخل شما با همکاران کتاب ماه های دیگر نشد؟

ما مطالبی را در مورد حقوق مادی و معنوی مولف منتشر کردیم که به نوعی به علوم اجتماعی و جامعه شناسی مربوط می شد. اما من تقریباً بیشتر شماره های کتاب ماه علوم اجتماعی را ورق زدم و چیزی در این مورد در آنها ندیدم. به نظر می رسد که آن قدر مطالب مهم تری مورد توجه دوستان بوده که فرصت توجه به این مساله را نداشته اند. مساله دیگر در مورد این موضوع خاص، این بود که ارتباط بسیار نزدیکی با ما داشت؛ چرا که مخاطبان ما را اغلب ناشران و پدیدآورندگان کتاب تشکیل می دهند.

مثال دیگری که می توان عنوان کنم، «بازیابی ماشینی اطلاعات» است. این موضوع با موضوعاتی که دوستان در کتاب ماه علوم و فنون کار می کنند، بسیار نزدیک است. اما چون در این مبحث، نکاتی چون ذخیره، سازماندهی و پردازش اطلاعات مطرح می شود، پس موضوع مورد بحث ما نیز هست. این تلاش ها به گونه ای صورت گرفته تا کمترین همپوشانی مطرح باشد، هر چند که جامعه مخاطبان ما با هم فرق می کنند و این نکته سبب می شود تا در نهایت مشکلی ایجاد نشود.

مخاطبان شما به طور عمده چه کسانی هستند؟

مجلات کتاب ماه کلیات چون سایر نشریات کتاب ماه، نشریه ای تخصصی به حساب می آید و از همین رو مخاطبان آن را دانشگاهیان و افراد متخصص تشکیل می دهند. در کنار دانشگاهیان و اهالی رسانه که به طور حرفه ای در حوزه رسانه کار می کنند، افرادی که سال ها به طور تجربی کار کرده اند، مخاطب ما هستند. تلاش ما این است که مطالبمان در عین علمی بودن، به زبان و شیوه ساده نوشته شوند.



توجه قرار دادید. به طور اخص در سال گذشته چه روندی را دنبال کردید؟

ما در سال گذشته شروع کننده دو سه فعالیت بودیم و ما با توجه به آنکه می بایست به نقد و تحلیل منابع منشر شده بپردازیم، در حوزه هایی که کمتر کتاب تولید می شد یا آن هایی که منتشر می شدند دارای کیفیت نبودند، سعی کردیم با ایجاد بخشی به نام دیدگاه، به جریان سازی در این حوزه ها و نقد خلا های موجود آن بپردازیم. ما سعی کرده ایم با سفارش مقاله و دعوت از صاحب نظران، دیدگاه ها و نظرات آنها را در مورد حوزه های جدید که مورد نیاز جامعه بود، بیشتر مورد توجه قرار دهیم. نکته دیگری که از دو سال قبل آغاز کرده بودیم و در سال گذشته به صورت هدفمندتر به آن پرداختیم، نقد و بررسی کتاب های خارجی ای بود که در آن موضوعات، کمتر در داخل کشور کار شده است. هدف ما بیشتر این بود که این نقدها، راهنمایی برای مترجمانی باشد که در جستجوی منابع دست اول و بکر سایر کشورها هستند. طبیعتاً در هر شماره ما به یک موضوع خاص در قالب دو یا سه کتاب خاص پرداخته ایم و همواره بر این تلاش بوده ایم تا بهترین

را از تهران به دیگر شهرستان ها گسترش دهیم. در حال حاضر، ما مطالبی را از نویسندگانی داریم که در تهران و شهرستان ها با نشریه همکاری می کنند. یعنی از گروه های دانشگاهی ای در دانشگاه های چمران اهواز، فردوسی مشهد و دانشگاه شیراز بهره می گیریم و علاوه بر آن از غیر دانشگاهیانی که در تهران حضور ندارند نیز مساعدت می گیریم. بر این مناسعی کرده ایم تا علاوه بر گسترش دایره همکاران، با توجه به شیوه نامه ای که داریم، کیفیت مطالب را نیز افزایش دهیم. از سویی، به نقدهایی که در مورد نشریه شده توجه داشته ایم و بر این بوده ایم تا جوانب مختلف نشریه را که شامل حوزه مهمی چون روزنامه نگاری می شود، بیشتر مورد توجه قرار دهیم. استفاده از دیدگاه صاحب نظران، همواره چراغ راه ما بوده تا کیفیت مجله را افزایش دهیم. ما از نخستین نشریه های خانه کتاب هستیم که بدون ابلاغ هیات امنای محترم خانه کتاب، هیات تحریریه و علمی داشته ایم و با تشکیل یک هیات تحریریه پنج نفره که از استادان دانشگاه و متخصصان تشکیل شده بود، کارمان را ادامه دادیم.

این نکات روندی بود که در این چهار سال مورد

کتاب ماه کلیات در دوره سردبیری شما چه تغییراتی را پشت سر گذاشته و چه برنامه هایی را دنبال کرده است؟

در ابتدا باید از دوستانی که پیش از ما به انتشار کتاب ماه کلیات اشتغال داشتند، تشکر کنم. دوستان نزدیک به ۹ سال، مسولیت کتاب ماه را به عهده داشتند و نشریه ای را ساخته بودند که مخاطبان خاص خود را داشت. مطالب علمی خوبی در کتاب ماه کلیات منتشر می شد و ما امیدواریم که ادامه دهندگان خوبی برای این نشریه باشیم. ما و مدار تلاش این دوستانیم. با این همه، زمانی که ما نشریه را تحویل گرفتیم، هفت هشت شماره از سیر طبیعی خود عقب بود. ما باید تلاش می کردیم که همزمان با جبران این عقب ماندگی، کیفیت مطالب را نیز حفظ کنیم. به همین علت مجبور بودیم که برنامه ریزی دقیق تری انجام دهیم. از همان ابتدا به فکر این بودیم که جامعه مخاطبان خود را شناسایی و بر اساس این تنوع برنامه ریزی کنیم. به همین منظور، شروع به برپایی جلساتی با مخاطبان نشریه کردیم، مخاطبانی که اغلب از قشر دانشگاهی بودند. دانشجویان دوره کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترا و استادان دانشگاه، مخاطبان بالقوه ما بودند و مادر جلسات از مشورت ایشان بهره بسیاری گرفتیم. با بررسی به عمل آمده متوجه شدیم که جامعه مخاطبان چه نیازی دارند، جامعه علمی ما دارای چه خلأهایی است و چگونه باید به این مسائل توجه کرد.

یکی از مشکلاتی که حس کردیم نشریه با آن دست به گریبان است، آن بود که حس کردیم عنوان «کلیات» به تنهایی جوابگوی محتوای نشریه نیست و همین نکته سبب می شود تا ما در جذب مخاطب جدید، دچار مشکل شویم. ما با مشورتی که با دوستان خانه کتاب و دیگر صاحب نظران داشتیم، به این نتیجه رسیدیم که عنوان فرعی «اطلاعات، ارتباطات و دانش شناسی» را نیز به نشریه اضافه کنیم. این عنوان از یک سال بعد به نشریه افزوده شد. در بخش اطلاعات کوشیدیم تا به مقوله کتابداری و اطلاع رسانی بپردازیم؛ در بخش ارتباطات به روزنامه نگاری و رسانه توجه بیشتری داشتیم و در بخش دانش شناسی، بر مرجع نگاری و نسخ خطی تمرکز بیشتری داشتیم.

برای بهبود کیفیت نشریه چه کرده اید؟

برای این که کیفیت مطالب نشریه سیر صعودی داشته باشند، بررسی دقیقی انجام دادیم و نتیجه آن چارچوب هایی بودند که برای نقدها و مطالب نشریه در نظر گرفته شدند. در واقع برای نقدها، شیوه نامه علمی طراحی کردیم و این شیوه نامه را برای افرادی که می خواستند مقالاتی برای ما بنویسند، فرستادیم. ما همچنین از دوستان انتظار داشتیم تا این شیوه نامه را کامل تر کنند. در کنار این مسائل، کوشیدیم تا چارچوب مقالات حفظ شوند. به همین دلیل از دو دور بهره گرفتیم تا مطالب پس از تایید ایشان منتشر شوند. تمام تلاش های ما طی این دوره، آن بوده تا علاوه بر توجه به نیازهای مخاطب، خلأهای جامعه علمی دیده شود. به همین دلیل، کوشیدیم تا از استادان دانشگاهی و متخصصان غیر دانشگاهی استفاده کنیم. همچنین، بنا را بر این گذاشتیم تا دایره نویسندگانمان



سینماگران از بی توجهی به اقتباس می گویند

اقتباس؛ راز ماندگاری سینما

گذشت. ما را چه افتاده که سینمای جهان بیش از هفتاد درصد تولیداتش بر اساس داستان‌ها و رمان‌ها است و ما اینچنین بی تفاوت به ادبیات و سرگردان فیلم می‌سازیم. آیا باید راهکارهایی تازه برای سینمایی که ضعف فیلمنامه پاشنه آشیل آن شده پیدا کنیم یا همین ارابه را در چرخه تکرار و سطحی‌نگری بتازانیم، آنچنان که سینمای امروز ایران را بی شباهت به «سینمای فیلم فارسی» نخوانده‌اند؟

ادبیات کلاسیک و معاصر ایران از وجوه ممتازی برخوردار است که می‌تواند فرصت ساخت آثار مناسب را در اختیار سینماگران قرار دهد اما چرا هر چه از این امر در مطبوعات یا در میان منتقدان سخن به میان می‌آید، توجهی از سوی سینماگران صورت نمی‌گیرد. سینمایی که با استفاده از ادبیات ارزشمند ایرانی - که شهره جهان است - خواهد توانست بیش از گذشته بر تاثیرگذاری خود هم بر ایرانیان و هم بر مخاطبانش در سراسر جهان، بیفزاید.

سینمای ایران در چند سال گذشته همواره بی توجه به جریان‌های ادبی ممتازی که در ایران و سراسر جهان در حوزه داستان وجود دارد حرکت کرده است. ساخته شدن تنها یک یا دو فیلم اقتباسی از میان انبوه آثار ساخته شده، نشان می‌دهد که کارگردانان برای انتخاب داستان فیلم خود تنها به سلیقه‌ها و داشته‌های خود متکی بوده و این امر موجب نتیجه‌ای ناخوشایند برای سینمای ایران بوده است.

مشکل اصلی سینمای ایران در داستان‌پردازی، شخصیت‌پردازی و سوژه‌نگاری است. مشکلی که چاره آن نگاه همه جانبه به ادبیات است. اما گویا سینمای ایران ادبیات را نادیده گرفته است در حالی که تولید انبوه فیلم‌های سطحی نشان از فقدان فیلمنامه‌های ارزشمند و دارای بضاعت ادبی در سینمای ما دارد. نشانش این که امسال تنها ردپای فیلم اقتباسی در سینمای ایران مربوط می‌شود به فیلم «تردید»، اثر واروژ کریم‌مسیحی که از داستان «هملت» شکسپیر برای نگارش فیلم‌نامه اقتباس شده بود و اثر درخشان دیگری به چشم نمی‌خورد به جز. شاید چند ستاره کم فروغ که به سختی بتوان نام «اقتباس» بر آنها

حمایت ویژه از اقتباس



علی معلم، منتقد و تهیه‌کننده سینما نیز در این زمینه باره کتاب هفته گفت یکی از ایرادهای اساسی نبود رابطه مستمر سینما با ادبیات است.

به عنوان منتقدی که سال‌هاست در حوزه سینما فعالیت دارید، فکر می‌کنید چرا سینمای ایران کمتر سراغ ساخت آثار اقتباسی رفته است؟ در این باره چندین معضل و مشکل وجود

دارد. مهم‌ترین مشکل این است که سینمای ایران با ادبیات داستانی رابطه‌ای قوی و مستمر ندارد و خیلی ادبیات داستانی را دنبال نمی‌کند.

همچنین برای ساخت فیلم‌های سینمایی که بر اساس ادبیات داستانی ساخته می‌شوند، به دلیل مسائل اجتماعی و ساختار درونی، محدودیت‌هایی وجود دارد که تکنگانهایی را برای فیلمنامه‌نویس و کارگردان ایجاد می‌کند.

سینمای ما به ادبیات داستانی جهان هم بی توجه است؟

در این حوزه نیازمند گفت‌وگو برای ساخت و پخش آن هستیم. چون سینما، رسانه‌ای جهانی است و با این که ما عضو قانون جهانی کپی‌رایت نیستیم؛ اما خود را باید ملزم بدانیم که حقوق نویسنده را به جا آوریم. در عین حال ساز و کار سینمای ما با حوزه صنعت سینمای جهان چندان ارتباط قوی و گسترده‌ای ندارد.

شما به عنوان تهیه‌کننده آیا به دنبال ساخت فیلم اقتباسی هستید یا خیر؟

بله این روزها در حال آماده‌سازی فیلمنامه‌ای هستم که بر اساس رمانی ایرانی نوشته شده و با چند سینماگر برای ساخت این فیلمنامه مذاکره کرده‌ام.

نقش حمایت‌های دولتی را در این حوزه چقدر موثر می‌دانید؟

دولت باید امتیازهای ویژه‌ای را برای فیلم‌های اقتباسی قائل شود و برای این آثار هزینه کند. این فیلم‌ها برای ساخت پرهزینه‌اند و اگر توجه لازم نسبت به آنها صورت نگیرد، فرصت تولید را از دست می‌دهند، چراکه توانایی مالی ساخت این گونه آثار در بخش خصوصی وجود ندارد.

از سوی دیگر بسیاری از سینماگران ما تنها به دنبال سوژه‌های دم‌دستی هستند و از توجه به ادبیات برای هزینه بالای آن صرف نظر می‌کنند. در واقع بسیاری از فیلم‌های ما، آپارتمانی شده‌اند؛ ولی ادبیات می‌تواند کمک کند که بتوانیم به این وضعیت سروسامانی بخشیم و از تولید این همه آثار سطحی و بی‌مایه دور شویم. تنها با دادن یک سیم‌رغ نمی‌توان به سینمای اقتباسی نزدیک شد.

آیا کتاب‌های پر فروش ایرانی نیز با وجود انتقادهایی که از آنها می‌شود، می‌توانند بن‌مایه ساخت فیلم‌های سینمایی باشند؟

بله، اگر داستان‌های فهیمه رحیمی مانند رمان «بامداد خمار» فیلم شوند، می‌توانند فروش بالایی داشته باشند و در سینما موفق عمل کنند، اما ساختن این رمان‌ها نیاز به هزینه بالایی دارد.

بنیاد سینمایی فارابی می‌تواند با حمایت ساخت آثار اقتباسی را رونق دهد. بسیاری از رمان‌های خارجی نیز که پر فروش هستند در واقع خیلی زود به فیلم تبدیل می‌شوند و این یک واقعیت در حوزه اقتباس‌های سینمایی است که می‌تواند فیلم‌های خوب و به دور از ادعاهای روشنفکری در اختیار مخاطب قرار دهد و ساخت این فیلم‌ها را بیش از گذشته رونق دهد.

عدم سواد اقتباس



مهدی سجاده‌چی، خود به عنوان فیلمنامه‌نویس معتقد است مشکل اصلی بی توجهی به سینمای اقتباسی ناتوانی مطلوب در بین کسانی است که فیلمنامه‌های آثار سینمایی را می‌نویسند.

شما که خود فیلمنامه‌نویسی را به عنوان فعالیت اصلی در سینما دنبال می‌کنید، دلایل رونق کم اقتباس در سینما را چه می‌دانید؟

به نظر من بسیاری از ما سواد اقتباس را نداریم. نه فقط به معنای دانش تئوری، بلکه در واقع ترکیب مهارت و دانش لازم اقتباس سینمایی است. فیلمنامه‌نویس و کارگردان باید بر سه حوزه برای نگارش چنین فیلمنامه‌هایی تسلط داشته باشند. ادبیات، سینما و در نهایت تلفیق این دو ژانر با هم، خود مهارت ویژه‌ای را می‌طلبد. متأسفانه باید بگویم بسیاری از فیلمنامه‌نویس‌ها توان اقتباس سینمایی را ندارند و این گونه بازار ساخت فیلم‌های اقتباسی نیز بیش از گذشته کمرنگ شده است. البته باید این معضل و مسأله را در ادامه پسرقت سینمای ایران در دیگر حوزه‌ها نیز بررسی کرد و گفت این گونه که کارگردانان خود یا در جا می‌زنند یا پسرقت می‌کنند، نباید انتظار زیادی از این گونه سینما داشت.

اقتباس‌هایی را که امروزه در سینمای ایران انجام می‌شود چگونه می‌بینید؟

اقتباس با کپی برداری تفاوت‌های چشمگیری دارد. در سینمای جهان می‌توان با جرأت گفت حجم اصلی آثار سینمایی را فیلم‌های اقتباسی تشکیل می‌دهند. باید گفت بیماری روشنفکر مآبی موجود در بین سینماگران از عوامل اصلی این نقص در سینمای ماست. ما به جز بخشی از ادبیات، ارتباط زیادی با ادبیات جهان نداریم که به این آثار بازاری هم می‌گوییم. بسیاری از فیلم‌های روز دنیا بر اساس همین کتاب‌های بازاری ساخته می‌شوند. اگر فیلم «سکوت بره‌ها» ساخته نمی‌شد و با آن قوت نبود این کتاب در ایران اصلاً مورد توجه قرار نمی‌گرفت. باید برویم به سمت آن ادبیاتی که سینما به آن وابسته است، هرچند ممکن است اثر ادبی خیلی مهمی هم نباشد.

مشکلات فنی و تکنیکی ما در این زمینه چگونه است؟

در اقتباس‌هایی که در سینمای ایران صورت می‌گیرد، از ساختار و سبک اقتباس می‌شود. در صورتی که باید از داستان‌پردازی این کتاب‌ها برای روایت استفاده کرد. برخی از آثار متأسفانه نسخه تصویری کتاب هستند و چیز تازه‌ای برای عرضه کردن ندارند. اگر «گریشام» کتاب‌هایش فیلم نمی‌شدند آیا این آثار تا به این حد مورد توجه قرار می‌گرفت؟

یک مسأله دیگر این که ما فیلمنامه‌نویسان، به طور کلی با ادبیات جهان به زبان اصلی ارتباط چندانی نداریم که این ما را نیازمند به ترجمه می‌کند و بنابراین دسترسی ما به آثار ادبی پر فروش جهان محدود می‌شود. در واقع ما باید با زمینه مناسب در حوزه نشر ارتباط هرچه بیشتر سینماگران با ادبیات جذاب و حتی عامه‌پسند را فراهم کنیم و در نتیجه خواهیم دید که لزوماً اقتباس از این آثار هرچند ساده که از نظر ادبی پیچیدگی چندانی ندارد، می‌تواند فیلمی ارزشمند شود و مخاطب نیز از آن استقبال مناسبی خواهد کرد. فیلمنامه‌های نویسنده‌های ما نیز با استفاده از روند فیلمسازی اقتباسی در جهان می‌توانند از فرصت تولید آثار ادبی استفاده کرده و فیلم‌هایی را در شأن سینمای ایران بسازند که البته معتقدم ادبیات معاصر جهان بیش از ادبیات معاصر کشورمان فرصت اقتباس را به سینماگران ایرانی خواهد داد.

رویکرد جوایز ادبی به سینما



در این باره با «ازون‌فو کامیان» منتقد و مدرس سینما که کتاب‌های زیادی نیز در این حوزه نوشته گفت و گو کرده‌ایم.

دلیل بی توجهی فیلمسازان ما به سینمای اقتباسی چیست و چرا برای استفاده از ادبیات در سینما اقدام قابل توجهی صورت نمی‌گیرد؟

اگر نگاه کوچکی به تاریخ سینما داشته باشیم می‌بینیم که مثلاً کارگردانی چون هوارد هاکس از نویسندگانی چون همینگوی و فاکتر بهره جسته تا توانسته موفقیتی اینچنینی کسب کند. در چند سال اخیر به جز چند اثر از داریوش مهرجویی و تک‌فیلم‌هایی از فیلمسازانی چون بهروز افخمی، ناصر تقوایی و آثار معدودی از برخی کارگردانان دیگر، اثر اقتباسی قابل توجهی را در این سینما ندیده‌ایم. شاید یکی از دلایل این باشد که کارگردانان سینمای ایران می‌خواهند خودشان فیلمنامه‌نویس هم باشند.

فیلمسازان ما نیز خودخواهی خاصی دارند. برخی فکر می‌کنند اگر تنهایی اثری را به عنوان فیلمنامه بنویسند نتیجه درخشان‌تری به دست می‌آورند، اما در واقع اگر چند نفر روی یک فیلمنامه کار کنند، نتیجه اثری درخشان‌تر می‌شود که می‌تواند تاثیرگذاری خاص خودش را نیز داشته باشد.

در سینمای جهان رویه چگونه است؟

اصولاً در تاریخ سینما شما کمتر فیلم موفق‌تری را می‌بینید که بر اساس یک رمان ساخته نشده باشد و تقریباً تمام رمان‌های پر فروش تبدیل به فیلم سینمایی می‌شوند. ما مشکل بی توجهی به ادبیات را باید جدی بگیریم و راه‌حل‌های تازه‌ای برای آن بیاندیشیم.

چرا راهکارهایی برای برون‌رفت از این وضعیت پیشنهاد می‌کنید؟

ما در جوایز ادبی اصلاً به اقتباس‌های ارزشمند سینمایی توجه نداریم که می‌توان با اختصاص بخشی از این جوایز به کتابی که فیلم ارزشمندی بر اساس آن ساخته شده، از این گونه آثار حمایت لازم را داشته باشیم. علاوه بر این، دولت می‌تواند بر نامه‌های تشویقی بیشتری از تولید آثار اقتباسی داشته باشد و فیلمسازان را تشویق و ترغیب به ساخت این گونه آثار کند.

برای این کار به اعتقاد من باید از دانشگاه‌ها و سینمای جوانان شروع کنیم و فرهنگ اقتباس را از آنجا نشر دهیم.

در نهایت فکر نمی‌کنید که بی توجهی سینماگران ما به ادبیات به روند و داستان‌پردازی در فیلم‌ها لطمه زده است؟

دانشگاه‌های ما و نظریه‌پردازانمان باید روی این مسأله فعالیت کنند. این کار ریشه‌ای است و نمی‌تواند در چند جمله آن را برسی کرد. برای نمایش این فیلم‌ها نیز باید برنامه‌ریزی مناسبی صورت بگیرد و این فیلم‌ها از حمایت‌های ویژه‌ای برخوردار باشند. بنیاد فارابی در این زمینه می‌تواند نقش مهمی ایفا کند و با حمایت از این آثار روند ساخت آثار اقتباسی در سینمای ایران و جهان را بهبود بخشد.

البته باید به همان مسأله مسابقات میان فیلم‌ها و آثار ادبی نیز توجه کرد که فرصت و انگیزه رقابت را میان فیلمسازان کشور ایجاد می‌کند و این می‌تواند گام ارزشمندی باشد. ما در گذشته البته به اقتباس توجه می‌کردیم اما شاید برخی از عوامل چون خودخواهی فیلمسازان برای این که می‌خواهند همه کارها را خودشان انجام دهند و شاید از نظر مالی نیز برایشان سود داشته باشد، روند بی توجهی به فیلم‌های اقتباسی را رونق بخشیده است.

نشست های سرای اهل قلم از چهارشنبه تا سه شنبه

داستان سرگشتگی انسان و پاسخ به نیاز انسان امروز

سرای اهل قلم خانه کتاب با برگزاری نشست های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت و گو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا کند. در نشست هایی که هفته گذشته در سرای اهل قلم برگزار شد، کارشناسان و منتقدان حوزه ادبیات در دو جلسه جداگانه به بحث و گفت و گو نشستند.

خواندم برای اینکه تعریف رمان قبلی اش را شنیده بودم. به همین علت دنبال آخرین رمان نویسنده بودم و طبیعتاً از خواندن این کتاب بسیار مجذوب شدم اما برای ترجمه آن اندکی تعلل داشتم و مطمئن نبودم ولی در نهایت بعد از دو سال شروع به ترجمه کتاب کردم.

در بازخوانی که از خوانندگان دیده ام این بوده که یا کتاب را بعد از آغاز، دیگر زمین نمی گذارند تا همه آن را بخوانند یا اصلاً نمی توانند آن را بخوانند. برای این که زبان اثر تلخ است و بعضی هانمی تواند با آن همگام شوند. افرادی هم که بعد از آغاز نمی توانند کتاب را رها کنند، برای این است که با آن همذات پنداری می کنند. چون تردیدهایی که شخصیت اصلی داستان دارد و تضادهای او با دنیا و خانواده و اطرافش و پرسش هایی که در ذهنش هست و انکار همه باورهای خانواده و سرگشتگی و جستجوی او برای آرامش در یک دنیای دیگر و دیگر جریانها، چیزی است که بسیاری از انسان ها تجربه می کنند. زیر سوال بردن باورهای خانواده، در انسان ها، از جمله در سنین نوجوانی وجود دارد. اکثر اوقات هم، ما بعد از این کندن ها و انکارها به همان باورها برمی گردیم. این چیزی است که ما در دین خودمان هم داریم. این ایمانی واقعی خوانده شده که با شک و تردید آغاز شود. خدا هم در واقع انسان را از بهشت می راند اما او اختیار این را دارد که با عقل و درایت خود، به سوی کمال و بهشت بازگردد. این داستان سرگشتگی «والتر» شخصیت اصلی رمان «جان جهان» است.

تامارو در سال ۱۹۵۷ به دنیا آمده، اما این کتاب را در سال ۱۹۹۷ نوشته است. دقیقاً ۴۰ ساله بوده و فکر می کنم خودش تمام این مراحل که بر والتر داستان گذشته را پشت سر گذاشته است. در مقایسه با سایر کتاب های نویسنده هم متوجه می شویم که نویسنده هنگامی که این رمان را نوشته، خودش به کمال رسیده بوده است.

امید حدائق، منتقد: برحسب نگاه دینی به این کتاب، در این واگویی های و ماجرای این کتاب، دین پیروز می شود. اما قبل از پیروزی دین، خواننده دو نقش را از نویسنده می بیند: یک نقش فلسفی و دوم انگاره های فلسفی.

از فضای داستان مشخص است که سبک کتاب مدرن است، اما در آن از لحن کلاسیک استفاده شده است. جالب این که اگر برخی نکات ظریف و دقیق و مسایل جدید علمی و نو را داخل این متن ببینید، خیال خواهید کرد که با یک متن کهن طرف هستید. متنی کهن که با دل شما چفت و بندهای فنی دارد. این نگاه و اتفاقاتی که برای انسان روی داده است، شبیه همان ماهی سیاه صمدبهرنگی است؛ ماجراهایی که معمولاً برای انسان پیش آمده است. مخصوصاً آنهایی که اهل فکر و مطالعه اند.

با توجه به انکارها و تردیدهای شخصیت اصلی داستان جان جهان، این طغیان ها و خط شکنی ها را می توان طغیان و خط شکنی مبارکی دانست. یک نوع عدم جنسیت و غلبه عدم جنسیت در این داستان دیده می شود اما ظرافت زنانه و مادرانه هم کاملاً در تمامی این کتاب وجود دارد. لذا این اثر [شبیه] یک نقاشی است. یک نقاشی که تمام ترکیب آن در جای خود چیده شده و همراه نقاش و عناصر صفحه آن می شود حرکت کرد.



کرده ام. با این شیوه، او قلم نویسنده را خوب می شناسد و با ظرافت های او آشنا می شود و معمولاً نزدیکی خاصی با نویسنده پیدا می کند و حاصل کار در مقابل مترجمی که به صورت اتفاقی یک کتاب را از یک مترجم ترجمه کرده، خیلی قابل اعتنا تر است.

این که مختصری از زندگی نویسنده را شرح می دهد، به این علت است که شاید ریشه هایی از آن را بتوان در داستان یافت.

هاله ناظمی، مترجم کتاب: این کتاب سال ۱۹۹۷ در ایتالیا چاپ شد. من یک سال بعد این کتاب را

البته یک ادامه هم دارد که نامش «داستانی از یک دوستی» است. در ۱۹۹۸ پدر تامارو فوت کرد. ابتدا گفته شد که او کشته شده اما بعد مشخص شد که او بر اثر بیماری از دنیا رفته است. آخرین اثر این نویسنده نیز یک رمان عاشقانه است که در سال ۲۰۰۸ منتشر شده است.

با وجود ترجمه های دیگری که از این نویسنده در ایران وجود دارد، عمده تلاش خانم ناظمی درباره این نویسنده بوده است. من همیشه از مترجمی که عمدتاً آثار یک نویسنده را کار می کند، طرفداری

فصل حائز مقام نمی شوند. البته این کتاب در جای خودش بی عیب و اشکال بود.

مهدی کاموس: نیازسنجی و انتخاب موضوع و مخاطب، یکی از ویژگی های قابل اهمیت در این کتاب است که مخاطب عمومی دارد.

ویژگی دیگر این کتاب ترکیب داستان و مباحث آموزشی علم کلام و اندیشه است. روح افزا با رویکردهای روان شناسی و اجتماعی به بحث کلام می پردازد. این زبان، الگو گرفته از قرآن است و قصه ها را با اندیشه های بشری که تأمین کننده سعادت اوست، پیوند می دهد.

ویژگی دیگر این کتاب، محتوا و شیوه بیان آن است. درباره شیطان آثار بسیاری نگاشته شده است، اما اثری که به شرح شیطان جنی و انسی و میحث شیطان در وجود انسان با دوری از خرافات و روایت های ضعیف شود، در میان این آثار اندک است. بحث شیطان انسی این کتاب پاسخگوی نیاز انسان امروز است و نزدیک بودن زبان این اثر به زبان امروز و دنیای معاصر یکی دیگر از ویژگی های این کتاب به شمار می آید.

در آثار کودکان و نوجوانان سال های اخیر کمتر به این موضوعات توجه می شود، زیرا بسیاری از آنها ترجمه ای و متناسب با سبک زندگی غربی اند، به همین دلیل، مسائل بومی کودکان و نوجوانان در آنها دیده نمی شود. این کتاب وحدت موضوع دارد و با مسائل روزمره در ارتباط است و برای شناخت هویت نوجوان مفید خواهد بود. سبک زندگی ایرانیان نیز تا حدودی مدرن شده است، اما این امر دلیلی بر مفید بودن آثار غربی برای آنان نیست. شکاف نسل ها آن گونه که در غرب مطرح است، در کشورمان وجود ندارد و احترام به والدین هنوز هم از دغدغه های نوجوانان ماست چراکه این قشر از جامعه ما تنهایی به معنای غربی آن را هنوز تجربه نکرده اند.

روح افزا: نگارش این اثر بر اساس خلاءهای موجود در میان نوجوانان صورت گرفت. ادبیات دینی ما در دهه های گذشته ویژگی هایی داشت و توانست با استفاده از آنها برخی خلاءها را جواب دهد، اما این آثار بخشی از نیازها را بی پاسخ گذاشته و شایسته است نویسندگان کودک و نوجوان فعال در حوزه دینی، قلمروهای جدید را طی کنند و محدود به مرزهای آژموده شده در محدوده ادبیات دینی کودک و نوجوان نشوند. انجام این کار به جسارت نیاز دارد. باید خلاقیت به خرج داد و قالب ها و راه های جدید را برای هم کلامی و همفکری با این گروه سنی در زمینه مسائل دینی پیدا کرد.

رمان «جان جهان» اثر سوزانا تامارو، نویسنده ایتالیایی و کتاب برگزیده جایزه کتاب فصل پاییز، با حضور امید حدائق، احسان عباسلو و هاله ناظمی، مترجم کتاب، در سرای اهل قلم خانه کتاب نقد شد. احسان عباسلو: تامارو به عنوان یک رمان نویس مطرح است و در عین حال فیلم مستند هم می سازد. وی در یک خانواده متوسط به دنیا آمده و دیپلمش را از مدرسه سینما گرفته و در سال ۱۹۷۶ هم دیپلمی به عنوان معلمی دریافت کرده است.

وی در ۱۹۷۸ نخستین داستان هایش و در سال ۱۹۸۱ هم اولین رمانش را نوشت. او در دهه ۸۰ با یک کمپانی تلویزیونی همکاری کرد. او در ۱۹۸۹ رمان «سر در ابرها» را نوشت و بعد از آن، به برونشیت دچار و ناچار شد شهر رم را ترک کند. دومین رمان موفق این نویسنده «تنها برای یک صدا» نام دارد که در سال ۱۹۹۱ نوشته شد و جایزه بین المللی قلم را به دست آورد و به چندین زبان نیز ترجمه شد.

تامارو در ۱۹۹۱ نخستین رمانش را برای بچه ها نوشت و در ۱۹۹۴ رمانی نوشت که در ایران چند ترجمه از آن داریم. جالب این که عربی این رمان هم در ایران منتشر شده است. رمان «برو آنجا که دلت می گوید» که با اسم های مختلفی در ایران منتشر شده است، این کتاب هم پرفروش ترین اثر قرن بیستم در ایتالیا است. این نویسنده در سال ۱۹۹۷ هم کتاب «جان جهان» را نوشته که البته یک ادامه هم دارد.

نام اصلی کتاب «جان جهان» ریشه یونانی دارد و در زبان لاتین به همین معنای «جان جهان» است

پاسخی مناسب به نیاز انسان امروز

نشست نقد و بررسی کتاب «او همنشین فرشته ها بود» یکی از آثار حوزه ادبیات دینی کودک و نوجوان، با حضور علی الله سلیمی، دبیر نشست، سعید روح افزا، نویسنده و علی محمد رفیعی و مهدی کاموس، از کارشناسان ادبیات دینی کودک و نوجوان و از داوران جایزه کتاب سال، در سرای اهل قلم خانه کتاب برگزار شد.

علی الله سلیمی، دبیر نشست: این اثر نظیر سایر آثار روح افزا با یک قصه آغاز می شود. این قصه ها توجه مخاطبان کودک و نوجوان به موضوع کتاب را جلب و آنها را به مطلب اصلی و فکری کتاب وارد می کند.

علی محمد رفیعی: درباره ضرورت مجموعه اندیشه که کتاب «او همنشین فرشته ها بود» یکی از مجلدات آن است، باید گفت که ضرورت علم کلام، ضرورت باز نویسی این علم و ضرورت باز نویسی آن برای نوجوانان، سه نکته قابل ملاحظه در لزوم نگاشته شدن این مجموعه اند.

علم کلام یکی از ضروری ترین عوامل در معرفی دین و فلسفه آن و پایه و مایه این علم بر استدلال استوار است. متأسفانه به لحاظ استناد به حوزه های رسمی این علم دچار کمبود پشتوانه ایم و متناسب با میراث هایمان در علم کلام، متخصص کافی نداریم. نکته دیگر این که علم کلام در داخل و خارج پیشرفت هایی داشته است، بنابراین استفاده از منابع روزآمد در این علم برای نوشتن آثاری برای مخاطب امروز ضروری به نظر می رسد.

روح افزا و سایر نویسندگانی که در حوزه آموزش مباحث دینی قلم می زنند، در استفاده از متون دینی و احیای آنها با مشکل مواجه اند، زیرا باید راه نرفته سایرین را طی کنند. یکی از ساختارهای کار روح افزا، دستمایه قرار دادن داستان های دینی و در برخی موارد داستان های دنیایی است. لازم به ذکر است که این کتاب نسبت به سایر آثار روح افزا از تمثیل های اندک برخوردار است.

درباره استدلال های کلام نیز باید گفت که این استدلال ها بر دو گونه برهانی و جدلی استوارند. لازم به ذکر است که در هنر مقوله زیبایی نیز مطرح است، زیرا خلاقیت و زیبایی دو عنصر مهم هنر به شمار می آیند. هنرمند و نویسنده دینی با استفاده از ابزار هنر یک مفهوم دینی را نهادینه می کنند. این آثار به دلیل برخی ارجاعات اشتباه در رقابت هایی نظیر کتاب سال و



اینجا اندیشه به جای نام سخن می گوید

نشست های نقد و بررسی کتاب ها و موضوعات سرای اهل قلم خانه کتاب که با حضور پدید آورندگان، دبیران و کارشناسان حوزه های گوناگون دین و فلسفه، ادبیات و هنر، علوم اجتماعی و روان شناسی، جشنواره ها و کارگاه های آموزشی شکل می گیرد، می کوشد در راستای هدفش که معرفی و واکاوی آثار برگزیده و آرای نوپدید است، گام های بزرگی بردارد و مخاطبان خود را بیش از پیش با رویکردها و حرف های جدید حوزه های فکری آشنا کند.

هر یک از این جلسات با موضوعات، سخنران ها و مخاطبان متفاوتی از نظر کمی و کیفی درصدد پاسخگویی به نیازهای فکری مخاطبان خویش اند. محمد حسین ساکت مترجم، پژوهشگر و از داوران حوزه حقوق در بیست و هفتمین دوره جایزه کتاب سال که آثار متعددی را هم در حوزه های دینی به رشته تحریر درآورده و در برخی از جلسات سرا شرکت دارد، از این برنامه به عنوان ابتکاری جالب در معرفی کتاب و نویسنده یاد می کند که شنونده نیز فرصت حضور در این صحنه را دارد و از نزدیک می تواند با اظهار نظرهای علمی و ادبی آشنا شود و ارتباط برقرار کند.

وی با این که متاسفانه گستره این فعالیت ها تا حدی محدودند می گوید: «ممکن است دلیل اندک بودن مخاطبان این جلسات، ضعف اطلاع رسانی و تبلیغات یا علائق شرکت کنندگان باشد. با این همه، نقاط قوت این نشست ها بر سایر ویژگی های آن غالبند، اما اطلاع رسانی این نشست ها در دانشگاه ها و محافل علمی و ادبی با ضعف بسیاری روبه روست که در رسانه های جمعی نیز انعکاسی از این رخدادها دیده نمی شود.»

نگارنده کتاب «شیوایی و شیدایی» به عنوان یکی از مخاطبان نشست های سرای اهل قلم، با توجه به الگوی اصلی این برنامه ها که معرفی و بررسی آثار برگزیده جشنواره ها هستند، عنوان می کند: «در گزینش آثار مورد بحث و بررسی این برنامه باید دقت و وسواس بیشتری صورت بگیرد و کارشناسانه تر عمل شود؛ به این معنا که اثری که شایسته تر است انتخاب شود. درست است که آثار برگزیده اولویت دارند، اما این یکی از شاخصه های برپایی این جلسات است، نه تمامی آن.»



فرصتی برای اظهار نظر حاضران
از سوی دیگر احسان عباسلو مدیر سرای اهل قلم با تاکید بر این که همه

جلسات کم مخاطب نیستند، می گوید: «مخاطبان گوناگون اعم از خبرنگاران، شاگردان، استادان و سخنرانان جلسات و علاقه مندانی که مباحث جلسات را از نظر کیفی و موضوعات آن را قابل اعتنا یافته اند، به همراه عده ای از خوانندگان کتاب ها که از برپایی این نشست ها آگاهی می یابند در این برنامه ها حضور دارند.»

وی با بیان این که همواره چهره های جدیدی را در این نشست ها می بینم و معتقدم حتی شرکت کنندگان نیز تکراری نیستند ادامه می دهد: «مهم ترین ضعف ما در بخش اطلاع رسانی است که دلیل اصلی آن هم همکاری نکردن دانشگاه ها و دانشکده ها است.»

برخی معتقدند که با برنامه ریزی های منسجم قبلی تا حد زیادی می توان از مشکلات برنامه های اینچنینی جلوگیری کرد یا آنها را به حداقل رساند. این موضوع علاوه بر انتخاب آثار و نویسندگان و گزینش منتقدان

و صاحب نظران هم تاثیر بسزایی دارد.

عباسلو در پاسخ به این نظر می گوید: «از این روش نیز چند ماه پیش استفاده کردیم، اما نتایج خوبی همراه نداشت، چرا که استادان و سخنران ها نیز می گویند وقتی از برنامه های فردای خودمان خبر نداریم، چگونه می توانیم برای ماه های آتی برنامه ریزی داشته باشیم. اغلب سخنرانان و منتقدان فرصت های آزادی بسیاری در برنامه ریزی های گسترده ندارند و برنامه های سرا نیز تا حدی تابع این ظرفیت هاست. از این رو، حداکثر می توانیم برنامه های دو تا چهار هفته آتی را از پیش تعیین کنیم.»

مخاطبان این جلسات آزادی متفاوتی دارند. محسن کیانی دبیر بازنشسته آموزش و پرورش و پژوهشگر متون کهن که در اکثر نشست های سرا حضور دارد، محتوای این برنامه ها را توضیحات تکمیلی آن چیزی می داند که در کتاب ها خوانده است. او می گوید: «اینجا هم به گوینده و هم به حاضران نشست توجه دارم. افرادی که به اینجا می آیند از دسته های مختلفی اند که از این میان می توان به عده ای نظیر خود من اشاره کرد که برای جدایی از فضای کار و پژوهش می خواهیم زمان استراحتمان هم با مطالب آموزشی همراه باشد.»

وی با بیان این که در مجموع میزان شرکت کنندگان این نشست ها کم شمارند، درباره اهمیت برگزاری این نشست ها می گوید: «از آنجایی که اغلب مردم ما کارهای رسمی خودشان را در طول روز می گیرند، عده محدودی توانایی و انگیزه حضور در این جلسات تخصصی را دارند که البته این ماهیت چنین جلساتی است و نباید انتظاری غیر از این داشت، اما در صورتی که تبلیغات بیشتری در این حوزه انجام شود و نحوه ارائه خدمات در بخش پذیرایی، تنظیمات صدا، دما

و ... ارتقا یابد، تاثیر بیشتری در میزان بهره گیری از این نشست ها بر جای خواهد گذاشت.»

برخی از مخاطبان این نشست ها معتقدند که گاهی اعضای این جلسات تکراری می شوند. مدیر سرای اهل قلم در این باره با بیان این که دبیران نشست ها همواره یکسان اند و این از الگوهای ساختاری سراسر است، بیان می کند: «شاید این استنباط به این دلیل ایجاد شده باشد که دبیر، سخنران نشست هم هست، در حالی که باید تنها دبیری و اجرا را برعهده بگیرد. این موضوع نیز تمامی دبیران را شامل نمی شود و افرادی که از پیش با آنها کار می کردیم، تا حد بیشتری با انتظارات سرا و وظایفشان آشنایی دارند. البته دبیران باید ثابت باشند تا با آگاهی و تسلط بر روند نشست های برگزار شده از صاحب نظران و کارشناسان برای ادامه این روندهای روبه رشد بهره بگیرند.»

عباسلو در برابر این انتقاد برخی مخاطبان که می گویند چرا از صاحب نظران سرشناس حوزه های گوناگون کمتر دعوت می شود، عنوان می دارد: «در اینجا اسم ها نیستند که دعوت می شوند، اینجا اندیشه ها و اذهان سخن می گویند. می خواهیم در محیطی دوستانه که به مخاطب نیز احترام می گذاریم

در اینجا اسم ها نیستند که دعوت می شوند، اینجا اندیشه ها و اذهان سخن می گویند. می خواهیم [برگزیدگان کتاب را] از زوایه دیگری به مخاطبان معرفی کنیم



افرادی را که آثار گوناگونی دارند و اغلب در جشنواره ها نیز موفق به کسب رتبه شده اند از زاویه دیگری به مخاطبان معرفی کنیم.»

وی می افزاید: «با وجود این که بر بسیاری از نقاط قوت و ضعف این برنامه ها اشراف داریم، باید اذعان کنیم که تمامی آنها در حیطه اختیارات ما نیستند، حتی در بحث تبلیغات نیز هزینه ای برای این کار در دست نداریم. با این وجود می دانیم که برخی مشکلات نظیر میزان نور، صدا و پذیرایی، اطلاع رسانی و تبلیغات، اعم از تهیه و ارائه پوستر و کارت های دعوت وجود دارد. این در حالی است که اگر منتقدان ما از مصائبی که برای تبلیغ یا حتی نصب یک پوستر در دانشکده ها وجود دارد آگاهی داشته باشند، دیگر بر ما خرده نمی گیرند.»

منتقد خوب کم داریم

مدیر سرای اهل قلم درباره نحوه گزینش منتقدان و حضور آنها در برنامه های گوناگون سرایان می کند: «در برخی از حوزه ها منتقد خوب کم داریم. ممکن است افراد فراوانی در این وادی قلم بزنند، اما دلیلی بر این که بتوانند منتقدان خوبی هم باشند، نیست. چرا که بسیاری از چیزهایی که نوشته می شود، نقد نیست و یافتن منتقد خوب هم مشکلات خاص خود را دارد از این رو اگر در این زمینه با احتیاط عمل می کنیم به دلیل فراهم آوردن رضایت مخاطبان است.»

سرای اهل قلم در سالی که گذشت، بیش از ۲۶۰ نشست را در زمینه های گوناگون میزبانی کرد که در این میان ۳۵ نشست به برنامه های دین و فلسفه، ۷۰ جلسه به ادبیات و هنر و حدود ۴۸ نشست به علوم اجتماعی و روان شناسی، ۱۵ برنامه در راستای جشنواره ها و حدود ۶۰ کارگاه آموزشی در زمینه های مختلف برگزار شد. البته این آمار جدای از نشست هایی اند که در طول برپایی نمایشگاه بین المللی کتاب از سوی سرای اهل قلم شکل گرفت.



سایر محمدی

«آداب و رسوم نوروز» کتابی به قلم دکتر رضا شعبانی است که در سال ۷۲ از سوی انتشارات الهدی چاپ و منتشر شده و تا امروز بارها تجدید چاپ و به زبان‌های مختلفی نیز برگردانده شده است. رضا شعبانی، متولد ۱۳۱۷ قزوین دکترای تاریخ را از دانشگاه سوربن پاریس دریافت کرد و پس از آن به تدریس در دانشگاه‌های اصفهان، شهید بهشتی و تهران مشغول و حدود دو سال پیش، بازنشسته شد. وی چند سالی نیز در دانشگاه کمبریج به تدریس پرداخت. دکتر شعبانی در طول سال‌ها تدریس و تحقیق حدود ۳۰ عنوان کتاب در زمینه تاریخ ایران و هویت ایرانی تألیف و منتشر کرده است که نخستین کتاب او «تاریخ نادرشاهی» در سال ۱۳۴۹ از سوی بنیاد فرهنگ ایران منتشر شد و سال ۸۸ نیز «تاریخ سیاسی - اجتماعی ایران در عصر افشاریه» در دو جلد و «تاریخ مختصر ایران در عصر افشاریه و زندیه» و «مروری کوتاه بر تاریخ ایران» را توسط انتشارات سخن منتشر کرد. مبانی تاریخ اجتماعی ایران، ایرانیان و هویت ملی، کلیات تاریخ ایران، کوروش کبیر، داریوش کبیر، نادرشاه افشار، «ازاله ازوبه» رشیدی در دو جلد و «سوال‌ها و جواب‌ها» خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از دیگر آثار منتشر شده این استاد دانشگاه است که اغلب این آثار بارها تجدید چاپ شده‌اند.

گفت و گو با رضا شعبانی، نویسنده و استاد دانشگاه

تاریخ نویسی در خلأ زندگی نمی‌کند



کنند و اقدام به چاپ آن کنند. از چه زمانی «آیین نوروزی» با مسائل دینی ما عجین شده و رنگ و بوی ایرانی - اسلامی گرفته است؟

همه این مسائل بعد از آمدن اسلام به ایران اتفاق افتاده است. نوروزی که در دوران قبل از اسلام جشن گرفته می‌شد، اصلاً وجه دینی و آیینی ندارد. بعد از اسلام ایرانی‌ها برای این که می‌خواستند نوروز را حفظ کنند، به صورت‌هایی آمدند و حرف‌هایی زدند که مثلاً نوروز به معنای آغاز آفرینش است. بعد روزی که حضرت علی (ع) به عنوان وصی پیغمبر (ص) انتخاب شدند در جشن غدیر خم در آن روز هم چنین تعبیری از آن داشتند و آن را آغاز آفرینش می‌دانستند و بعد روزی که حضرت علی (ع) به عنوان خلیفه مسلمین برگزیده شدند این ایام مبارک مصادف با نوروز بود. مردم بعضی از مطالب از این قبیل را اعلام کردند. به خصوص شیعیان که می‌خواستند به نوروز وجه دینی بدهند یا توجیه دینی برایش داشته باشند.

چندی پیش سازمان ملل متحد، نوروز باستانی را به عنوان میراث ماندگار بشریت ثبت جهانی کرده است و این آیین مورد حمایت یونسکو قرار گرفته است. ثبت نوروز در یونسکو چه امتیازی دارد؟ این که نوروز توسط سازمان یونسکو ثبت شده، عظمت فکر و فرهنگ یک جامعه را می‌رساند. نمود اجتماعی تفکر ایرانی به عنوان یک پدیده جهانی در عرصه تاریخ می‌تواند ماندگار باشد، یعنی در بین تمامی ملت‌هایی که می‌توانند متوجه این پدیده باشند قابل دفاع است. الان در ژاپن در ماه بهمن، جشنی شبیه نوروز برگزار می‌شود. اگر در آیین چینی‌ها دقت کنید، می‌بینید که ماه گذشته مراسمی داشتند که خیلی شبیه نوروز است. یعنی مراسم سال نو چینی‌هاست. در نیم کره شمالی زمین، این درک در بین مردم هست که در مرحله‌ای طبیعت شروع به تغییر می‌کند. اما اهمیتی که نوروز دارد این است که نوروز در لحظه‌ای آغاز می‌شود که آغاز سال به معنای واقعی است. یعنی ورود کره زمین به دور تازه حرکتش، ورودش به برج بره یا حمل است. این دقت نظر ایرانی‌ها در علم نجوم این تشخیص است که از حدود پنج هزار سال پیش به قول بسیاری از منجمان تعیین شده‌اند. هوشیاری، ذکاوت و دانش ریاضی و فهم و فضیلت جامعه ایرانی است که به این اندازه دقیق یک حادثه بسیار مهم طبیعی را ثبت کرده‌اند و این به فطرت و نبوغ ایرانیان و درک ایرانی‌ها از محیط زیست خودش، کره زمین و البته منطقه شمالی کره زمین که ما در آن قرار داریم مربوط است. به همین صورت است که یونسکو با ثبت این پدیده طبیعی و تاریخی به عنوان یک واقعه قابل ثبت، بر استعداد فکری و قدرت درک ایرانی‌ها و تشخیصی که از تحولات طبیعت و زمان داشته‌اند مهر تسجیل زده است.

در زمینه نوروز مراسمی مثل نوروز خوانی را داریم که در شمال کشور هنوز رایج است. آیا اشعار مربوط به نوروز و نوروز خوانی جمع‌آوری شده

به نوروز در قلمرو کشورهایی که نوروز را جشن می‌گیرند، قرار داده است. اما ناشر دیگر ممکن است این کتاب را چاپ و در سطح کشور توزیع کند. یعنی الهدی الان متن کامل این کتاب را در اینترنت قرار داده و هر کس در هر نقطه‌ای از جهان می‌تواند آن را مطالعه کند.

تا امروز در زمینه نوروز از منظر جامعه‌شناختی و مردم‌شناختی چه تحقیقاتی صورت گرفته است؟ من اثر خاصی در این زمینه ندیدم که به نوروز بپردازد و جای چنین تحقیقاتی درباره نوروز واقعا خالی است. من اگر بخوام کتاب نوروز خودم را تجدید چاپ کنم و به حجم آن بیفزایم، قطعاً از منظر جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی به نوروز خواهم پرداخت و در زمینه تحولات اجتماعی نوروز و تأثیراتی که نوروز در بین ملت‌های مختلف داشته و آن واسطه‌هایی که برای ارتباطات ملت‌های مختلف با یکدیگر، نقشی به عهده داشته‌اند، توضیح می‌دهم، یعنی مشترکات مردمی که در جغرافیای نوروز قرار دارند، همه را بررسی و آماده کرده‌ام و در فکر چاپ آنها هستم که امیدوارم که مسئولان این موسسه انتشاراتی ما را در این زمینه همراهی

این که نوروز توسط سازمان یونسکو ثبت شده، عظمت فکر و فرهنگ یک جامعه را می‌رساند. نمود اجتماعی تفکر ایرانی به عنوان یک پدیده جهانی در عرصه تاریخ می‌تواند ماندگار باشد

تفاوت‌های نوروز در هر یک از این کشورها براساس سنت‌هایی است که از گذشته‌های دور دارند. مثلاً همین موضوع سفره هفت‌سین، یا هفت‌سین، یا اغذیه و میوه‌هایی که در مراسم آغاز سال نو بر سر سفره می‌گذارند و بعد بر خورد‌هایی که با این قضیه دارند. فرض کنید یک جایی باید تخم مرغ یا تخم مرغ‌های رنگی بگذارند، یک جا گوشت مرغ می‌گذارند. در جای دیگر گوشت گوسفند می‌گذارند.

شما به عنوان محقق و پژوهشگر فکر می‌کنید جای چه پژوهش‌هایی در زمینه نوروز خالی است؟ آیا پژوهش‌های مختلفی که از منظر مردم‌شناسی، جامعه‌شناسی و تاریخی باید درباره نوروز انجام بگیرد به سرانجام رسیده است؟ خیر. من خودم به ناشر کتاب «آداب و رسوم نوروز» پیشنهاد کردم که موافقت کنند حجم کتاب فعلی را از آنچه هست به دو برابر افزایش بدهم و همه نظراتی که راجع به نوروز وجود دارد را در این اثر بگنجانم. ولی امروز پس از ده - دوازده سال هنوز به یک نظر قطعی نرسیده‌اند که به درخواست من پاسخ بدهند.

ناشران دیگری هستند که حاضر به چاپ کتاب شما با هر تعداد صفحه باشند و نگران افزایش صفحات نباشند؟

واقعیت این است که من این کتاب را براساس قراردادی به الهدی واگذار کردم. باز باید درباره افزایش صفحات و تجدید نظر در متن با انتشارات الهدی به توافق برسم. امتیاز چاپ و نشر کتاب مذکور در انتشارات الهدی این است که الان این کتاب را به چند زبان خارجی ترجمه و خارج از ایران منتشر کرده است. به زبان کشورهای آسیای مرکزی، یعنی هم به ترکی آن مناطق و هم به زبان روسی ترجمه کرده و در اختیار گروه‌های علاقه‌مند

آقای شعبانی در زمینه نوروز چه تحقیقاتی تاکنون صورت گرفته است؟ گویا شما بیشتر از منظر تاریخی به نوروز پرداخته‌اید؟

درست است. یک وجه از بررسی‌هایم در زمینه نوروز از دیدگاه تاریخی است که نوروز از چه زمانی در این منطقه که اکنون قلمرو نوروز می‌نامیم به وجود آمده و چه تحولاتی را از سر گذرانده و تا امروز چه سرنوشتی بین ملت‌هایی که خود را به حوزه نوروز منتسب می‌کنند پیدا کرده است. آیا شما هم معتقدید که نوروز حدود پنج هزار سال قدمت دارد؟ نخستین کتاب‌هایی که از نوروز روایت می‌کنند، توسط چه کسانی نوشته شده‌اند؟ بله، من هم چنین اعتقادی دارم و نخستین کتاب‌ها پس از ورود اسلام به ایران توسط ابوریحان بیرونی نوشته شده که به طور دقیق راجع به نوروز می‌نویسد و از آیین نوروزی در ایران قبل از اسلام سخن می‌گوید.

از پیشینه و خاستگاه تاریخی نوروز و آیین‌های آن در دوره‌های کهن آگاهی مکتوب و دقیقی در دست نیست اما بی تردید نوروز و جشن نوروزی یک آیین کهنسال همگانی و مربوط به پدیده‌های نو شدن سال و دگرگونی طبیعت از حالتی به حالت دیگر در میان اقوام مختلف جهان و بومیان ایران، پیش از آمدن آریایی‌ها به این سرزمین بوده است.

مهرداد بهار، نوروز را در یک جشن همگانی در فرهنگ ایران و بین‌النهرین و آیین نوروزی را یک سنت کهن و احتمالاً رایج در هزاره سوم پیش از میلاد در منطقه دانسته و می‌نویسد: «این آیین یا همراه با کوچ بومیان نجد ایرانیان به بین‌النهرین به آن سرزمین رفته یا همزمان در سراسر منطقه وجود داشته است. نوروز در فرهنگ‌های منطقه و در میان اقوام سامی نیز از کهن‌ترین زمان‌ها شناخته شده بود و بسیاری از مردم جامعه عرب دوره جاهلیت آن را جشن می‌گرفتند. الوسی در «بلوغ‌الارب» نوروز و مهرگان را دو عید مردم مدینه در پیش از ظهور اسلام معرفی می‌کند.

خیام نیشابوری نیز در «نوروزنامه» از نوروز و جشن‌های نوروزی می‌گوید.

فکر می‌کنید راز ماندگاری آیین‌های نوروزی چیست؟

راز ماندگاری نوروز، انطباقش بر طبیعت است؛ یعنی نوروز جشن زمان و جشن نوزایی و نو شدن طبیعت است.

مهم‌ترین کتاب‌هایی که در ارتباط با نوروز نوشته شده مربوط به کدام نویسندگان است و در آنها به چه موضوعاتی پرداخته‌اند؟

یکی از مهم‌ترین کتاب‌ها راجع به نوروز را آقای علی بلوکباشی نوشته‌اند. ایشان کتابی نوشته‌اند که به نوروز و آداب و رسوم آن می‌پردازد البته تعداد زیادی از نویسندگان و مورخان هستند که راجع به نوروز کتاب نوشته‌اند و بنده در همان کتاب «آداب و رسوم نوروز» منابع پژوهش‌هایم را معرفی کرده‌ام. نوروز در کشورهای فارسی‌زبان با نوروز در ایران چه شباهت‌ها و تمایزاتی دارد؟

است؟

نوروز خوانی تنها در شمال کشور وجود ندارد، بلکه در بسیاری از نقاط ایران و کشورهای همسایه هم نوروز خوانی متداول است. حتی در غرب هم نوروز خوانی دارند. این اشعار به صورت بسیار پراکنده وجود دارند و ثبت شده‌اند. مثلاً در گیلان نامه که به صورت سه جلدی در گیلان تألیف و تدوین کرده‌اند که چاپ و منتشر شد، استادانی مثل دکتر قوچانی که روی منطقه و محیط زیست خود - گیلان - حساسیت داشتند، این مطالب را آورده‌اند و نوروز نامه‌ها را جمع‌آوری کرده‌اند. اشعار نوروزی را و به همین صورت هم ادبیات فولکلوریک را در خراسان، دکتر شکوری که استاد دانشگاه فردوسی مشهد بود جمع‌آوری کرد. ایشان راجع به نوروز و اشعار و آداب و رسوم نوروز خیلی کار کرده‌است. **آقای شعبانی! اگر موافق باشید به آثار تاریخی شما بپردازیم. بفرمایید علت این که شما بیشتر به دوران گذشته ایران و تاریخ کهن می‌پردازید چیست؟**

من عشق و علاقه ویژه‌ای به ایران و ایرانیت دارم و به همین خاطر به تاریخ گذشته این سرزمین می‌پردازم. من همه وجود در کلمه ایران خلاصه می‌شود. به وطنم، وطن مقدس، من هر چیزی که ایرانی باشد و رنگ و بوی ایران را داشته باشد، دوست دارم و مردم ایران را هم عاشقانه می‌پرستم. **مورخانی که در گذشته راجع به تاریخ ایران و درباره پادشاهانی مانند کوروش و داریوش نوشته‌اند، آیا حق مطلب را به صورت کامل ادا نکرده‌اند که شما هم به آنها می‌پردازید؟**

نه این طور نیست. آنچه من می‌نویسم از دید یک ایرانی به حوادث و رویداد های تاریخ ایران نگاه می‌کنم و این آثار بر اساس تأثیرات هرمنوتیکی است که هر کسی در هر زمانی که تاریخ‌نویسی می‌کند یا به تاریخ می‌اندیشد، پیدامی‌کند. یعنی اگر ما بخواهیم وقایع را مثلاً در زمان انوشیروان بررسی کنیم و بگوئیم انوشیروان به این دلیل و به این دلیل عنوان یا لقب دادگر گرفته آن عنوان به همان صورتی که در گذشته بود برای امروزی‌ها چندان قابل درک نیست. اما این درکی که ما امروز از تاریخ و از آن مسائل داریم بر مبنای درک و دریافتی است که با

توجه به همه مناسبات انسان امروزی و همه آن تغییر و تحولاتی که تفکر بشری پیدا کرده، این درک و دریافت خود را در قالب جدیدی بیان می‌کنیم. به همین دلیل مثلاً راجع به نوابغ بزرگ تاریخ عالم مثل نادر شاه و ناپلئون این همه کتاب نوشته شده و باز هم نوشته می‌شود. مثلاً راجع به ناپلئون حدود دویست هزار جلد کتاب نوشته شده است ولی هنوز اگر کسی پیدا شود و بخواید دویست هزار و یکمین کتاب را بنویسد، باز هم من می‌خرم و آن را مطالعه می‌کنم. هم شما، هم کسانی که به زندگی او علاقه دارند، آن را می‌خوانند، طبیعی است آخرین مورخی که راجع به ناپلئون کتاب می‌نویسد با توجه به مسائل روز خودش و با توجه به آثار گذشتگان به وقایع عصر ناپلئون و شخصیت او می‌پردازد. تغییراتی که در دنیا اتفاق می‌افتد اعم از تغییرات فیزیکی و شیمیایی یا نظرات اجتماعی و روان شناسی و جامعه‌شناسی و .. به انسان کمک می‌کند برای دریافت تعریف تازه‌ای از یک واقعیت. مثلاً شما الان می‌توانید بپرسید که نادر چرا پسرش را کور کرد. در آن دوره مردم می‌گفتند چون شخصی تیر به سوی نادر انداخت و او را نکشت، او به پسرش مظنون شد، اما الان که من به آن حادثه نگاه می‌کنم و آن را فارغ از نگرش‌های گذشته بررسی می‌کنم می‌بینم که نادر به دلیل قدرت فوق‌العاده‌ای که داشت و بیماری‌هایی که خود قدرت تولید می‌کند، به یک بیماری به نام پارانو یا مبتلا شد. این پارانوئید بودن نادر سبب می‌شد که او تصمیم‌هایی بگیرد که اگر نمی‌گرفت بهتر بود. نادر نسبت به همه اطرافیان خود ظنین بود.

بعد می‌پرسم چرا نادر پسرش را کور کرد؟ عملاً تعادل عقلی‌اش را از دست داد. ولی شاه‌عباس به رغم این که دو تا پسرش را کور کرد و یک پسرش را هم کشت، هیچ تغییری در او به لحاظ رفتاری و عقلی مشاهده نشد؟ برای این که شاه‌عباس از ابتدا با قدرت عجیب بود و حدود سه قرن اسلاف او از زمان شیخ صفی تا روزگار او با قدرت سروکار داشتند و فرمانروایی می‌کردند. به همین دلیل قدرت در دست آنها مثل موم بود و برای بقای خودشان با هر چه و هر کس که در برابر قدرت قد علم می‌کرد برخورد شدید می‌کردند، ولی نادر یک روستا زاده

و یک چوپان ساده بود که با عواطف انسانی و روستایی خودش با مسائل برخورد می‌کرد و فرصت آن که بتواند آنها را صیقل بزند و مثل اجداد شاه‌عباس که یک قرن حکومت کردند و سه قرن تجربه تا زمان شاه‌عباس برای حضور در ساحت اجتماع به دست آوردند، این امتیازات را نداشت. چون این پیشینه را نداشت، با قدرت برخورد تند و تیز و منقطع دارد و پس از آن که چشم فرزندش را کور می‌کند، به کلی روحیه‌اش را می‌بازد. اگر کسی می‌خواست در زمان نادر این واقعه را تحلیل کند، دیدگاه‌های روان‌شناسی و دیدگاه‌های بررسی قدرت و کارکرد قدرت و پاتولوژی رفتاری نادر را به این صورت نمی‌توانست تحلیل و تبیین کند. ولی الان این امکان وجود دارد. پس از این وقتی کسی می‌آید تاریخ آن دوره را می‌نویسد، این امکانات را در اختیار دارد که با مطالعات تازه‌تری رویدادهای آن عصر را بررسی و تحلیل کند.

آیا این دیدگاه با نظری که می‌گوید مورخ نمی‌تواند بی‌طرف بماند، مهر تأیید می‌زند؟

نه، من عقیده ندارم که مورخ می‌تواند بی‌طرف باشد. هیچ‌کسی در خلأ زندگی نمی‌کند. هر انسانی به دلیل خاستگاه انسانی‌اش و پایگاه اجتماعی‌اش و بسته به موقعیتی که در هر منطقه‌ای دارد و به دلیل روزگاری که در آن زندگی می‌کند دوری و نزدیکی‌اش به واقعه‌ای و بعد حدود و ثغور تعلقش به آن واقعه نظری تفاوت دارد مثلاً من چون ایرانی‌ام، نادر برای من خیلی متفاوت از ناپلئون است. شاه‌عباس برای من خیلی تفاوت دارد با فردریک دوم یا با ژولیوس سزار یا با هانیبال. راجع به نادر، انوشیروان، کوروش، داریوش، خشایار شاه و هر کس که به جامعه من تعلق دارد، نسبت به زندگی‌اش و رفتارش تعصب دارم و نمی‌توانم بی‌تفاوت بمانم و به این ترتیب تعصب من ظاهر می‌شود. من دید عینی فقط ندارم، بلکه دید شهودی هم دارم نسبت به مسائل. چون ایرانی هستم و در متن مسائل و فضای فرهنگی ایرانی و زندگی ایرانی قرار می‌گیرم. تفاوت جامعه ایرانی را نسبت به داشته‌های خودش حفظ می‌کنم. چون مسلمانم و چون شیعه هستم، دلبستگی نسبت به این سرزمین و مردمانش دارم که این دلبستگی‌ها از نظر خود من

قابل توجه و قابل درک است. یک بیگانه که می‌خواهد تاریخ ایران را بنویسد، حتی زبان فارسی را خوب بلد نیست و متن فارسی را نمی‌تواند بخواند و لذا آن درک را ندارد که بفهمد چرا شخصی مثل میرزا مهدی خان با آن گونه لغات به تقدیر و ستایش نادر می‌پردازد و یک آدم دیگر با کلمات و مصطلحات دیگر از نادر بد می‌گوید.

آیا در ارتباط با دوران معاصر و سوسه نشده‌اید بنویسید؟ چرا به تاریخ معاصر نمی‌پردازید؟ کاری که پروانده آبراهامیان انجام داده است یا دیگران کرده‌اند.

آنها تخصص شان دوره قاجاریه و تاریخ معاصر است. آقای آبراهامیان بر مبنای مطالعاتی که داشته آن جبهه‌گیری خاص خودش را در نوشتن تاریخ معاصر در کتاب ایران بین دو انقلاب بیان کرد. می‌دانید که او نگرش چپ داشت، آن هم از نوع توده‌ای‌اش، او به آن سمت گرایش داشت اما من نه، گرایش چپ و راست نداشتم. فرض کنید آقای همایون کاتوزیان، ایشان متعلق به جبهه ملی بود، اما به آن بخشی که نیروی سوم می‌نامیدند پیوست. در جایی از کتابش وقتی می‌خواهد بین مرحوم مصدق و داستان تحولات بقایی و خلیل ملکی حرف بزند خیلی زیرکانه طرف آنها را می‌گیرد. یا کتابی که آقای سیروس غنی راجع به برافتادن قاجاریه و برآمدن رضاشاه نوشته، فوق‌العاده جالب و جذاب است. این کتاب بسیار ارزشمند است. البته این کتاب بدون اشکال هم نیست.

شما کتابی به نام «ایرانیان و هویت ملی» نوشته و منتشر کرده‌اید. در جامعه ما برخی دین را و برخی زبان فارسی و ایران را به عنوان عامل هویت معرفی می‌کنند. شما چه تعبیری از این قضیه دارید؟

بعضی از دیدگاه اقتصادی به هویت نگاه می‌کنند. بعضی‌ها هم از دید فلسفی و برخی هم از دیدگاه فرهنگی به هویت می‌نگرند. بنده به تمام این عناصر، دخیل هویت نگاه می‌کنم.

ببینید، خاصیت تاریخ این است، تا وقتی که حرفی می‌زنید باید مجموعه نظراتی را که جامعه شناسان، مردم شناسان و روان‌شناسان و فلاسفه و اقتصاددانان مطرح می‌کنند در نظر بگیرید و با توجه به تمام این اوضاع، تاریخ تازه‌ای را ارائه کنیم.

نگاهی به مجموعه داستان «شفا در میان ما نفس می‌کشد» نوشته کیارنگ علایی

تصویر و تکنیک محض در داستان



حوزه ادبیات داستانی ما به دلیل ظهور چهره‌هایی موثر در این چند ساله به مسیری امیدوارکننده قدم گذاشته و شاهد جرقه‌هایی است که به هر حال رد خود را بر روند این حوزه بر جای خواهند گذاشت.

کیارنگ علایی، نویسنده جوانی است که عمده فعالیت‌هایش در زمینه سینماست و بر همین اساس می‌توان در داستان‌های او ردی از تصاویر سینمایی را دنبال کرد.

آنچه علایی در مجموعه داستان «شفا در میان ما نفس می‌کشد» در پی آن است تلاش برای گشودن زبان و شکلی تازه در داستان است که باید گفت این تلاش او جواب مثبت نگرفته و کارهایش در حد چند برش تصویری و تکنیک زدگی محض باقی مانده‌اند.

آنچه بیش از هر چیز دیگر به کارهای این نویسنده لطمه زده تلاش برای چگونه نوشتن است، یعنی این که علایی آنقدر ذهن خود را درگیر مسائل تکنیکی و فرم کرده که شکار موضوعات خوب را تحت الشعاع قرار داده است.

البته نکاتی که گفته شد به این معنا نیست که کار علایی در حد یک کار سطحی باقی مانده است، بلکه باید گفت نگاه تیزبین او در بعضی موارد به زیبایی باعث پدید آمدن لحظه‌هایی بکر شده که فقط مخصوص خود اوست.

علایی در این مجموعه هشت داستان کوتاه منتشر کرده که از آن میان می‌توان از داستان «شفا» و «کاشی‌های زرد» به عنوان بهترین کارها یاد کرد.

داستان شفا با تصویری زیبا شروع شروع می‌شود: «تمام هستی افتاده است روی تخت نزار و بی‌حال با آن که چشم‌هایش را بسته و بدنش سردتر از همیشه است اما انگار نیرویی مرموز در سلول‌هایش جریان دارد که او را به کوچک‌ترین حرکت، کم‌ترین صدا از لغزش سنگی دیگر یا غلتیدن قطره‌ای آب بر برگ‌های شمعدانی آگاه می‌کند»

این داستان همان گونه که از ظاهرش پیداست یک داستان شبه رمزی است، یعنی این که نویسنده با ایجاد فضایی میان واقعیت و خیال سعی در بازآفریدن موقعیتی دارد که کمتر بر محور شخصیت متمرکز است و فضا و نوع چیدمان صحنه نشان از پریشان‌حالی شخصیت داستانی دارد، شخصیتی که گویی عمده هویتش را مدیون همین فضای شلوغ است.

این داستان داستانی است که می‌توان از زاویه‌های گوناگون به آن نگاه کرد. به نظر می‌رسد نویسنده در این کار بیش از داستان‌های دیگر درگیر فضاهای سینمایی است و اگر از این زاویه به کارش نگاه کرده، نگاهی است که در نهایت به نفع فضای داستان تمام شده است.

کار دیگری که نویسنده در این داستان به خوبی از آن استفاده کرده بهره‌مندی از اشیاء بی‌جان به مثابه شخصیت است. در این داستان همه عناصر بی‌جان به زیبایی در خدمت روایت داستانی به کار گرفته شده‌اند.

نکته دیگری که در رابطه با داستان‌های علایی باید به آن اشاره کرد استفاده بجا از گفت و گو است؛ گفت و گو‌هایی که به نظر می‌رسد نویسنده آنها را با زحمت فراوان طراحی کرده است.

کاشی‌های زرد، داستانی است که به لحاظ استفاده از گفت و گو حرف‌هایی برای گفتن دارد، زیرا محور اصلی این داستان بر پایه گفت و گو استوار شده است: «گفت: داره غروب می‌شه، سوز داره هوا. برات خوب نیس. بذار فردا. بعد انگار چیزی یادش آمده باشد گفت: راستی اون رو تختی گلداره رو که گلای قرمز داره این دفعه بکش روی تخت. زن بی‌دلیل لبخند زد. یاد مادرش افتاد» کاشی‌های زرد، داستانی است که سعی دارد با استفاده از

لحظه‌نگاری، گفت و گو و رجعت به گذشته، فضایی خلق کند که شبیه فضاهای رمانتیک باشد، اما زیرکی نویسنده این کار را از در افتادن به فضاهای کاملاً رمانتیک نجات داده است: «بعد مرد بلند شد و رفت به آشپزخانه. یک لیوان چای ریخت و گذاشت کنار روزنامه‌اش. باد توی حیاط می‌وزید و تاب کهنه گوشه حیاط را آهسته حرکت می‌داد. آرام آرام صدای جیر جیر تاب ریخت توی اتاق. زن دیگر چیزی نشنید و با صدا خوابش برد. توی خواب گلویش درد نمی‌کرد. توی خواب سردرد نداشت. تشنه‌اش نبود. توی خواب صدای تلویزیون را نمی‌شنید. روی تاب نشسته بود و کسی هلش می‌داد»

به هر شکل، کیارنگ علایی در این مجموعه داستان نشان داده است که قابلیت‌های لازم برای مطرح‌شدن به عنوان یک داستان نویس خوب را دارد به شرط آن که حوزه ادبیات داستانی را کمی جدی‌تر بگیرد و به آن به عنوان یک رشته مستقل نگاه کند.

عیب افرادی که در کنار نوشتن به هنرهای دیگری هم مشغولند این است که گمان می‌کنند باید عناصر هنرهای دیگر را در فضاهای داستانی دخیل کرد. درحالی‌که این کار بدون آشنایی کامل به عنصر روایت هرگز نمی‌تواند به جوابی درخور منتهی شود. به هر شکل این مجموعه داستان ریشه‌هایی حرفه‌ای در خود دارد که در صورت نگاهی جدی‌تر می‌تواند به عنوان یک نگاه نو در ادبیات داستانی مطرح باشد.

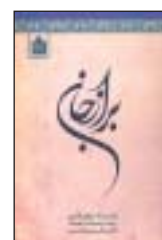
علایی در کارهای دیگرش هم نشان داده که نویسنده جستجوگری است و این جستجوگری نباید حالتی افسارگسیخته به خود گیرد و باعث پدید آمدن نگاهی مشوش شود.

همان گونه که گفته شد این نویسنده باید با مطالعه کارهای نویسندگان شاخص هم نسل خودش راه و رسم تازه در ادبیات داستانی را پی‌بگیرد و ریزه‌کاری‌های نهفته در آن آثار را به نفع کارهای خود به کار گیرد.

مجموعه داستان «شفا در میان ما نفس می‌کشد» سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات هیلا با شمارگان ۱۶۵۰ نسخه و قیمت ۱۷۰۰ تومان منتشر شده است.

برازجان

ویلم فلور ترجمه، توضیحات و تعلیقات: دکتر عبدالرسول خیراندیش/ انتشارات آدابوم/ چاپ اول ۱۳۸۸
۱۰۳ صفحه/ ۲۵۰۰ تومان



اثر ویلم فلور درباره برازجان را می‌توان از معدود نوشته‌های ایران شناسان در موضوع تاریخ محلی دانست که شایان توجه است. زیرا تاریخ‌های محلی هر چند کوچک و آسان می‌نمایند اما در واقع پیچیدگی‌های

خاص خود را دارند. دلیل این پیچیدگی از یک سو نوع خاص رابطه انسان و محیط جغرافیایی و از سوی دیگر چند لایه شدن مناسبات اجتماعی با هرم قدرت است. با این حال دکتر فلور به دلیل ممارست در تاریخ نواحی جنوبی ایران تا حدود زیادی در این مسیر قرین توفیق بوده است. در یک نگاه کلی تر و حسب تخصص وی که تاریخ اقتصادی و اجتماعی معاصر ایران است، این نوشته در اساس و در مباحث نخستین خود صورت تاریخ اقتصادی دارد. اما در ادامه و در پایان صورت تاریخ سیاسی را به خود گرفته است و در بردارنده منابع و اطلاعاتی است که تاریخ دو قرن اخیر برازجان است که تاریخ دو قرن اخیر برازجان را در پیوند با مناطق پیرامونی آن دیده است و بدین ترتیب تصویری روشنگر از موقعیت تاریخی آن به دست می‌دهد.

در این کتاب موقعیت، شکل‌گیری، جمعیت، اقتصاد، حیات فرهنگی و اجتماعی، مالیات، خاندان حاکمه، ساختار اداری و... برازجان بررسی شده است. علاوه بر این کتاب دارای فهرست عام اساسی و اصطلاحات، پی‌نوشت‌ها و منابع است. مترجم کتاب که عضو هیات علمی دانشگاه شیراز هم هست در بخشی از دیباچه این اثر می‌نویسد: «اگر چه ممکن است بعضی از مطالب این نوشته خوشایند طبع همگان نباشد، اما نباید غافل بود که تاریخ برای درس گرفتن و ساختن آینده است. امید است این ترجمه در پیشگاه مردم شریف برازجان مقبول واقع شود.»

عناصر فیلمنامه نویسی

اروین آر. بلکر/ ترجمه: محمد گذر آبادی

انتشارات هرمس/ چاپ اول ۱۳۸۸

۷۴ صفحه/ ۲۴۰۰ تومان



اروین بلکر بر این باور است که خلاقیت آموختنی نیست اما معتقد است که اصول و فن فیلمنامه نویسی - یعنی ساختار، پیرنگ، گفت‌وگو، معرفی و شخصیت را - می‌توان

آموخت. پروفیسور بلکر که متولد سال ۱۹۱۹ است، اصول فوق را از منابع متعدد جمع‌آوری کرد و آنها را طی سال‌ها، تلخیص و پالوده کرد. وی افزون بر چهل سال از زندگی‌اش را به نمایشنامه نویسی برای رادیو، فیلمنامه نویسی، نویسندگی برای برنامه‌های مستند و نمایشی تلویزیون، ویرایش داستان‌های تلویزیونی و رمان نویسی گذرانده است. او به شعر حماسی، درام معاصر آمریکایی و درام عصر الیزابت، قصه‌های عصر آرتور و -بیش از همه- تئاتر کلاسیک یونان علاقه‌ای وافر و محققانه دارد. بنابراین، دانشجوینش با راهنمایی‌های او و انضباط سخت سینمای مدرن آمریکا و نیز مفهوم عمیق و ابدی «ساختار» به منزله زیربنای روایت دراماتیک آشنا می‌شدند.

این کتاب بر آن است تا نشان دهد فیلمنامه چیست و چگونه نوشته می‌شود. هیچ نویسنده یا معلمی نمی‌تواند به دیگران بیاموزد چگونه خلاق باشند یا

چگونه الهام بگیرند. اما تکنیک و رویکرد حرفه‌ای به یک فرم خلاقانه را می‌توان آموزش داد. تفاوت میان یک معمار و یک مهندس ساختمان در تکنیک است. فیلمنامه نیز بر اساس تکنیک ساخته و پرداخته می‌شود و این تکنیک را می‌توان آموخت.

فیلمنامه نویسی می‌تواند اصول بنیادی درام نویسی را بیاموزد. البته قواعد و قوانین مطلق برای نوشتن فیلمنامه وجود ندارد اما میراث دو هزار و پانصد ساله تحلیل دراماتیک و وجودده هزار فیلم داستانی به ما امکان می‌دهد تا اصول درام نویسی را از آنها استخراج کنیم.

کتاب حاضر در دو بخش (۹ فصل) عناصر فیلمنامه نویسی را بررسی می‌کند. تعاریف، کشمکش، ساختار، شخصیت، معرفی، گفت‌وگو، شکل و شمایل یک فیلمنامه حرفه‌ای، ملاحظات تولید، اشکال و تکنیک‌های دیگر، فیلم شناسی و نمایه اصطلاحات عناوین بخش‌های این کتاب هستند.

قصه مکان

مطالعه‌ای در شناخت قصه نویسی ایران

علیرضا سیف‌الدینی/ انتشارات افراز/ چاپ اول ۱۳۸۸

۳۲۰ صفحه/ ۱۸۰۰ تومان



شناخت قصه نویسی در ایران. سیف‌الدینی در بخشی از کتاب آورده است: «اگر اثر ادبی جزئی از جهان ویژه ادبی به شمار می‌آید پس می‌توان نتیجه گرفت که هر اثر ادبی به مثابه یک

(من - غیر) همواره در ارتباط با «غیر»ی عظیم است.» لحن و آوای «غیر» عظیم، در فضای ادبی، نویسنده را در موقعیت ویژه‌ای قرار می‌دهد که نویسنده از طریق آن در گستره علوم انسانی، با جهت‌گیری به جهان ادبی نسبت به سایر علوم حساس می‌شود. این به معنای استقرار نویسنده در میان علامت نقل قول نیز می‌تواند محسوب شود.

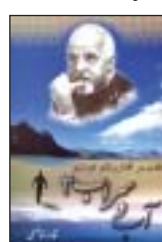
بر این اساس لحن «غیر» عظیم که از درون فضای ادبی به طرف اثر ادبی سرازیر می‌شود، در واقع روح مناسبات میان مکان‌های انتظام یافته (قصه‌ها) و مکان منتظم دیگر (قصه) است. به عبارت دیگر لحن «غیر» عظیم آوای نویسنده نیست، بلکه آوایی است که از یک سو پایان‌ناپذیری نوشتار را به نویسنده (مولف) یادآور می‌شود و از سوی دیگر او را در انتزاع اثر از جریان پایان‌ناپذیر نوشتار یاری می‌دهد.

آب و سراب

نقد و بررسی افکار پائولو کوئیلو

قادر فاضلی/ نشر فضیلت علم

چاپ اول ۱۳۸۸/ ۲۰۸ صفحه/ ۲۷۰۰ تومان



پائولو کوئیلو، نویسنده برزیلی است که چند سال پیش ترجمه‌های آثارش در ایران شروع شد و از قضا مخاطبان عام اکثر کتاب‌های او از جمله «کی‌می‌اگر» را پسندید، اما همان سال‌ها منتقدان و نویسندگان ایرانی

اکثر آثار این نویسنده را گرت‌برداری از ادبیات کهن ایران برشمردند و کوئیلو زیر تیغ نقد آنها در رسانه‌ها و به ویژه مطبوعات گیر کرد.

قادر فاضلی در این اثر به نقد افکار این نویسنده برزیلی پرداخته و شش کتاب او را بررسی کرده است. جدای از کتاب فاضلی برخی منتقدان در سال‌های پیش عرفان کوئیلو را جعلی دانستند و معتقد بودند که این نویسنده رمان «کی‌می‌اگر» را از دفتر پنجم مولانا گرفته است و علاوه بر این عمق اندیشه و تفکر مولانا را نشناخته است.

قادر فاضلی در بخشی از مقدمه کتاب آورده است: «بسیاری از تشنگان حقیقت، به امید رسیدن به آب در سنگلاخ زندگی مذب شدند. اینان ساده‌دلانی هستند که زال‌بیک کرده‌چاپلوس را به جای نوغروس

گرفته و نیش زهر آلودش را به جای شهد و شراب نوش کرده‌اند و خود را به فسون افسونگران درجه‌ویل سرنگون ساخته‌اند، غافل از این که به قول مولانا: گنده پیرست او و از بس چاپلوس / خویش را جلوه کند چون نوغروس / همین مشو مغرور آن گلگونه‌اش / نوش نیش آلوده او را مچش»

راهنمای مجله‌ها و روزنامه‌های ایران

(۱۳۸۵ و ۱۳۸۶) جلد دوم

انتشارات سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران/ چاپ اول ۱۳۸۸/ ۱۴۹ صفحه/ ۲۵۰۰ تومان



کتاب حاضر فهرستی از مجله‌ها و روزنامه‌هایی است که طی سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ در ایران منتشر شده‌اند. اطلاعات مربوط به نشریات شامل نام، نشانی، وابستگی، نوع، تاریخ انتشار، شمارگان، نام مدیر مسئول و سردبیر،

شماره تماس و ... است. در بخشی از دیباچه این کتاب راهنما آمده است: «وقتی صحبت از روزنامه‌های ایران می‌کنیم، منظور این نیست که همه آنها هر روز منتشر می‌شوند. در ابتدای جلد اول راهنمای مجله‌ها و روزنامه‌های ایران که اختصاص به مجلات دارد، وجه افتراق روزنامه و مجله به تفصیل آمده است. از ۲۵۳ عنوان روزنامه یاد شده در این راهنما فقط ۸۵ عنوان واقعا روزانه منتشر می‌شوند. بقیه به تفاوت هفتگی، دو هفتگی یا حتی ماهانه منتشر می‌شوند، ولی شکل و قالب روزنامه دارند. کما این که روزنامه صوراسرافیل هم که در صدر مشروطیت منتشر می‌شد در واقع هفتگی بود.»

کاتی تینو

زهراکرمی/ انتشارات همدا/ چاپ اول ۱۳۸۸

۱۹۲ صفحه/ ۳۰۰۰ تومان



«کاتی تینو» اولین کار بلند داستانی زهراکرمی است که او علاوه بر داستان نویسی، روزنامه‌نگار هم هست. کتاب حاضر در نوزده فصل با زبان محاوره‌ای نوشته شده است. در بخشی

از کتاب آمده است: «حس عجیبی بود، او نوشت فهمیدم شیرین‌رو مثل روز اول دوست دارم، با همان نگاهی که عاشقش بودم هرچی بود، هرکی بود، هر جوری بود، بدون دلیل و برهان دوستش داشتم و حالا خدا داشت اون رو از من می‌گرفت. حاضر بودم به جاش بمیرم، دلم می‌خواست هر حرفی بزنم تا یک لحظه به مردن فکر نکنه، برایش از گذشته و آینده گفتم. نمی‌دونم، راستش نمی‌دونم چی می‌گفتم، انگار خواب و خیال بود، رویا بود و کاش یک خواب بود و بیدار می‌شدم. من اینجا می‌خورم، می‌خوابم، راه می‌روم و شیرینیم زیر خروارها خاک تنهای تنهاست!»

تبعیض و ناشکیبایی علیه مسلمانان

در اتحادیه اروپا بعد از ۱۱ سپتامبر

گزارش فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلستیکی

ترجمه: دکتر علی مرشدی زاد/ انتشارات پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی/

چاپ اول ۱۳۸۸/ ۲۷۹ صفحه/ ۶۰۰۰ تومان



اسلام هراسی مفهومی است که به ترس و پیشداوری و تبعیض غیر عقلانی در برابر اسلام و مسلمانان اشاره دارد. سابقه این اصلاح به دهه ۱۹۸۰ بازمی‌گردد. اما پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ استفاده بیشتری از آن شد. موسسه

رائیتم تراست در انگلستان، که به امر تبعیض و نفرت در این کشور می‌پردازد، در ۱۹۹۷ اسلام هراسی را ترس و نفرت از اسلام و بنابراین، ترس و نفرت از

همه مسلمانان تعریف کرد و ابراز داشت که این اصطلاح بر تبعیض و طرد مسلمانان از زندگی اقتصادی، اجتماعی و عمومی کشور نیز دلالت دارد. این کتاب برگردان گزارش فدراسیون بین‌المللی حقوق بشر هلستیکی است.

هدف از این گزارش افزایش آگاهی درباره تبعیض و عدم تساهل بر ضد مسلمانان در اتحادیه اروپا و نیز نشان دادن مشکلات موجود بر سر راه استفاده از حق آزادی دینی از سوی مسلمانان این منطقه است. این گزارش یازده کشور عضو اتحادیه اروپا را در برمی‌گیرد که عبارتند از اتریش، بلژیک، دانمارک، فرانسه، آلمان، یونان، ایتالیا، هلند، اسپانیا، سوئد و انگلستان.

فلسفه اطلاعات

محمد خندان/ نشر چاپار و انتشارات نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور/ چاپ اول ۱۳۸۸/ ۲۴۱ صفحه/ ۴۰۰۰ تومان



کتابخانه‌ها و از جمله کتابخانه‌های عمومی را نباید به عنوان نهادهایی متفرد و جدا از کلیت جریان‌های پیام‌رسانی در جامعه در نظر گرفت. کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی حلقه‌ای از حلقه‌های زنجیره گردش

اطلاعات و پیام‌ها در جامعه هستند و علاوه بر تلاش برای ارتقاء سطح خدمات فنی و عمومی در آنها می‌بایست در نسبت کتابخانه‌ها با افق کلی گردش پیام‌ها و اطلاعات در یک ساختار تمدنی، نقادانه تأمل کرد. آنچه رسالت و کارکرد کتابخانه‌ها را در یک دوره تاریخی با یک حوزه فرهنگ و تمدنی رقم می‌زند، با تعلق کلی آن عهد تاریخی و حوزه فرهنگی و تمدنی از منابع و مراتب و فرآیند و نحوه حصول اطلاع نسبتی وثیق دارد. بنابراین ادعایی که در پیشگفتار کتاب آمده است، این اثر، به مباحثی می‌پردازد که برای اولین بار در این سطح در کشور ما مطرح می‌شود و می‌تواند نقطه آغازین برای بحث و نظر متاملانه و منتقدانه درباره مفهوم اطلاعات و ریشه‌های نظری سایر مفاهیم و نهادهای مرتبط با آن باشد.

کتاب حاضر چهار فصل دارد. سابقه تاریخ فلسفه اطلاعات از حیث تأثیر بر آراء فلوریدی و کاپورو، آراء لوچیانو فلوریدی در حوزه فلسفه اطلاعات، آراء رافائل کاپور و در حوزه فلسفه اطلاعات و اشتراک‌ها و افتراق‌ها عنوان فصل‌های این کتاب هستند.

دکتر جکیل و آقای هایید

رابرت/ لویی استیونسن/ ترجمه: محسن سلیمانی

نشر افق/ چاپ اول ۱۳۸۸/ ۲۰۸ صفحه/ ۳۸۰۰ تومان



استیونسن رمان دکتر جکیل و آقای هایید را که در کابوسی به ذهنش رسیده بود، ابتدا به دلیل ناراضی سوزاند، اما به سرعت پشیمان شد و دیگر بار آن را سه روزه نوشت و یکی از آثار ماندگار ادبیات جهان را

خلق کرد. دکتر جکیل در وصیت‌نامه‌اش، اموالش را به شخصی به نام هایید می‌بخشد.

وکیل اتر سون، دوستش، تصادفی به رازی وحشتناک پی می‌برد. هایید که چهره نفرت‌انگیزی دارد، مرتکب جرمی شده و چکی بی‌محل با امضای دکتر جکیل می‌کشد. وکیل اتر سون مطمئن است که هایید برای تصرف اموال دوستش، او را خواهد کشت.

این رمان که نوعی آسیب‌شناسی یک، شخصیت دوباره است، بلافاصله بعد از انتشار با استقبال زیاد خوانندگان و منتقدان روبه‌رو شد (در عرض سه چهار سال، بیش از ۲۵۰/۰۰۰ نسخه از این کتاب به فروش رفت که در آن زمان شمارگان بسیار بالایی محسوب می‌شد) و به زبان‌های مختلف در سراسر دنیا ترجمه شد. یک سال بعد از انتشار آن هم

نمایشنامه‌ای که از آن اقتباس شده بود، در لندن و آمریکاروی صحنه‌رفت و بعد هافیلیم هاوس سریال های زیادی از روی آن ساختند.

رابرت لویی استیونسون، نویسنده و شاعر اسکاتلندی، سال ۱۸۵۰ میلادی، در ادینبورو به دنیا آمد و سال ۱۸۹۴، چشم از جهان فرو بست. پدرش مهندس راه و ساختمان بود و دوست داشت پسرش، حرفه او را دنبال کند.

به همین دلیل، رابرت پس از پایان تحصیلات ابتدایی، به توصیه پدر، در رشته مهندسی دانشگاه ادینبورو شروع به تحصیل کرد. اما بعدها سر به شورش برداشت و رشته‌اش را تغییر داد و حقوق خواند و مدتی هم وکیل مدافع شد. وقتی شانزده سال داشت، نخستین مقاله‌اش را در مجله دانشگاه ادینبورو منتشر کرد اما چندی بعد، به بیماری سل مبتلا شد که تا آخر عمر از این بیماری رنج می‌برد. به همین دلیل هم اغلب برای این که سلامتی‌اش را بازیابد در سفر بود و در طول عمرش به بلژیک، فرانسه، آمریکا و چند کشور دیگر سفر کرد.

در سال ۱۸۸۰ دوباره به آمریکا رفت و با زنی مسن تر از خود به نام فنی آیزورن که از شوهرش طلاق گرفته بود، ازدواج کرد و در همین سال با همسرش به اسکاتلند برگشت. در این زمان با این که به شدت از بیماری سل رنج می‌برد، همچنان به نوشتن مقاله، داستان‌های کوتاه، سفرنامه، شرح حال و رمان، و انتشار آنها ادامه داد.

وی با انتشار رمان «جزیره گنج» در سال ۱۸۸۳، آوازه و شهرتش همه جا پیچید. سه سال بعد هم رمان دکتر جکیل و آقای هاید و چند رمان دیگر را منتشر کرد و نام خود را به عنوان رمان نویسی برجسته به ثبت رساند. استیونسون سال ۱۸۸۸، برای به دست آوردن سلامت جسمی‌اش، به اقیانوس آرام سفر کرد و با همسر، ناپسری و نادختری‌اش در جزیره سمو زندگی تازه‌ای را شروع کرد. با این که حالش در این جزیره تا حدودی بهتر شده بود، اما هنوز آخرین رمان خود و یا به نظر خودش شاهکارش «آب بند هر میسین» را به پایان نرسانده بود که سکنه مغزی کرد و زندگی را بدرود گفت.

نیکلاس نیکلی

چارلز دیکنز / ترجمه: محسن سلیمانی

نشر افق / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۵۶ صفحه / ۴۸۰۰ تومان



چارلز دیکنز، در نیکلاس نیکلی، چهره زشت فقر و بی‌عدالتی را به خصوص در حق کودکان نشان می‌دهد. اما او چون بسیاری از اندیشمندان واقع‌گرا، تلخی و شیرینی را به هم می‌آمیزد و رمان غم‌انگیزش را با رنگ‌هایی شاد تزئین می‌کند.

پدر نیکلاس ورشکست می‌شود و با مرگش، خانواده بی‌پناهنش را تنها می‌گذارد. در این میان، رالف، عموی شیاد نیکلاس به شرطی حاضر می‌شود سرپرستی این خانواده را بپذیرد که نیکلاس معاون مدرسه‌ای شبانه‌روزی شود. مدرسه‌ای که در حقیقت زندانی مخوف است.

چارلز دیکنز، داستان نویس انگلیسی سال ۱۸۱۲ در انگلستان به دنیا آمد. پدرش منشی اداره کارپردازی نیروی دریایی و مردی همیشه بدهکار بود. آقای دیکنز به غیر از چارلز، هفت دختر و یک پسر دیگر هم داشت، اما در این میان تنها چارلز نویسنده شد. وقایع بد دوران زندگی دیکنز یکی این بود که هنگام نوجوانی پدرش به دلیل بدهکاری زیاد به زندان افتاد و مادرش خانم دیکنز مجبور شد با بچه‌های قد و نیم‌قدش مدتی در زندان کنار آقای دیکنز زندگی کند.

به علاوه دیکنز هم مجبور شد در همان کودکی در کارخانه واکس‌سازی کاری گیر بیاورد. اما بار دیگر پدرش او را در دوازده سالگی به مدرسه فرستاد و وقتی که چهارده ساله شد در یک دفتر وکالت، کار منشی‌گری برایش دست و پا کرد.

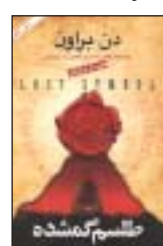
در نوزده سالگی، دیکنز جوان که تند نویسی را از پدر آموخته بود، خبرنگار مجلس عوام شد و مدتی بعد نیز کم‌کم شروع به نوشتن داستان برای مجلات مختلف کرد. دیکنز در سال ۱۸۳۶ با کاترین هوگارت، دختر مدیر روزنامه‌ای که در آن کار می‌کرد ازدواج کرد و هر چند سال‌های بعد کارشان به جدایی کشید اما حاصل این ازدواج ۱۰ فرزند بود.

دیکنز با این که در ابتدای زندگی درآمد چندانی نداشت، اما انتشار رمان‌های «الیور توئیست»، «دیوید کاپرفیلد»، «روزگار سخت»، «سرود کریسمس»، «داستان دو شهر» و آثار دیگرش شهرت و ثروت زیادی برایش به ارمغان آورد.

دیکنز، نیکلاس نیکلی را پس از الیور توئیست در سال‌های ۱۸۳۸-۹ به صورت جزوه جزوه منتشر کرد. این اثر تقریباً جزو کارهای اولیه اوست و می‌توان گفت با این که رگه‌هایی از خلاقیت در آن موج می‌زند و طنزی گرا و طرحی تقریباً جذاب دارد، اما مسلماً به دلیل اصرار نویسنده برای کش دادن و طولانی کردن رمان (اثر اصلی تقریباً به هزار صفحه می‌رسد) خالی از پرگویی و صحنه‌ها و شخصیت‌های زائد نیست، چیزی که در همه آثار اولیه نویسندگان بزرگ در قرن نوزدهم به چشم می‌خورد.

طلسم گمشده

دن براون / ترجمه: مهرداد وثوقی / انتشارات گل آذین / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۵۹۲ صفحه / ۸۸۰۰ تومان



کتاب حاضر را ناشران متعددی با عناوین مختلف منتشر کرده‌اند. دن براون در ادامه حوادث پرماجری داستان رمز داوینچی، بار دیگر داستان مهیجی را به تصویر می‌کشد. «طلسم گمشده» داستان پردازی و تعقیب و گریزی هیجان‌انگیز در مارپیچ‌های دنیای واقعی رمزها، رازها و حقایق گمشده در میان تالارهای مخفی، تونل‌ها و معابد واشنگتن است. در آغاز داستان، رابرت لنگدان، به صورت غیرمنتظره برای ایراد سخنرانی در جلسه‌ای در ساختمان کنگره آمریکا احضار می‌شود. دقایقی بعد از ورودش، داستان شگلی عجیب پیدا می‌کند. شیء نگران‌کننده‌ای - که پنج نماد به صورت هنرمندانه رویش رمز شده - در ساختمان کنگره کشف می‌شود. لنگدان متوجه می‌شود که این شیء به منزله دعوتی باستانی است... شخصی می‌خواهد میهمانش را به دانش محرمانه دنیا هدایت کند؛ دانشی که مدت‌هاست گم شده!

لنگدان در ادامه مجبور به پذیرفتن این دعوت رمز آلود و تعقیب مسیر حاصل از آن است. او یک باره در دنیای سری رازها، تاریخ مکتوم و اماکن فراماسونری که تاکنون رویت نشده گرفتار می‌شود که ظاهراً تمام آنها او را به حقیقتی یگانه و باورنکردنی سوق می‌دهند...

«سقوط در کوه مرگان» و «ارتباطات آقای پیتزر» آرتور میلر / ترجمه: منیژه محامدی و مریم غیورزاده / نشر افراز / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۴۰۰۰ تومان



نمایشنامه «سقوط در کوه مرگان» و «ارتباطات آقای پیتزر» نوشته آرتور میلر با ترجمه منیژه محامدی و مریم غیورزاده روانه بازار کتاب شد. شخصیت اصلی نمایشنامه «سقوط در کوه مرگان» مامور بیمه‌ای است که دو زن دارد و دچار خودشیفتگی می‌شود. او که شخصیتی ثروتمند، طماع و خودخواه دارد، از مرگ بسیار می‌هراسد.

نمایشنامه «ارتباطات آقای پیتزر» داستان خلبانی است که جوانی پرشکوهی داشته و اکنون در روزگار پیری، در جهانی گم شده که هیچ آن را در نمی‌یابد. نمایشنامه «سقوط در کوه مرگان» نامزد جوایز

تونی و درامادسک شده است.

آرتور میلر (۱۹۱۵-۲۰۰۵) از چهره‌های تئاتر آمریکا محسوب می‌شود. او بیش از هفت دهه فعالیت مستمر داشت و در زمان مرگش، یکی از بزرگترین نمایشنامه‌نویسان قرن بیستم محسوب می‌شد. منیژه محامدی تاکنون کتاب‌های «پرواز بر فراز آشیانه فاخته» اثر فیلیپ برناردی، «مسئله‌ای نیست» اثر دیوید آیوز، «روز از نو» اثر داریو فو، «بداهه‌سازی در تئاتر» اثر فیلیپ برناردی، «حکومت نظامی» اثر فرانکو سولیناس، «تبرئه شده» و «آمادئوس» اثر پیتر شفر، «چشم‌اندازی از بل» «گذر از آزمون»، «پس از سقوط» و «حادثه در ویشی» از آرتور میلر را ترجمه و به چاپ رسانده است.

تحلیل فرهنگی صنعت

پژوهش و نگارش: دکتر محمد امین قانع‌ی راد / انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۲۶ صفحه / ۳۰۰۰ تومان



مقوله توسعه، به ویژه توسعه صنعتی از جمله اساسی‌ترین مباحثی است که از دیرباز در جامعه ایرانی ذهن و اندیشه عمده صاحب‌نظران را به خود مشغول کرده است. طرح‌ها و برنامه‌های بسیاری در سده معاصر برای صنعتی شدن در دستور کار قرار گرفته و هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری برای تحقق آنها صرف شده، اما نتیجه درخور به دست نیامده و پروژه صنعتی کردن کشور به رغم تمام تلاش‌ها به شکست انجامیده است. متعاقب شکست پروژه مذکور، پژوهش‌ها و تحلیل‌های فراوانی درباره عامل این ناکامی اجرا و نگاشته شده و هر یک از آنها علت ناکامی را در موضوعی خاص جست‌وجو کرده‌اند. بنابر یادداشتی که ابتدای این کتاب آمده است: «در پژوهش حاضر سعی بر آن است که زمینه برای تحلیل فرهنگی صنعت فراهم شود و در کنار چارچوب‌ها و تحلیل‌های اقتصادی راهی دیگر نیز برای درک و حل موثرتر مشکلات صنعتی شدن کشور تاکنون عمدتاً مغفول مانده است گشوده شود. بر این اساس، بر مفهوم وسیع‌تری از سیاست فرهنگی تأکید شده است؛ سیاستی که برای ارائه پاسخی فرهنگی به مشکل توسعه صنعتی در کشور، مفهوم وسیع و انسان‌شناسانه‌ای از فرهنگ مبنی بر شیوه‌های زندگی، سبک‌های تولید، توزیع و مصرف در حوزه‌های آموزش، ارتباطات، صنعت و فناوری‌ها را مدنظر قرار دهد...»

میشل اوپاما

الیزابت لایت فوت / ترجمه: میترا معتضد

انتشارات البرز / چاپ اول ۱۳۸۸

۴۳۲ صفحه / ۶۵۰۰ تومان



این کتاب نگاهی افشاگر و نزدیک به زندگی میشل اوپاما، همسر کنونی رئیس‌جمهور آمریکا دارد؛ از دوران کودکی‌اش در شهر شیکاگو تا تحصیلش در دانشگاه‌های پرینستون و هاروارد. از این که او چگونه باراک اوپاما را در یک شرکت حقوقی ملاقات کرده که آنها در آن شرکت تنها وکلای سیاهپوست به شمار می‌آیند، تا نقش او به عنوان نزدیک‌ترین مشاور باراک، تا اعتقادات سیاسی خودش. کتاب دارای دوازده فصل است. به دست آوردن صندلی‌اش پشت میز، سال‌های تحصیل در بهترین دانشگاه‌های آمریکا، تلاش برای ساختن جهان به آن صورتی که باید باشد، پرسش‌هایی درباره نژاد، جنسیت و سن، عبور از خط پایان و ... عناوین فصل‌های کتاب حاضرند. علاوه بر این در انتهای کتاب بخشی با عنوان بردگی اجداد همسر رئیس‌جمهور آمریکا هم وجود دارد.

گفت‌وگو با یازدهمین نسل سینمای ایران

مسعود توکلی و بهزاد صدیقی / انتشارات افراز

چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۸۰ صفحه / ۵۵۰۰ تومان



کتاب حاضر به بررسی سه نسل از بازیگران سینمای ایران در قالب گفت‌وگوهای تحلیلی می‌پردازد. محمد علی کشاورز و شهلا ریاحی به عنوان دو بازیگر پیشکسوت از نسل اول، ثریا قاسمی و جهانگیر الماسی به عنوان بازیگران نسل دوم و ماهایا پطروسیان و علی مصفا به عنوان نسل سوم برای این بررسی انتخاب شده‌اند.

زندگی و آثار، دلایل حضور در بازیگری سینمای ایران و پیشینه‌های هنری و بازیگری، چگونگی بازی در نقش‌های متفاوت، خلاقیت و نوآوری و ... مسائلی هستند که در بازیگری این سه نسل مورد توجه قرار گرفته‌اند. گفت‌وگو با بازیگران مرد برعهده بهزاد صدیقی بوده و گفت‌وگوهای بازیگران زن رامسعود توکلی انجام داده است.

جیمی کوآتز: آدم کش

جو کرینگ / ترجمه: شهلا انتظاریان / نشر پیدایش / چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۷۳ صفحه / ۴۵۰۰ تومان



کتاب حاضر، داستان‌های ماجراجویانه انگلیسی است که جو کرینگ، متولد ۱۹۷۹ آنها را به رشته تحریر درآورده است. قدرت عجیب، نوار سبز، پسری با یک کیف، تنها هرگز، درس مهارت، سافرون والدن، توی تاریکی و ... عناوین فصل‌های این کتاب هستند. شخصیت اصلی داستان‌های کتاب حاضر، پسری است به نام جیمی کوآتز. او رازی دارد، رازی که حتی خودش هم از آن بی‌خبر است و به نوعی به مرگ و زندگی ربط پیدا می‌کند. کتاب حاضر بدون مقدمه و حتی معرفی نویسنده آن است و فقط چند سطر در پشت جلد آن نوشته‌اند: «ماجرای‌های تکان‌دهنده‌ی او را در هیجان‌آمیزترین سکانس‌های تاریخ به چیزی بیش از ورق زدن صرف کتاب رامی‌طلبید.»

نرگس هنوز

م. مؤید / نشر تکا / چاپ اول ۱۳۸۷

۴۸۰ صفحه / ۴۸۰۰ تومان



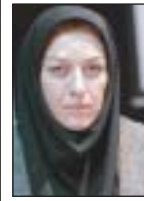
«نرگس هنوز»، گزیده اشعار م. مؤید، شاعر معاصر است. در ابتدای کتاب گفت‌وگویی از هادی محیط با م. مؤید منتشر شده و سپس شعرهایی که از او پیش‌تر منتشر شده بوده آمده است. همیشه نوع تو خوب است، خوارزم، تاب افشار، مهتاب، نیایش، قدر، نهاده‌ای از تو، کربلای چندم و ... عناوین برخی از شعرهای منتشر شده این شاعرند.

شعر کربلای چندم چنین است:

در اسمره وضو می‌سازم / در فیلیپین رو به قبله می‌ایستم / در مزار شریف اذان می‌گویم / با ستاره‌ها / در جماران / نماز می‌خوانم / در خر مشهر / همین امروز صبح یک گلوله خمپاره / گلولی اصغر را پاره کرد / خواهرم آرام بود / او می‌تواند به رنگ آبی و بسیار آرام گریه بکند / من به سوی نخلستان‌ها می‌رفتم / تا شط را به بنی‌امیه واگذار نکرده باشم / همین چند سال پیش / برای چندمین بار / مرا در عمان محاصره کردید / همین چند ماه پیش / در چندمین کربلا / مرا در لبنان تکه تکه کردید / و حال نوبت خر مشهر است / نه من پسر طلال نیستم / من مسلمانم / و شریف‌تر از آن که به سود بیگانگان / سگ نگهبان چاه‌های نفت باشم / من مادرم فاطمه است / او پدرم در نجف تنهاست / از تکریت / تا نجف / خیلی فاصله است / خدا محاصره نمی‌شود / خدا را نمی‌توان سر برید / و من فرزند پدرم نیستم / اگر حسین نباشم.



ایرادی به نام تنبلی ما



طبیعی است که سینمای ما نسبت به سینمای جهان، آن هم در قیاس با کشورهای که صاحب سینما هستند و به این هنر به چشم صنعت می نگرند عقب تر است و در نتیجه تالیفات و آثار تحقیقی

کمتری هم نسبت به این کشورها دارد و آنها در حوزه تالیف کتاب های سینمایی پیشروترند. البته ما هم کمتر دوست داریم به زحمت بیفتیم که این ایرادی بزرگ برای نویسندگان سینمایی ما به شمار می آید.

نکته مثبتی که درباره ترجمه آثار سینمایی به چشم می خورد این است که می توانیم از تجربه های آنها الگوبرداری کنیم و دانش آنها چراغ راه ما باشد. من به خاطر حوزه کاری ام، فیلمنامه های منتشر شده را بیشتر مطالعه می کنم. ترجمه هایی که در بازار است، انسان را به این فکر می اندازد که این کتاب ها می توانستند ترجمه های بهتری داشته شوند.

اصطلاحاتی که در کلاس های آموزشی مطرح می شوند، گاهی بسیار بد و غلط ترجمه شده اند و متأسفانه باید گفت به این آثار نمی توان خیلی اعتماد کرد. فکر می کنم بیش از انتشار فیلمنامه، جامعه ما به کتاب های آموزشی نیاز دارد، چون فیلمنامه خوانی به آن شکلی که در ایران رایج است، در دیگر کشورها متداول نیست و ما بیشتر به عنوان یک سند و تغییراتی که در ساخت در فیلم اعمال شده، فیلمنامه را مطالعه می کنیم. آموزش سینما بسیار مهم تر از انتشار فیلمنامه های سینمایی است؛ به این خاطر که می توان از تجربه دیگران برای افزایش سطح آگاهی هنرمندان کشورمان استفاده کرد.

اغلب در این کتاب ها به صورت فشرده بسیاری از دوره های آموزشی سینما را در دل خود توضیح داده اند و می توانند اطلاعات ارزشمندی را از این آثار به دست دهند. بسیاری از این اطلاعات را از راه مطالعه و جست و جو در کتاب های سینمایی به صورت مکتوب و الکترونیکی به دست آورده ام.

سینمای ایران همچنین می تواند با جمع آوری اطلاعات کاملی از رویدادهای سینمای جهان، گنجینه ای کامل از فرصت های آموزشی را در اختیار جوانان قرار دهد.

واقعیت این است که باید در این زمینه کار ریشه ای و اصولی صورت بگیرد و امتیاز نگارش کتاب های سینمایی در دست صاحب نظران و دلسوزان سینما قرار گیرد تا بهره آموزشی کافی از این منظر نصیب هنرجویان سینما شود.

برای این که بتوانیم همگام با سینمای مدرن جهان قدم برداریم باید نگاه خود را نسبت به انتشار کتاب های سینمایی تغییر داده، شیوه های تازه ای را در این باب پیدا کنیم. سینمای ایران در مسیری است که بیش از پیش به تفکر و دانش نیاز دارد و باید حوزه نگاه خود را نسبت به انتشار این گونه آثار گسترش دهیم تا بتوانیم سینما را وارد دوران تازه ای کنیم. ما باید واقعیت را در نظر داشته باشیم و بتوانیم روی تالیفات ارزشمندی که از دانش خودمان ناشی می شوند حساب کنیم.

بسیاری از استادان سینمایی ما از راه تجربه دانش خود را به دست آورده اند، اما برای این که تئوری را به سینما تزریق کنیم، باید از افرادی بهره ببریم که خودشان آموزش تئوری را به شکل کامل دیده اند و این کار به زمان نیاز دارد تا سینما بتواند چنین الگوهایی را در دل خود پرورش دهد.



اهالی سینما تمایلی به نوشتن کتاب و فیلمنامه نویسی علمی ندارند؟

نمی خوانیم، پس نمی نویسیم!

نویسنده باید ذهن آرام و مطالعه گری داشته باشد و بتواند نظریه پردازی کند که از نگاه وی این کار نیز فعالیتی سخت و نیازمند تحقیق در زمان مناسب است. وی در این باره گفت: «ما دچار روزمرگی شده ایم. نظریه پردازی نیاز به ثبات دارد و از دل این آرامش، کتاب های تئوریک به وجود می آید اما نویسنده سینمایی بیشتر دلمشغولی های روزمره دارد و انگیزه اش نیز برای انتشار کتاب، به طور مرتب کمتر از گذشته می شود.»

وی که خود به تازگی قصد دارد کتابی از مجموعه نقد هایش را در طول چند دهه فعالیت سینمایی در عرصه نقد منتشر کند افزود: «هر نویسنده ای که قصد دارد اثری را منتشر کند، می خواهد ببیند که کتاب او چه بازتابی دارد، اما اگر بازار مناسبی برای این آثار وجود نداشته باشد، کتابفروشی ها انباری برای کتاب های سینمایی خواهند بود!»

گلمکانی به طرخی اشاره کرد که چند سال پیش در سر داشته تا دانشگاه ها و مدارس سینمایی این کتاب ها را به عنوان سرفصل های درسی آموزش دهند: «فکر کرده بودم که دانشگاه ها و مدارس کتاب ها را بخردند و دانشجویان به چشم تکلیف به آنها نگاه کنند و بر اساس آنها فیلمنامه بنویسند و دیگر حوزه ها را یاد بگیرند. البته آنچه مسلم است، به اجبار نمی توان کسی را به مطالعه واداشت و انجام داوطلبانه و مشتاقانه این کار به فرهنگ سازی نیاز دارد.»

ادبیات را در سینما ترویج کنیم

جابر قاسمعلی فیلمنامه نویس و مدرس سینما نیز ضعف آثار تالیفی را ناشی از عادت آسان گیری نویسندگان این عرصه دانست و گفت: «نتیجه این نگرش که هر چه را در آن سوی مرزها در حوزه سینما منتشر می شود، منتشر کنیم، همین وضعیتی است که شاهد آن هستیم.»

وی ادامه داد: «نباید خودمان را دست کم بگیریم، بلکه باید در حوزه نظریه پردازی قدم برداریم تا بلکه مانند وضعیت کنونی بازار کتاب، حجم کتاب های ترجمه شده از آثار تالیفی بسیار کمتر نباشد.»

قاسمعلی کمبود مطالعه بین دانشجویان سینما را تنها متعلق به این قشر ندانست و افزود: «معتقدم این مشکل نویسنده های سینمایی است که کمتر مطالعه می کنند و فیلمنامه نویس های ما نیز به اندازه کافی با ادبیات آشنایی ندارند.»

وی فیلمنامه نویسی را ژانری ادبی خواند و گفت: «کسی که دانشجوی سینماست، باید در این بخش مطالعاتی کافی داشته باشد و خود را در این زمینه تقویت کند.»

فیلمنامه نویس فیلم «روانی» در بخش دیگری از سخنانش گفت: «در خارج از کشور مرزبندی ها روشن است، ولی در ایران باید بیشتر به سمت ادبیات رفت. تجربه نشان داده حتی اقتباس از آثار درجه دو و سه ادبی نیز به شاهرکارهای سینمایی انجامیده است. در این باره می توان فیلم «سرگیجه» ساخته آلفرد هیچکاک را نام برد.»

کار خودتان را انجام دهید

وقتی بهار رهنما شعر و رمان می نویسد، افسانه بایگان مجموعه شعر هایش را منتشر می کند و محمدعلی سجادی شعر و شاعری را محملمی دیگر برای انتقال مفاهیم درونی اش می داند. به این فکر می افتم که شاید کمبود نظریه پردازی در سینما مشکلی از سوی خود اهالی سینما باشد.

رضا کیانیان شاید معروفترین سینماگری است که وقتی تصمیم به انتشار کتابی گرفت، آن را در حوزه سینما و مباحث تئوریک نوشت که با استقبال نیز روبه رو شد.

نه این که بخوایم هنرمند را در یک حوزه حبس کنیم و حکم کلی صادر کنیم که هنرمندی که در سینما بازیگر است نباید رمان بنویسد؛ اما آیا بهتر نیست کارگردان ها، فیلمبردار ها، بازیگران و در نهایت همه حوزه های مختلف سینما از تجربیات خود به نظریه پردازی برسند و با توجه به تحصیلات آکادمیکی که دارند، با تلفیق دانش و تجربه بتوانند منابع مکتوب ارزشمندی را در حوزه سینما منتشر کنند.

اقداماتی که می تواند با تلاش بیشتر و توجه کافی به حوزه ادبیات، زمینه دسترسی دانشجویان به کتاب های تالیفی ایرانی، جبران کمبود مطالعه در بین جوانان سینما دوست، افزایش حجم کتاب های سینمایی و... را جبران کند. آن هم در شرایطی که بنیادی رسمی مثل فارابی، گویا دیگر در زمینه انتشار کتاب های سینمایی فعالیتی ندارد و حجم کتاب های ترجمه شده، راه را برای عرضه اندام نظریه پردازان سینمایی کشورمان محدود کرده است.

انتشار کتاب هایی که به مباحث تخصصی سینما در چند سال اخیر پرداخته اند، با توجه به تمایل گرایش گسترده نسل جوان کشورمان به رشته های هنری و به ویژه سینمایی، بسیار ناچیز و در مواردی اندک و بی مایه به نظر می رسد.

نپرداختن به مباحث هنر هفتم در چند سال اخیر در مقایسه با دیگر حوزه های هنری که اصول اصلی و آکادمیک را به شکلی تخصصی و جدی به علاقه مندان عرضه می کنند، مسأله ای اساسی در حوزه انتشار کتاب های سینمایی به شمار می آید.

شکل گیری این مسائل شاید به این دلیل باشد که تحقیق و پژوهش در حوزه سینما سخت و طاقت فرساست چرا که منابع مکتوب در این زمینه بسیار محدودند. از این رو، محققان کمتر علاقه نشان می دهند که به پژوهش مکتوب در حوزه سینمایی بپردازند.

این کار با توجه به زمانی که برای آن صرف می شود، سود اقتصادی چندانی هم ندارد و تنها علاقه است که پژوهشگران را به ادامه کار وامی دارد.

از سوی، دانشگاه ها و هنرستان های سینمایی که مهم ترین مراکز مخاطب محور برای این آثار به شمار می آیند نیز با کمبود منبع ارزشمند مکتوب سینمایی مواجه اند.

در این میان باید به ظرفیت بالای موسسه و آموزشگاه های تازه تاسیس شده سینمایی از حیث حضور علاقه مندان به هنر هفتم نیز اشاره کرد که اگر در راه آموزش واقعی قدم بردارند بی شک نیازمند کتاب های سینمایی ارزشمند خواهند بود.

در بسیاری از این موسسات، بحث و بررسی کافی درباره اهداف و روش های آموزشی صورت نمی گیرد و فعالیت های آموزشی به طور کوتاه مدت به پیش رانده می شود بدون آن که درباره نتایج و پیامدهای آن بررسی کافی و لازم انجام شود.

دومین جشن سینمای ایران نیز تنها با حضور تعداد کمی از آثار سینمایی برگزار شد که این نیز از ضعف آثار تالیفی و ترجمه در حوزه نگارش آثار سینمایی در کشور حکایت دارد که به یقین در شأن کشور دانشجوی خیزی مانند ایران در حوزه سینمایی نیست.

به راستی مشکل اصلی چیست؟ آیا نبود متخصصانی که بتوانند آثار ارزشمندی را در حوزه سینما به شکل آموزشی، تخصصی و اصولی بنویسند و در اختیار مخاطبان قرار دهند، مشکل اصلی است یا این که هجوم بی رویه کتاب های ترجمه شده و کمبود آثار تالیفی، دانشجویان سینما را از پرداختن به این کتاب ها دور کرده است؟ بهتر نیست که سینمایی ها خودشان دست به قلم شوند و تجربیات ارزشمندشان را در اختیار هنرجویان و علاقه مندان به سینما قرار دهند؟

گلمکانی: مشکل از کتاب خواندن است، نه سینما!

هوشنگ گلمکانی، منتقد با سابقه سینمایی که چند کتاب هم درباره سینما منتشر کرده است در مورد این که چرا تالیفات سینمایی کشورمان در همه حوزه ها، بسیار کمتر از ترجمه هایی است که در بازار کتاب عرضه می شوند؟ به کتاب هفته گفت: «مهم ترین دلیل این است که تالیف سخت تر از ترجمه است و از همه جهات وقت بیشتری از ترجمه یک کتاب خواهد برد.»

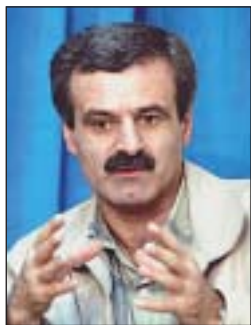
وی ادامه داد: «کم بودن شمارگان کتاب های سینمایی نیز دلیل دیگری بر کاهش تعداد آثار تالیفی در این حوزه است که صرفه اقتصادی برای ناشر و مولف در پی ندارد، لذا برایشان انگیزه ایجاد نمی کند.»

گلمکانی افزود: «اگر کسی فارغ از ملاحظات اقتصادی و انگیزه مالی به تالیف کتاب همت گمارد، ممکن است اثری ارزشمند نیز در این حوزه تولید کند.»

دبیر شورای نویسندگان ماهنامه فیلم تصریح کرد: «مشکل اصلی سینماگران و بخش های مختلف این حوزه، کتاب نخواندن است که در نتیجه بر انتشار کتاب های سینمایی نیز تاثیر گذاشته و از ایجاد فضایی مناسب برای مطالعه جلوگیری کرده است.»

وی درباره این که کدام حوزه از وضعیت مطلوب تری در زمینه انتشار کتاب های سینمایی برخوردار است؟ گفت: «به نظر می رسد در چند سال اخیر وضعیت فیلمنامه ها به مراتب بهتر از سایر آثار سینمایی است و آن هم به این دلیل که ترجمه فیلمنامه، امری سهل است و فیلمنامه اصلی نیز به امید ساخته شدن به چاپ می رسد.»

این منتقد سینما معتقد است که برای نگارش کتاب های تئوریک سینمایی



جابر قاسمعلی فیلمنامه نویس و مدرس سینما نیز ضعف آثار تالیفی را ناشی از عادت آسان گیری نویسندگان این عرصه دانست و گفت: «نتیجه این نگرش که هر چه را در آن سوی مرزها در حوزه سینما منتشر می شود، منتشر کنیم، همین وضعیتی است که شاهد آن هستیم.»

وی ادامه داد: «نباید خودمان را دست کم بگیریم، بلکه باید در حوزه نظریه پردازی قدم برداریم تا بلکه مانند وضعیت کنونی بازار کتاب، حجم کتاب های ترجمه شده از آثار تالیفی بسیار کمتر نباشد.»

قاسمعلی کمبود مطالعه بین دانشجویان سینما را تنها متعلق به این قشر ندانست و افزود: «معتقدم این مشکل نویسنده های سینمایی است که کمتر مطالعه می کنند و فیلمنامه نویس های ما نیز به اندازه کافی با ادبیات آشنایی ندارند.»

وی فیلمنامه نویسی را ژانری ادبی خواند و گفت: «کسی که دانشجوی سینماست، باید در این بخش مطالعاتی کافی داشته باشد و خود را در این زمینه تقویت کند.»

فیلمنامه نویس فیلم «روانی» در بخش دیگری از سخنانش گفت: «در خارج از کشور مرزبندی ها روشن است، ولی در ایران باید بیشتر به سمت ادبیات رفت. تجربه نشان داده حتی اقتباس از آثار درجه دو و سه ادبی نیز به شاهرکارهای سینمایی انجامیده است. در این باره می توان فیلم «سرگیجه» ساخته آلفرد هیچکاک را نام برد.»

وقتی بهار رهنما شعر و رمان می نویسد، افسانه بایگان مجموعه شعر هایش را منتشر می کند و محمدعلی سجادی شعر و شاعری را محملمی دیگر برای انتقال مفاهیم درونی اش می داند. به این فکر می افتم که شاید کمبود نظریه پردازی در سینما مشکلی از سوی خود اهالی سینما باشد.

رضا کیانیان شاید معروفترین سینماگری است که وقتی تصمیم به انتشار کتابی گرفت، آن را در حوزه سینما و مباحث تئوریک نوشت که با استقبال نیز روبه رو شد.

نه این که بخوایم هنرمند را در یک حوزه حبس کنیم و حکم کلی صادر کنیم که هنرمندی که در سینما بازیگر است نباید رمان بنویسد؛ اما آیا بهتر نیست کارگردان ها، فیلمبردار ها، بازیگران و در نهایت همه حوزه های مختلف سینما از تجربیات خود به نظریه پردازی برسند و با توجه به تحصیلات آکادمیکی که دارند، با تلفیق دانش و تجربه بتوانند منابع مکتوب ارزشمندی را در حوزه سینما منتشر کنند.



دکتر ژینوس شیخ مونس:

پروین اعتصامی، ناصر خسرو و مؤنث شعر فارسی است

مادرانه دارد. البته باید یادآوری کنم که آنچه در شعر فروغ می بینید، خیلی به عاطفه مربوط نمی شود بلکه به مسائل دیگر برمی گردد که توصیف آن از حوصله این بحث خارج است.

آیا پروین توانست در همان سبک سنتی مثل ملک الشعراء بهار شیوه های نو ایجاد کند؟

پروین شیوه های خاصی ابداع نکرد، اما در همان شیوه رایج سنتی، شاعری موفق بود. البته برخلاف شعر سنتی شاعران امروز، شعر پروین پر مخاطب و محبوب بود. او شاعری بود که بسیار به او توجه می شد، اما تغییرات سریعی که در ۵۰ سال اخیر در نگرش و ذائقه مخاطب به وجود آمد، سبب شد که برخی گمان کنند او شاعر زمانه خود نیست و به ۱۵۰ سال پیش تعلق دارد.

تغییر دیگر نگاه و ذائقه مخاطب عمدتاً با خواندن شعرهای سیمین بهبهانی که به اعتقاد من در شاعرانگی کمتر از فروغ نیست، به وجود آمد. همچنین این تغییر مناسبات اجتماعات و تغییر در نگرش مردم همه اینها در مخاطب شعر پروین تاثیرگذار بودند. آثار هنری یک مقوله فرهنگی هستند که از آبخشورهای متفاوتی تشکیل می شود، یکی از این آبخشورها تغییر نگاه جامعه در طول زمان است. به دلیل همین تغییرات است که می بینیم با آن که در طول سال های جنگ تحمیلی شعرهایی بسیار زیبا سروده شد که درباره حماسه و جنگ و دفاع از افتخارات و هویت بود، اما هنوز نتوانسته اند به پای اشعار شاهنامه برسند. چرا که شاهنامه ای دیگر، به یک زمان و خاستگاه و شرایط دیگر نیاز دارد. پروین شاعری است که مراحل پیشرفت را در همان عمر کوتاه خود طی کرد، شاید اگر عمرش کفاف می داد، ما شاعری همطراز او در میان شاعران معاصر نداشتیم. شاعری که در جوانی توانسته با ذوق و استعدادی سرشار دیوانی حکیمانه بسراید. به شکلی که بگویند ناصر خسرو و مؤنث شعر فارسی است، شاید با کسب تجربه های جدید او می توانست سبک جدیدی ارائه کند و همزمان با تغییر نگرش های جامعه شعرهای مدرن تری به یادگار بگذارد.



ناصر خسرو است یا ریشه در محدودیت های جامعه دارد؟

در این نظر اجازه دهید تردید کنم. از قضا زنانه ترین شعرها، شعرهای پروین است. او به عنوان مادری که نتوانسته است، عواطف مادری اش را بروز دهد، حس مادرانه ای دارد. این شاعر در تمام شعرهایش لطافت مادرانه را به کار می برد. شعر «آشیان ویران» که گزارش گنجشکی است که مادرش را در شکار از دست داده و بی پناه است، کاملاً زنانه است. اما اگر بخواهید او را با فروغ فرخزاد مقایسه کنید بله! آن جسارت و نگرش فروغ را ندارد، چرا که پروین با همه زنانگی اش شعرش بسیار غنی است. یعنی شما هم در شعر او هم حکمت می بینید و هم نصیحت. همچنین او نسبت به مسائل پیرامون خود نیز بی اعتنا نیست، پروین آنجا که می گوید «یک شب ز حقوق مدنی دم بزنی زن» بر چهره محرم و نامحرم بزنی زن» دقیقاً دغدغه اجتماعی اش را نشان می دهد. اما بیانش هیچ وقت بیان اعتراض زنانه نیست. یک مادری است که عواطف

پروین اولین شاعر زن ایران نیست، قبل از او شاعران زن داریم، اما شاید در شعر معاصر همچون او، شاعر فرهنگی بزرگ شد. پدرش یوسف اعتصام الملک، انسان فرهیخته ای بود و همین موجب شد پروین در این خانواده با مسائل ادبی و فرهنگی بیگانه نباشد و علاوه بر آن با ذوق شخصی خود به عنوان یک شاعر والا مقام در جامعه ادبی ما مطرح شود، او زمانی که تحصیلات خود را می گذراند با مسائل اجتماع آشنا شد، در نتیجه علاوه بر عاطفه ای که به عنوان یک زن داشت، حساسیت هایش نسبت به مشکلات زنان باعث شد که همین ذوق و تعهد از او شاعری بسازد که در نوع خود کم نظیر است.

پروین اعتصامی با وجود اینکه شاعر گران قدری است، اما در شعرهایش رنگ و بوی زنانه، آن گونه که در شعرهای شاعران زن بعد از او دیده می شود، کمتر است. آیا این ویژگی از آنجا ناشی می شود که او کاملاً تحت تاثیر شاعران مرد همچون سعدی

پروین اعتصامی، شاعر شیرین زبانی است که در قالب های شعر کهن همچون قصیده، قطعه و غزل طبع آزمایی کرده است. او را در قصیده پیرو ناصر خسرو و در قطعات ملهم از شیخ اجل دانسته اند. در گفت و گو با دکتر ژینوس شیخ مونس، استادیار دانشگاه علامه طباطبایی به بررسی برخی از نکات بدیع شعر پروین پرداخته ایم.

پروین اعتصامی از شاعران زن تاثیرگذار ایرانی است که شعرهایش مخاطب را به یاد شعرهای حکمت آمیز ادبیات قرن های چهارم تا هشتم می اندازد. این شعرها از چه بعدی متمایزند؟

چیزی که در شعر پروین مرا جذب می کند، عاطفه بسیار زلال و زنانه ای است که شاعر دارد، ویژگی دیگر این شاعر، حکیم بودن اوست، به گونه ای که مخاطب احساس می کند، نه با یک شاعر جوان که با فیلسوفی ۷۰-۸۰ ساله روبروست که خیلی حکیمانه با انسان سخن می گوید و به عنوان معلم اخلاق پند و اندرزی نافع می کند که مخاطب را به یاد پندهای «قاپوس نامه» می اندازد. مثلاً شعر معروف او «لطف حق» کاملاً به برخی از حکایات های مثنوی تته می زند. یعنی این داستان چه از نظر آغاز داستان، چه از نظر شکل داستان پر دازی و شیوه جلو بردن داستان و چه از نظر نتیجه گیری، شبیه حکایات های مولاناست و شاید اگر کسی این شعرها را بخواند و نداند که از پروین است، خیال کند حکایات های مثنوی است و همین نشان دهنده ارزش های شعرهای پروین است؛ چرا که ما در شعر فارسی مثل مثنوی اگر نگوییم اصلاً نداریم اما کم داریم.

پروین اعتصامی در ادبیات فارسی آغازگر راهی دشوار است که بعد از او موانع پیش پای شاعران زن به تدریج برداشته شد و ما امروز شاهد حضور شاعران و نویسندگان زن فراوانی در عرصه های ادبی هستیم. پروین چگونه در دورانی که جامعه حضور یک زن شاعر را بر نمی تابید، استعدادهای خود را شکوفا کرد؟

عصر رضاخان در آینه شعر پروین

به گفته ملک الشعراء بهار، هنر بزرگ پروین اعتصامی این است که توانسته عشق واقعی را همه جا در گفتار خود به شکلی جاذب و با اسلوبی لطیف بیرون آورد و حقیقت عشق را مانند میوه ای پاک و منزه که از الیاف خشن و شاخ و برگ بیهوده و مسموم جدا ساخته باشند، با صفای اثر و رخشندگی نور و چاشنی روح بر سر بازار سخن رواج دهد. دکتر زهرا پارساپور، استادیار گروه ادبیات، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی معتقد است که زبان و تفکر موجود در سروده های پروین اعتصامی، ملهم از شعر بهار است و همین موجب شد پروین را منتهم کنند که شعرهای استادش را به نام خود منتشر کرده است. دکتر زهرا پارساپور پیشتر در مقاله ای با عنوان «عصر رضاخان در آینه شعر پروین» به بررسی بازتاب مسائل اجتماعی در شعر پروین پرداخته است.



پروین اعتصامی در زمانه ای که هنجارهای جامعه سدی بر سر راه ورود آنها به صحنه رویدادهای اجتماعی است بی باکانه در شعرهایش تحولات اجتماعی را رصد می کند و با وجود محافظه کاری در تکنیک های شعری در محتوا شاعری جسور است. اجتماع و مسائل مربوط به آن در شعرهای او چگونه بیان شده است؟

پروین شاعری متعهد نسبت به دوران خود است. او همان طور که گفتید با وجود این که در انتخاب قالب های شعر، روحیه محافظه کارانه ای دارد، اما در همین شعرها، خیلی زیبا و ظریف توانسته است مسائل اجتماعی آن دوره، یعنی ظلمی را که نسبت به زنان و مردم جامعه می شده بیان کند. شیوه او به این شکل است که یا به صورت

اشاره وار یا به صورتی سمبلیک و نمادین این مسائل را بیان می کند. آیا می توان استدلال کرد همین مسائل اجتماعی که او با شهامت در شعرهایش بدان ها می پردازد در نهایت دست و پای او را در نوآوری شعری می بندد؟

بله درست است. خود تحولات اجتماعی و حضور زنان در عرصه جامعه موجب می شود که پروین به اجتماع پیرامون خود نظر داشته باشد. اما همین عوامل نیز مانعی است بر سر راه او که نمی گذارد در زبان و ساختار شعر، او یک شاعر سد شکن باشد. حقیقت این است که خود پروین نیز آن جسارت و جرأت لازم را که شاعران زن بعد از او از خود نشان داده اند را نداشت. حتی دیوانش با تاخیر چند ساله منتشر شد، او با وجود این که به مسائل اجتماعی در شعرهایش پرداخت، اما حضور بارزی در صحنه مبارزات اجتماعی نداشت. زندگینامه اش نشان می دهد او یک شاعر منزوی و گوشه گیر است و شاید اگر همت برادرش نبود، ما امروز به شعرهای او دسترسی نداشتیم. اگر چه برادر پروین به احتمال زیاد بخش زیادی از شعرهای او را منتشر نکرده باشد. به دلیل همان محدودیت هایی که به آنها اشاره کردید؟

بله! به دلیل همان نگاهی بود که آن زمان نسبت به زن وجود داشت. مثلاً برای من غیر قابل پذیرش است که پروین شعر عاشقانه به آن شکل نداشته باشد و ممکن است برادرش به دلیل محدودیت هایی که وجود داشت نتوانست شعرهای عاشقانه او را منتشر کند.

پروین اعتصامی با وجود اینکه شاعر گران قدری است، اما در شعرهایش رنگ و بوی زنانه، آن گونه که در شعرهای شاعران زن بعد از او دیده می شود، کمتر است، آیا این ویژگی از آنجا ناشی می شود که او کاملاً تحت تاثیر شاعران مرد همچون سعدی و

ناصر خسرو است یا ریشه در محدودیت های جامعه دارد؟

بله! کاملاً این نظر را قبول دارم. همین شعرها در واقع موجب شد تا بسیاری به پروین بگویند که شعرها را تو نسروده ای، بلکه شعرهای ملک الشعراء بهار است. این تهمت از این جا ناشی می شود که او نتوانسته در شعرهایش روحیات زنانه را کاملاً نشان دهد. اگر چه در همین اشعار ما روحیه زنانه و مادرانه را می بینیم، اما نه به آن شکلی که در شعرهای شاعران زن بعد از او هست. اما همین شعر «مادر موسی، چو موسی را به نیل/بهر فکند از...» را در نظر بگیرید. پروین خیلی زیبا نتوانسته حس مادرانه را در این شعر منتقل کند، یعنی او دقیقاً در این شعر قسمتی از داستان را انتخاب کرده، تا بتواند حس مادرانه را با بیانی زیبا منعکس کند، طوری که دیگر شاعران مانده اند این حس را القا کنند. بنابراین با یک سری دلایل می توان اثبات کرد که این شعرها را یک زن سروده است. اما شعرهای او از شاعران زن دیگر متمایز است و پژوهش هایی که در این زمینه شده همین مطلب را می رساند که شعرهای پروین یا به خاطر شرایط زمانه و یا موقعیت خانوادگی اش، بیشتر جنبه تعلیمی داشت تا غنایی.

پروین می خواست با تلفیق سبک خراسانی و عراقی سبک تازه ای را ابداع کند. تا چه حد در این شیوه موفق بود؟

درباره اینکه او می خواست با تلفیق این دو سبک، سبک نوینی بوجود آورد یا نه، به طور یقین نمی توان سخن گفت. اما ما شعر و زبان او را شاید شعر و زبان ناصر خسرو بدانیم. یعنی زبان او زبان سبک عراقی نیست، ضمن اینکه محتوا و مضمون نیز به این سبک نمی خورد و بیشتر به همان سبک خراسانی باز می گردد. من او را شاگرد ملک الشعراء بهار می دانم، چرا که زبان و فکر بهار در شعرهای او تاثیر زیادی داشته است.



نویسندگان می‌توانند تب کره زمین را پایین بیاورند؟

در اثر فعالیت‌های غیرطبیعی بشر مانند قطع بی‌رویه درختان، نابود کردن جنگل‌ها و استفاده لجام‌گسیخته از سوخت‌های فسیلی، دمای سطح کره زمین از اواسط قرن بیستم میلادی به این سو حدود ۱۸ درجه سانتیگراد بالا رفت. هر چند چنین تغییری از دید عامه مردم اندک و بی‌اهمیت تلقی می‌شود، اما تغییرات روزافزون در دو قطب منجمد کره زمین، بالا رفتن سطح آب دریاها و پایبند نبودن کشورهای مولد آلاینده‌های زیست‌محیطی، مجامع بین‌المللی را بر آن داشت تا با تشکیل هیأت بین‌المللی بررسی تغییرات آب و هوایی (IPCC) مسوولیت بیشتری را بر عهده کشورهای صنعتی قرار دهند. در گزارش‌های اخیر (IPCC) دمای کره زمین در قرن جدید میلادی بین ۱/۸ تا ۶/۴ درجه سانتیگراد افزایش خواهد یافت. اطمینان نداشتن از میزان دقیق افزایش دمای زمین از ناآگاهی از افزایش یا کنترل تولید گازهای گلخانه‌ای در قرن بیست و یکم نشأت می‌گیرد. بخار آب، دی‌اکسید کربن، متان، گاز NO₂ و ازن جزو گازهای گلخانه‌ای اند و مولکول‌های آنها در جو، پس از جذب تشعشعات خورشید، آنها را به سطح زمین بازگردانده، باعث بالا رفتن دمای سطح زمین می‌شوند. تشعشعاتی که در حالت عادی بیش از ۸۰ درصد آنها، پس از برخورد به گازهای موجود در اتمسفر به سوی فضا بازتابانده می‌شوند. گرم شدن کره زمین و تهدیدهایی که به دنبال آن حیات بشری را با چالش‌هایی جدی مواجه می‌سازد، برخلاف باور عمومی تنها با محدودسازی فعالیت‌های مراکز تولید گازهای گلخانه‌ای و اعمال فشار بر کشورهای صنعتی قابل جبران نیست. از آنجا که چنین پدیده‌ای حاصل عصر مدرن و زندگی انسان مدرن در سایه ماشین‌ها و برج‌های سربه فلک کشیده کارخانه‌هاست، آگاهی و اطلاع‌رسانی در این حوزه باید همه شئون زیست‌محیطی، اقتصادی، فلسفی، اجتماعی و شیوه زندگی افراد را دربرگیرد. با وسعت یافتن این پدیده از نیمه دوم قرن بیستم به بعد، نویسندگان متعددی نیز در این زمینه آثاری را به رشته تحریر درآوردند که با ارائه آثاری در قالب‌های متنوع داستانی، غیرداستانی و عکس، سعی در به وجود آوردن جرقه‌ای در ذهن مخاطبان نشان درباره آینده نگران‌کننده کره زمین داشته‌اند. در این گزارش، برخی از آثار شاخص و شناخته شده‌ای که پس از ورود به بازار توجه طیف وسیعی از مخاطبان حرفه‌ای و آماتور را به خود جلب کردند، بررسی می‌شوند.

«بهار خاموش» اثر راشل کارسون

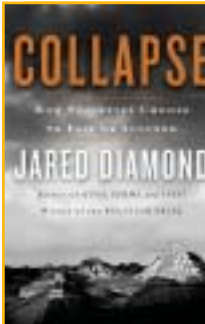


سال ۱۹۶۳ خانم راشل کارسون، بیولوژیست دریایی و نویسنده فعال محیط زیست، یک سال پیش از مرگش هشدارهای لازم درباره تغییرات زیست‌محیطی را در کتابی به نام «بهار خاموش» منتشر کرد. این کتاب پیش از انتشار به صورت مجموعه مقالاتی در مجله نیویورکر منتشر شده بود. در این مجموعه مقالات که از نخستین تلاش‌های دانشمندان درباره تغییرات آب و هوایی در زمین تلقی می‌شد، راشل کارسون سعی در آگاه کردن مردم در راستای استفاده نکردن از سموم کشنده حشرات دارد. او معتقد بود در صورت تداوم کاربرد این مواد ضمن آلوده کردن محیط زیست به زودی نسل همه جانداران از جمله انسان از زمین محو می‌شود. نام کتاب از شعری از جان کیتس شاعر رمانتیک انگلیسی گرفته شده بود.

«مجموعه مقالات» اثر آرنه نائس

مطالعه کتاب «بهار خاموش» اثر کارسون، پروفیسور آرنه نائس، استاد محیط زیست دانشگاه اسلو در نروژ را به بنیانگذاری فلسفه اکولوژی عمیق ترغیب کرد که به پیوند بشر با محیط زیست و جدایی ناپذیر بودن زندگی او به عنوان بخشی از نظم اکولوژیک از زیستگاهش باور دارد. گزیده نوشته‌های آرنه نائس، همواره به عنوان یکی از ارزشمندترین منابع ارائه شده درباره پدیده گرمایش کره زمین به شمار می‌آیند. براساس اندیشه‌های فلسفه اکولوژیک پروفیسور نائس، هر یک از موجودات روی زمین از قبیل انسان، حیوان و گیاه از حق یکسانی برای حیات و نمو برخوردارند. تنها با فهمیدن وجودمان به عنوان بخشی از محیط زیست قادر خواهیم بود موضوع زیست جهان خود را دریابیم. نائس به شیوه‌های علمی باور دارد و در صورتی که فردی نداند عواقب اعمال او چه تاثیری بر حیات سایر موجودات دارد، نباید آن را انجام دهد.

«نابودی» اثر یارد دیاموند



«نابودی» چگونگی جوامع راه شکست یا پیروزی را پیش می‌گیرند؟ اثر یارد ام. دیاموند در سال ۲۰۰۵ به بازار آمد. دیاموند نویسنده و استاد جغرافیا و فیزیولوژی دانشگاه لس آنجلس کالیفرنیا است. او اضمحلال اجتماعی را با رویکردی زیست‌محیطی در اثرش مطالعه کرده است. تغییرات آب و هوایی، تهدیدهای پیش رو و اقتصاد وابسته به شرکای تجاری چند ملیتی نیز از دیگر مسائل مهمی اند که در این اثر بررسی شده‌اند. او با استفاده از ابزارهای مطالعات تطبیقی، تاثیر مشکلات محیط زیست را بر فروپاشی اجتماعی بررسی می‌کند. پروفیسور دیاموند در اثر پیشینش «سلاح، میکروب‌ها و فولاد: سرنوشت اجتماعات انسانی» بر خلاف اثر تازه به روند شکل‌گیری اجتماعات انسانی پرداخته بود، اما در اثر تازه، با مقایسه جوامع گذشته و کنونی با استفاده از رویکردهایی نظیر محیط زیست، روابط با همسایگان، نهاد‌های سیاسی و سایر عوامل تاثیرگذار بر ثبات اجتماعی، بر عواملی تمرکز می‌کند که اجتماعات بشری کنونی را به طور جدی تهدید می‌کنند.

«خوب برداشت کنیم؟» اثر کالین تاج

کالین تاج، نویسنده علمی بریتانیایی، یکی دیگر از نویسندگان صاحب‌نام در حوزه علوم غذایی، کشاورزی، ژنتیک و تطور گونه‌های جانوران است. انتشار «خوب، برداشت کنیم؟» (۲۰۰۴) و «تغذیه مردم امر ساده‌ای است» (۲۰۰۷) به قلم کالین تاج، او را به عنوان یکی از نویسندگان صاحب‌نظر در زمینه علوم زیستی و تغذیه مطرح کرد. در کتاب «خوب برداشت کنیم؟» آینده کشاورزی و تهیه غذا در آینده، به بحث گذاشته می‌شود. او با در نظر گرفتن جمعیتی بالغ بر ۱۰ میلیارد نفر در اواسط قرن بیستم که از سوی سازمان ملل نیز تایید شده است، یافته‌های تازه علمی و الگوهای فناوری حاضر را برای دست یافتن به شیوه‌های باثبات تولید غذا مورد بررسی قرار داده و به نتایجی امیدوارکننده در این زمینه دست یافته است. تاج در کتاب دیگری نیز با تشریح اهداف آینده کشاورزی مبنی بر تهیه غذای جمعیت روزافزون کره زمین، مشکلات موجود در این حوزه را قابل حل تصور می‌کند.

«شش درجه» اثر مارک لیناس

مارک لیناس در کتاب «شش درجه: آینده ما در سیاره‌ای گرم‌تر» زنگ خطر را برای همه کسانی که مسأله گرم شدن کره زمین را بی‌اهمیت، کم‌اهمیت یا نه چندان جدی تلقی می‌کنند، به صدا درمی‌آورد. در حقیقت، این کتاب مانند اثری علمی-تخیلی، ما را به دنیای آینده برده، زندگی بشر را در سایه بی‌احتیاطی‌های او در نیمه دوم قرن بیستم ترسیم می‌کند. پیش از فرارسیدن بحران، هر یک از ما مجبور به انجام ملاحظاتی برای جلوگیری از بحرانی شدن اوضاع هستیم. در صورت انجام نشدن چنین امری، توقف گرم شدن کره زمین غیرممکن خواهد شد. از بین رفتن دوزیستان کاستاریکا، کاهش باد‌های موسمی باران‌زا در چین و خشکسالی در آمازونای آمریکای جنوبی، استرالیا، آفریقا و هندوستان از خسارات‌هایی اند که تاکنون مردم کره زمین پرداخت کرده‌اند. در سال ۲۰۰۳ نیز بر اثر پدیده گرما در اروپا، ۲۲ تا ۳۵ هزار نفر از مردم جان باختند. از این رو، کره زمین در حال فرورفتن در باتلاقی خطرناک است که در صورت تحقق تغییر دمای شش درجه‌ای در کره زمین آب اقیانوس‌ها نفتی شده و حجم تولید گاز متان به مقداری می‌رسد که تشکیل ابرهای گازی سبب آتش‌سوزی و از بین رفتن همه چیز روی زمین خواهد شد.

«گرما» اثر جورج مونبویو



«گرما: چگونه می‌توان از سوختن کره زمین جلوگیری کرد؟» در سال ۲۰۰۶ منتشر شد و به سرعت به یکی از آثار مطرح در زمینه تغییرات دمایی کره زمین تبدیل شد. جورج مونبویو در این اثر، تنها راه‌برون رفتن از مشکلات تهدیدکننده محیط زیست و نسل بشر را کاهش ۹۰ درصدی حجم دی‌اکسید کربن در کشورهای صنعتی می‌داند. مونبویو، نویسنده و روزنامه‌نگار روزنامه گاردین لندن، راه‌دستیابی به چنین هدفی را دور از ذهن ندانسته، با تاکید بر عدم نیاز به ایجاد تغییرات وسیع در استانداردهای زندگی افراد در بریتانیا و با انجام تغییرات ساده و قابل دسترس در کارخانه‌های تولیدکننده گازهای گلخانه‌ای، شیوه‌های خانه‌داری، مصرف انرژی و حمل و نقل، راهی از تهدیدهای نزدیک در آینده را امکان‌پذیر می‌داند.

گرمایش زمین در رمان «سولار»

رمان «سولار» اثر تازه یان مک ایوان، نویسنده و فیلمنامه‌نویس برنده جایزه ادبی بوکر به تازگی به بازار آمده است. مایکل برد، شخصیت اصلی رمان «سولار» با وجود عناوینی مانند فیزیکدان صاحب‌نام و برنده پیشین جایزه نوبل، پس از تجربه پنج ازدواج ناموفق، همواره از داشتن زندگی آرام و روابط موفق با همسرش محروم بوده است. قهرمان سولار، فردی منحصر به فرد با ویژگی‌های شاخصی برای نیل به هدفی بزرگ نیست و می‌توان او را تنها شخصیت اصلی یا ضدقهرمان داستان به شمار آورد. مایکل با وجود شکست‌های علمی و خانوادگی، پیش‌تر موفق به نیل به اهداف علمی بزرگی مانند عضویت در کمیته علمی، سخنان تراز اول دانشگاهی و کسب جایزه نوبل فیزیک شده است، اما باورهای مایکل برد (دانشمند) درباره تغییرات آب و هوایی کره زمین جالب‌اند. به طور خلاصه، او اعتقاد دارد همان‌طور که در کتاب عهد عتیق هشدار داده است، بادهای ناشی از بیماری طاعون و سیلی از قورباغه، همراه ریزشی عمومی در کره زمین که طی قرن‌ها به وجود آمده است، ابناء البشر را از روی کره زمین محو می‌کند و بالاخره تنها یک نفر از آنها در روز پایانی زنده می‌ماند.

مجموعه عکس «زمین از بالا»



«زمین از بالا» از دیگر آثاری است که تنها به شیوه‌ای تصویری، تغییرات آب و هوایی را در کره زمین از طریق عکس به مخاطبان نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۴ با درخواست سازمان فرهنگی - آموزشی یونسکو، «یان - برتراند» عکاس فرانسوی، این مجموعه عکس را از نقاط مختلف کره زمین از بالا تهیه کرد. در سال ۲۰۰۰ نیز عکس‌های او در ۱۱۰ شهر جهان از لیون تا مونترال به نمایش درآمدند و از سوی ۱۲۰ میلیون نفر از مردم دنیا مورد بازدید قرار گرفتند. وی پس از آن در سال ۲۰۰۵ سازمانی به نام «سیاره خوب» را پایه‌گذاری کرد و در سال ۲۰۰۸ نیز به پاس فعالیت‌های بشردوستانه‌اش از سوی دولت فرانسه موفق به دریافت نشان «لژیون دونور» شد.

حرکت‌هایی محکوم به خود جوش بودن!

کتابخانه در زیر زمین قرار دارد و همین مسائل باعث شده مورد استقبال قرار نگیرد. اینجا مردم جایی برای تفریح ندارند و تنها سرگرمی آنها «پاساژگردی» است! اینجا فضایی برای تفریح و استفاده از اوقات فراغت نیست. البته وضعیت فاز یک نسبت به فاز دو بهتر است، اما در همان فاز هم یک سالن مطالعه وجود ندارد.»

پاسخ مسوولان

وقت گرفتن از مسوولان شهرداری؛ آن هم برای یافتن چرایی مشکلات فرهنگی و رفع آن، کار آسانی نیست. کسانی که به عنوان مسوول پاسخگویند، باید بر کاستی‌ها به تناسب کار خود اشراف داشته باشند. مسوول دفتر روحانی، رئیس اداره فرهنگی شهرداری تهران، وعده زمانی گفت و گوی ۱۵ دقیقه‌ای با این مسوول را به ما داد، اما در زمان معین شده، باز هم مسوول دفتر به جای آقای رئیس پاسخ ما را داد و گفت: «شهرداری در منطقه پنج هیچ کتابخانه‌ای نداشته و به زودی چهار کتابخانه را در حصارک، بیمه، جنت آباد و باغ فیض ایجاد خواهد کرد.» شهرداری تاکنون برای حمایت از کارهای فرهنگی خدماتی برای کتابخانه‌های خصوصی در نظر نگرفته است و سازمان‌های فرهنگی هنری شهرداری برنامه‌های بیشتری در این باره دارند.

حیدر کلهر، مدیر اداره فرهنگی سازمان فرهنگی شهرداری تهران نیز درباره حمایت این سازمان از کتابخانه‌های خصوصی و حرکت‌های خود جوش در این حوزه می‌گوید: «در این اداره مشارکت با کتابخانه‌ها جزو برنامه‌هاست که براساس استانداردهایی که سازمان فرهنگی و هنری شهرداری معین کرده، ما با کتابخانه به صورت مشارکتی همکاری می‌کنیم و نیرو و تجهیزات را در اختیار آنها قرار می‌دهیم. این طرح در واقع بیشتر برای کتابخانه‌های شخصی در نظر گرفته شده است و طبق تفاهم‌نامه، تهیه و تامین محتوا را برعهده می‌گیریم.»

این در حالی است که هشت کتابخانه شخصی شهرک اکباتان از هیچ یک از این مزایا برخوردار نشده‌اند. کلهر درباره این کتابخانه‌ها می‌گوید: «از کتابخانه‌های این شهرک اطلاعی ندارم. باید خود ساکنان نسبت به این امر پیشقدم باشند تا ما بتوانیم براساس تفاهم‌نامه‌ای که امضا می‌شود کار را اداره کنیم.»

وی می‌افزاید: «در کتابخانه‌های مشارکتی اداره امور برعهده شهرداری است و اگر کتابخانه‌ای بتواند نیرویش را تامین کند، استقبال می‌کنیم، چون اصل کار کتابخانه‌های مشارکتی در همکاری با مردم است. درخواست سازمان با توجه به همان تقاضای مشارکت بررسی می‌شود و با کتابخانه براساس سیاست‌های سازمان برخورد خواهیم کرد. اگر کتابخانه‌ای می‌خواهد از امکانات سازمان فرهنگی و هنری استفاده کند، باید به ما معرفی شود تا بعد از بررسی مورد حمایت قرار بگیرد.»

آنچه مسلم است، حرکت‌های خودجوش نظیر آنچه در حوزه فرهنگ در شهرک اکباتان صورت گرفته است، به نوعی باید تا ابد نیز خودجوش باقی بماند، چون دستورالعمل‌های دست و پاگیر، عملاً کمکی به آنها نمی‌کند. اما سوال این است که یک حرکت خودجوش تا چه زمانی می‌تواند ادامه پیدا کند؟ به راستی، راهکارهای حمایت از این گونه حرکت‌ها چیست و چگونه می‌توان با نگاهی همدلانه، به بسط و تداوم این حرکت‌ها در عرصه کتاب و کتابخوانی کمک کرد؟



و از آن میان کتابخانه بلوک یازده که فضای کوچک‌تری دارد، به نهاد کتابخانه‌های عمومی واگذار شده است. نوری در این باره نیز می‌گوید: «نهاد کتابخانه‌ها با شرط تقبل کردن حقوق کتابدار متخصص از سوی هیأت مدیره ساختمان، کتابخانه را تجهیز و اداره می‌کند، اما اجرای این کار برای تمام بلوک‌ها ممکن نیست، زیرا هیأت مدیره می‌تواند با اجاره دادن این فضا به درآمد حاصله خود بیفزاید. در واقع، واگذاری کتابخانه به سلیقه هیأت مدیره بستگی دارد که باید هزینه مالی را برعهده بگیرد. به یقین، این امکان مالی برای تمامی بلوک‌ها وجود ندارد و همین که هیأت مدیره از فضای اشغال شده اجاره‌ای نمی‌گیرد، کمک بزرگی به اجرای این طرح مردمی است.»

اما شهرداری به عنوان یکی از ارگان‌های حمایتی می‌تواند در این زمینه کمک شایسته‌ای بکند و براساس طرح‌های فرهنگی که اکنون در بسیاری از مناطق در حال اجراست، به موفقیت این طرح خودجوش کمک کند.

یکی از مسوولان کتابخانه‌های شهرک اکباتان درباره حمایت یا مشارکت شهرداری برای اداره کتابخانه می‌گوید: «ما برای این کتابخانه ۱۰ سال زحمت کشیده‌ایم و با آن انس گرفته‌ایم. از آنجایی که این کتابخانه در فضای مشاع ساختمان قرار دارد، نمی‌توان آن را به شهرداری سپرد. ضمن این که ساکنان به خوبی کتابخانه را اداره می‌کنند و تنها نیازمند توجه و کمک‌های مالی اندک اگر شهرداری آن را در کارهای فرهنگی خود قرار دهد و از کتابخانه‌ها حمایت کند، بسیاری از مشکلات برطرف می‌شود.»

خانه فرهنگ آیه، به عنوان مرکز فرهنگی اکباتان، چندین مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. یکی از ساکنان علاقه‌مند به مطالعه این شهرک در این باره می‌گوید:

«متأسفانه کتاب‌های خانه فرهنگ قدیمی اند و این ساکنان به خوبی درک کرده‌اند. قیمت بالای کتاب یکی از موانع کتابخوانی است و وجود کتابخانه‌ها می‌تواند به تشویق مردم برای مطالعه تاثیر زیادی داشته باشد که با کمترین هزینه کتاب‌های مورد علاقه خود را مطالعه کنند.»

کتابخانه‌های شهرک ۱۵ هزار جلد کتاب با موضوعات رمان، تاریخی، روان‌شناسی، شعر، ادبیات کودک و نوجوان، مذهبی، فلسفه و هنر دارد که بیشتر آن از کتابخانه‌های خصوصی منازل ساکنان به کتابخانه اهدا شده‌اند. هر هشت کتابخانه توسط خود ساکنان در بلوک‌های مختلف راه‌اندازی شده‌اند

کتابخانه استفاده نکنند، نامشان از فهرست اعضا خارج می‌شود. در واقع ساکنان در ادامه روند کار بسیار تاثیرگذارند و به همت ساکنان شهرک، کتابخانه توانسته به کار خود ادامه بدهد.»

در ساخت و سازهای اصولی شهر یا شهرک، در نظر گرفتن فضاهای فرهنگی، بهداشتی و تفریحی از ارکانی است که نمی‌توان آن را از نظر دور داشت. شهرک اکباتان در نقشه ساخت و ساز خود جایی برای فضاهای فرهنگی داشته است و آنچه از زمین‌ها باقی مانده، توسط نهاد هابه‌سالن ورزشی پاساژهای تجاری تبدیل شده است. این را نوری می‌گوید و ادامه می‌دهد: «با این حال شهرداری تهران براساس وظایفی که برعهده دارد، سازمانی خدمات رسان است که باید مزایایش شامل تمامی شهرک‌ها و محله‌های شهر تهران شود. من سال گذشته از اعضای شورایی اکباتان بودم و براساس اطلاعاتی که به دست آوردم، متوجه شدم که فضایی به یک شرکت مالزیایی واگذار شده و با کاربری هتل، پمپ بنزین و مجتمع تجاری در حال ساخت است اما کاش جایی هم برای فعالیت‌های فرهنگی به ویژه در حوزه کتاب در نظر گرفته می‌شد.»

با وجود از میان رفتن فضاهایی با کاربری فرهنگی، کتابخانه‌های خودجوش با استقبالی که اهالی از کتاب و کتابخوانی دارند، توانسته است خلأها را پر کند، اما وجود مشکلات مالی برای تامین کتاب و تجهیزات کار را سخت می‌کند.

مسوول کتابخانه بلوک هشت شهرک اکباتان در این باره می‌گوید: «شهرداری هر سال در فصل تابستان سامانه نشاط را برگزار می‌کند و هزینه بسیاری را به این کار اختصاص می‌دهد، در حالی که می‌تواند برای ترویج فرهنگ کتابخوانی به این کتابخانه‌ها با اهدای کتاب یا حمایت مالی، قدم موثری بردارد.»

ساکنان این شهرک اهل مطالعه‌اند و ارزش این کار را به خوبی درک کرده‌اند. قیمت بالای کتاب یکی از موانع کتابخوانی است و وجود کتابخانه‌ها می‌تواند به تشویق مردم برای مطالعه تاثیر زیادی داشته باشد که با کمترین هزینه کتاب‌های مورد علاقه خود را مطالعه کنند.»

کتابخانه‌های شهرک ۱۵ هزار جلد کتاب با موضوعات رمان، تاریخی، روان‌شناسی، شعر، ادبیات کودک و نوجوان، مذهبی، فلسفه و هنر دارد که بیشتر آن از کتابخانه‌های خصوصی منازل ساکنان به کتابخانه اهدا شده‌اند. هر هشت کتابخانه توسط خود ساکنان در بلوک‌های مختلف راه‌اندازی شده‌اند

فرهنگ بستر وسیعی دارد که برای رسیدن به تعالی، علاوه بر برنامه ریزی، اختصاص بودجه و مدیریت دولتی، نیازمند فعالیت‌های خودجوش است. این گونه فعالیت‌ها ابتدا براساس نیاز و خواسته‌ها شکل می‌گیرند، اما ادامه آنها مستلزم توجه بیشتر و حمایت از سوی مسوولان است.

راه‌اندازی هشت کتابخانه شخصی در شهرک ۱۰۰ هزار نفری اکباتان تهران نمونه این مدعاست که حکایت آمار صفر درصدی مکان‌های فرهنگی را هویدا می‌کند و از کم توجهی دست‌اندرکاران طی پنجاه سال گذر زمان از تاریخ احداث این شهرک سخن می‌گوید که در آن کتابخانه و فضای فرهنگی با آن تعابیر و تعاریف که می‌دانیم و می‌دانید وجود ندارد.

توجه ساکنان شهرک اکباتان به حوزه فرهنگ و ساختن کتابخانه‌های شخصی نقطه آغاز یک حرکت فرهنگی خودجوش است که تاکنون با حمایت و درایت مردم توانسته طی ۱۰ سال به کار خود ادامه دهد. از میان هشت کتابخانه خودجوش شهرک اکباتان، کتابخانه بلوک هشت بزرگ‌ترین کتابخانه است که با مساحت ۲۵۰ متر و ۱۵۰۰ عنوان کتاب به ۴۰۰ عضو فعال خدمت‌رسانی می‌کند.

معصومه نوری، مسوول این کتابخانه است و درباره آغاز کار کتابخانه‌های خودجوش این شهرک می‌گوید: «شهرک اکباتان زیر نظر سازمان عمران ساخته و از همان ابتدا تمام امور و مسائل مربوط به اداره شهرک به خود اهالی واگذار شد، به نحوی که تمام امکانات از آب و برق و انواع خدمات و امکانات بهداشتی توسط ساکنان اداره می‌شود. این خدمات مشمول خدمات فرهنگی هم هست و هیچ نهادی طی این سال‌ها برای انجام آن پیش قدم نشده است.» طبق قوانین شهرداری تهران، امکانات شهری و خدماتی تنها به شهرک‌هایی تعلق نمی‌گرفت که توسط دیوار محصور شده بودند و اداره آنها از دایره اختیارات شهرداری خارج بود، اما شهرک اکباتان دیواری برای محصور شدن ندارد و به تناسب نداشتن دیوار، امکانات فرهنگی هم ندارد!

نوری درباره چگونگی فراهم آوردن فضایی برای ایجاد کتابخانه‌ها می‌گوید: «کسانی که در شهرک علاقه‌مند به کتاب بودند، با موافقت هیأت مدیره ساختمان، از فضای پیلوت آپارتمان‌ها استفاده کردند و با گرفتن مجوز، کتابخانه‌ها را دایر کردند. این کتابخانه‌ها براساس فضای در نظر گرفته شده متفاوت است و گاه به یک میز و دو قفسه خلاصه می‌شود، اما با این وجود، استقبال ساکنان از کتاب خوب است.»

نوری درباره نحوه تهیه کتاب‌ها نیز می‌گوید: «ابتدا ساکنان، خود کتاب‌هایی را به کتابخانه اهدا کردند و کار کتابخانه‌ها با تعداد محدودی کتاب شروع شد. کتابخانه بلوک هشت ابتدا با موافقت هیأت مدیره تبدیل به سالن مطالعه شد، اما آمد و رفت متقاضیان باعث اعتراض شد، لذا مجبور شدیم کاربری سالن مطالعه را به کتابخانه تغییر دهیم اما هنوز هم مراجعه‌کننده داریم که خواستار حضور در سالن مطالعه‌اند.»

هزینه‌ها با دریافت وجه سه هزار و پانصد تومان از هر عضو تامین می‌شود که هر شش ماه یک بار ملزم به پرداخت آنند و دیگری برگزاری کلاس‌های متنوع آموزشی است که چهل درصد از آن با توافق هیأت مدیره به کتابخانه تعلق می‌گیرد.»

نوری همچنین می‌افزاید: «بیشتر افراد، از اعضای فعال کتابخانه‌اند، چون اگر دو ماه از کتاب‌های

نگاهی به مجموعه «هایکو ها از یک پدر و مادرند» سروده سیدرضا علوی

جهان راز آلودهایکو



علوی در اولین شعر این مجموعه تکلیفش را با هایکو مشخص کرده است: «هایکوها/ از یک پدر و مادرند/ پدر ایجاز، مادر تصویر» در حالی که این دو مورد تنها جزئی از پیکره هستند و درونمایه های ژرف را نباید از سرودن هایکو فراموش کرد. نکته‌ای که به هیچ وجه نباید از نظر دور داشت جسارت علوی در نزدیک شدن به حوزه‌ای سهل و ممتنع است، حوزه‌ای که کمتر شاعری تاکنون جرأت کرده به آن نزدیک شود. آنچه کار این شاعر را ارزشمند تر می‌کند، شکستن سدی سخت برای آیندگان است تا بتوانند با استفاده از این جرقه سمت و سوهای دیگری از این گونه شعری را مورد آزمایش قرار دهند.

یکی دیگر از مواردی که درباره این کتاب باید مورد توجه قرار بگیرد طرح جلد است. طرح جلدی که براساس افسانه‌های ژاپنی طراحی شده و باز هم نشان از این موضوع دارد که ما حتی در صورت سرودن هایکو باحال‌وهوای ایرانی باز هم نمی‌توانیم نیم‌نگاهی به اسطوره‌های پدید آورنده هایکو نداشته باشیم. مجموعه «هایکوها از یک پدر و مادرند» در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات نیلوفر منتشر شده است. این کتاب ۱۱۳ صفحه‌ای، با قیمت ۲۵۰۰ تومان و در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه به طبع رسیده است.

نوع خود کم‌نظیر است، اما اشاره به این نکته ضروری است که ذات هایکو بیش از هر مورد دیگر ایجاد تفکر و تأمل در ذهن مخاطب است، به گونه‌ای که مخاطب تا مدتی به درونمایه انسانی یک قطعه هایکو بیندیشد. سروده‌های علوی ظاهری بسیار آراسته دارند، اما آن گونه که باید در درون مخاطب نفوذ نمی‌کنند و ذهنیت او را به چالش نمی‌کشند: «بر ترک یابویی پیر/ چه دیر صبح می‌شود.» یا «سعدی/ از زندی حافظ کم می‌آورد/ نه از استادی خویش.»

در این دو قطعه تنها چیزی که دیده می‌شود نگاهی شخصی است که هنوز تا شعر شدن فاصله دارد. به عنوان مثال نظرگاه شاعر درباره کم آوردن سعدی از حافظ صرفاً یک اظهار نظر است. مسأله‌ای که شاید کمتر کسی به آن ایمان داشته باشد. زیرا بسیاری از اساتید ادبیات دامنه تأثیر گذاری سعدی را بیش از حافظ می‌دانند و او را شاعری چند وجهی و عمیق قلمداد می‌کنند.

این نکته را از آن جهت بازگو کردم که ثابت شود هایکوها دارای گستره‌ای بسیار وسیع‌تر از اظهار نظرهای شخصی هستند و همان گونه که گفته شد روحی شبه فلسفی بر آنها حاکم است شاید از همین رهگذر باشد که این گونه شعری هنوز هم که هنوز است توانسته در کشوری غیر از ژاپن به تکامل برسد.

سیدرضا علوی شاعری است که حدود ۴۰ سال در شعر ایران حضور داشته، اما به دلایلی شخصی از انتشار کارهایش سر باز زده است و البته در این چند ساله شاهد چاپ چندین مجموعه از او بوده‌ایم. آخرین اثر که از این شاعر منتشر شده همین کتاب مورد بحث است. کتابی که شاعر را در کسوت یک هایکو سرانسان می‌دهد. گرچه این کتاب در محافل ادبی مورد توجه قرار گرفت.

اما این سوال همواره مطرح است که آیا به راستی می‌توان از این قالب سنتی کشور ژاپن که ریشه در اساطیر این کشور دارد در خدمت احساس‌هایی از کشورهای دیگر استفاده کرد یا خیر؟

آن گونه که از تحقیقات ادبی استنباط می‌شود استفاده از هایکو به جز کشور صاحب این شعر آن گونه که باید و شاید نتوانسته جایگاهی درخور پیدا کند و بر همین اساس باید گفت که ظاهراً این گونه شعری مجاللی برای تکثیر ندارد اما تلاش افرادی چون علوی را باید ارج نهاد.

علوی در مجموعه حاضر سیصد و یک هایکو از سروده‌های خودش را منتشر کرده که به لحاظ اسلوب و رعایت قالب این گونه شعری بسیار درخشانند اما به نظر می‌رسد که شاعر درونمایه هایکوها که جزئی جدایی ناپذیر از بدنه هایکوها هستند را آن گونه که باید و شاید جدی نگرفته است. نگاه علوی در این مجموعه فقط صرف استفاده مختصر از کلمات و ساخت تصاویر بکر شده که در

همان گونه که در مقدمه کتاب «هایکوها از یک پدر و مادرند» هم آمده، این گونه شعری کوتاه‌ترین گونه نظام مند جهان است که مبدع آن ژاپنی‌ها هستند و تاریخ اولین سرایش‌ها به این شیوه، از قرن شانزدهم آغاز شده است.

جهان هایکوها به دلیل استفاده حداقل از کلمه و دارا بودن معانی فلسفی همواره مورد توجه شاعران و مترجمان گوناگون بوده و حتی شاعری مانند احمد شاملو هم نتوانست خود را از دام رمز و رازهای این گونه شعری برهاند و سال‌ها توان خود را صرف بهترین هایکوها و ترجمه آنها کرد که در کتابی به نام «هایکو شعر ژاپنی، از آغاز تا امروز» منتشر شد.

وجه تمایز هایکو با سایر گونه‌های شعری استفاده از عنصر ایجاز، تصویرهای بکر و معانی نهفته در پوسته‌ای فلسفی است. از سوی دیگر آسان‌نمایی و فروتنی هم از دیگر مشخصات این گونه شعری است تا جایی که «باشو» یکی از سرآمدان هایکو این ساده‌نمایی را این گونه تصویر می‌کند: «برای سرودن هایکو خردسال شوید.» همین جمله کوتاه نشان می‌دهد که طبیعت هایکو اصلاً فخر فروشی‌های ادبی نیست و

بر همین اساس شاعر هم نمی‌تواند به هیچ‌عنوان از این زاویه به شعر هایکو بنگرد.

و اما حکایت هایکو امروزه تا جایی ریشه دوانده که شاعرانی از دیگر کشورها هم به صرافت سرودن در این قالب افتاده‌اند که سیدرضا علوی یکی از آنهاست.



نگاهی به رمان «زنی پنهان در میان واژه‌ها»

زنی جان گرفته از واژه‌ها در رمانی نیمه جان

منیرالسادات حسینی

اولین موضوعی که در نقد این رمان مطرح است این است که راوی داستان زندگی آن زن را از پیرمرد شنیده و بعد از آن که از خانه پیرمرد رانده می‌شود دوباره زن واژه‌ها داستان زندگی اش را برای مادر راوی تعریف می‌کند. مادر هم برای راوی بازگو می‌کند؛ اما چطور است که راوی متوجه نمی‌شود این همان زن است، در حالی که می‌داند از خانه پیرمرد رانده شده است.

در نتیجه داستان از لحاظ پیوند منطقی میان حوادث دچار اشکال است. علاوه بر این چنین ایرادهایی در داستان به چشم می‌خورد. عتیقه‌های بسیار ارزشمند آقای معرفت زادگان گم می‌شود و او زن را از خانه اش بیرون می‌کند، اما دوباره عتیقه‌ها سر جایشان قرار می‌گیرند بدون هیچ حادثه‌ای یعنی یک لحظه سر جایشان نیستند و مجدداً همان جا هستند! یا داستان آقای معرفت زادگان در فصل اول برای راوی تعریف شده اما دوباره در فصل چهارم هم دوباره تعریف می‌شود.

البته در این رمان، شکست بین مرزهای خیال و

ازدواج او به وجود می‌آید؛ بعد از پیشنهاد آقای معرفت زادگان خبرنگار به دلیل مشکلات اقتصادی از این فکر استقبال می‌کند و این گونه می‌شود که تقریباً ۸۰ صفحه از ابتدای کتاب صرف کش و قوس‌های میان این دو نفر بر سر نحوه عقد قرارداد و نحوه پول گرفتن و ... می‌شود، بدون این که اصل داستان شروع شود.

به این ترتیب از فصل چهارم موضوع جان گرفتن دختر از میان واژه‌های کتاب مطرح می‌شود. این دختر وارد زندگی پیرمرد کتابفروش می‌شود؛ پیرمرد هم تنه‌است و بر اثر نافرجامی عشق دوران نوجوانی اش هرگز به هیچ زنی فکر نکرده است.

آقای معرفت زادگان قراردادی با خبرنگار (راوی) می‌بندد، اما در این بین زن واژه‌ها از خانه اش رانده می‌شود و به خانه خبرنگار پناه می‌برد که اتفاقاً خبرنگار به این موضوع پی نمی‌برد و تا انتهای داستان که پیرمرد عکس دختر را به راوی نشان می‌دهد؛ به اتفاق به دنبال دختری می‌رود، اما او با قطاری از شهر رفته است.

رمان «زنی پنهان در میان واژه‌ها» به صورت تک‌روایی و به گفته نویسنده اش شهریار عباسی در قالب رئالیسم جادویی نوشته شده است. این کتاب در ۷۴ صفحه به شرح روایت زنی می‌پردازد که از درون کتابی به همین نام جان می‌گیرد و وارد زندگی خواننده آن می‌شود.

کتاب حاضر را شهریار عباسی توسط نشر افروز روانه بازار کتاب کرده است. داستان به شیوه شهر خیالی «ماکدوندو» صد سال‌تهایی اثر گارسیا مارکز (برنده کلمبیایی نوبل ادبیات) در شهر کوچکی رخ می‌دهد که فاقد شناسه جغرافیایی است و از جایی شروع می‌شود که شخصیت اصلی آن یعنی آقای معرفت زادگان درگیر ساختمان کتابفروشی اش است. فروشگاه او اتفاقاً در چهارراه معرفت واقع شده و قرار است به علت تعریض خیابان تخریب شود.

در این میان آقای معرفت زادگان کتابی از داخل خانه اش به نام «زنی پنهان در میان واژه‌ها» پیدا می‌کند که قبلاً آن را ندیده است. او شروع به خواندن کتاب می‌کند؛ ولی هنگامی که کتاب را می‌خواند زن داستان از میان کلمات کتاب جسمیت یافته و به دنیای خارج پا می‌گذارد.

آقای معرفت زادگان سعی می‌کند این رخداد شگفت را در مجله‌ای چاپ کند، اما سردبیر زیر بار آن نمی‌رود. پس از آن داستان را برای خبرنگار همان مجله، که در واقع راوی داستان است، تعریف می‌کند و تصمیم بر آن می‌شود که این حادثه به صورتی کتاب چاپ شود.

از طرف دیگر راوی در آستانه ازدواج با دختر خاله اش است و طبیعتاً مشکلاتی سر راه

واقعیت به خوبی انجام گرفته و فضایی سحرآمیز به داستان داده که نقطه قوت داستان هم محسوب می‌شود.

موضوع دیگری که در این رمان مطرح است بحث شخصیت پردازی است؛ در مجموع شخصیت‌های موجود، یعنی خاله، دختر خاله، دایی و مادر راوی عناصری منفعل و ناکارآمد هستند که نویسنده فقط با دیالوگ‌های آنها داستان را طولانی کرده و هیچ تعریف و شخصیت پردازی از آنان در مجموعه داستان دیده نمی‌شود.

یک خاله معترض که مرتباً مشکلات راوی را مزه‌مزه می‌کند، یک دخترخاله تسلیم و عاشق دم‌دستی، یک مادر دلسوز و اشکریزان و یک دایی ابن‌الوقت که با توصیف قطر شکم و نحوه قرار گرفتن کمر بندش روی آن پی به شخصیتش می‌بریم. در مورد شخصیت راوی هم چیزی نمی‌دانیم و خواننده از روی حرف‌ها و تفکراتش نمی‌تواند به ماهیت وجودی اش پی ببرد.

موضوع دختری که از میان واژه‌ها هم جان می‌گیرد تا انتها در پرده‌ای از ابهام است و تنها شخصیتی که تا حدی به آن پرداخته شده همان پیرمرد کتابفروش یا آقای معرفت زادگان است.

و البته نویسنده (شهریار عباسی) از قول راوی می‌گوید: «رمان نوشتن کار دشواری است.» تردیدی نیست که هنر رمان یک هنر وارداتی است و پیشینه‌ی زیادی در ادبیات ما ندارد و برای نویسندگان ما جداً کار دشواری است. «شهریار عباسی با این اشاره سعی می‌کند ضعف‌هایش را تا حدودی در نوشتن رمانی آن هم به سبک رئالیسم جادویی موجه نشان بدهد.



گزارشی درباره وضعیت بیمه اهل قلم

بیمه یعنی امنیت شغلی و توسعه فرهنگی

با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال ۱۳۸۸، مهلت اجرای برنامه چهارم توسعه هم رو به اتمام رسیده و همه جا صحبت از بندهای اجرا شده و اجرا نشده این برنامه است. در این بازار داغ بحث های اقتصادی و سیاسی، شاید یکی از مهم ترین فصل های تقریباً نادیده گرفته شده این برنامه، قسمت هایی اند که به امور رفاهی اصحاب فرهنگ و قلم و پدید آوردن گان و دست اندر کاران امور فرهنگی مربوط می شوند.

طبق ماده ۱۱۶ از بخش چهارم قانون برنامه چهارم توسعه، مصوب سال ۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی، دولت مکلف شده تا برای حمایت از حقوق پدید آورندگان آثار فرهنگی، هنری و دست اندر کاران فرهنگ و هنر و قلم، لایحه امنیت شغلی اصحاب فرهنگ و هنر را تا پایان سال اول برنامه چهارم تهیه کرده و در نهایت، به حال وضعیت پوشش بیمه ای و به ویژه بیمه بیکاری افراد مرتبط با حوزه فرهنگ فکری کند، اما اکنون که کمتر از یک ماه به پایان مدت اجرای برنامه مانده، هنوز خبری از ایجاد پوشش مناسب بیمه ای برای این افراد نیست.

پدید آورندگان، ناشران، کتابفروشان و چاپخانه داران، چهار گروه اصلی اند که در تهیه و تولید کتاب به عنوان یکی از مهم ترین محصولات فرهنگی نقش ایفا می کنند. کتاب هفته در این گزارش به بررسی وضعیت بیمه ای این چهار گروه و افراد شاغل در آنها به عنوان تولید کنندگان آثار فرهنگی می پردازد.

بیمه بیکاری شامل حال اهل قلم نمی شود
صندوق اعتباری حمایت از نویسندگان و هنرمندان، نامی شناخته شده برای اهالی قلم است. اگر نویسنده، مترجم یا مولف باشید، با شرایط خاصی می توانید به کمک این موسسه بیمه شوید، اما بیمه شدن از این طریق هم محدودیت های خاص خودش را دارد که باعث نارضایتی عده ای از مولفان شده است.

صدیقه موزنی، مسوول واحد اهل قلم خانه کتاب، در مورد شرایط افراد برای بیمه شدن از این طریق می گوید: «تنها کسانی می توانند از این بیمه استفاده کنند که حداقل دو عنوان کتاب در سطح بزرگسال یا سه عنوان در سطح کودک و نوجوان تالیف، ترجمه یا گردآوری و... کرده باشند و طبق آیین نامه، کتاب های آموزشی جزو این عناوین محسوب نمی شوند.»

وی می افزاید: «گرچه بیمه شدگان از این طریق از تخفیف ویژه دولت استفاده می کنند و با عنوان بیمه خویش فرما، تنها هشت درصد از سهم بیمه را پرداخت می کنند، اما در نظر نگرفتن بیمه بیکاری، یکی از مشکلات اساسی این بیمه خویش فرماست.»

بسیاری از افرادی که زندگی شان را از راه پژوهش، تالیف و ترجمه کتاب می گذرانند، برای یافتن یک موضوع مناسب یا یک کتاب جدید برای ترجمه یا حتی راضی کردن ناشران برای چاپ آثارشان، چند ماهی از سال را بدون درآمد ثابت می گذرانند و در نظر نگرفتن بیمه بیکاری برای این افراد، شاید توجیه منطقی نداشته باشد.

بیمه اهل قلم، گامی مثبت برای تامین امنیت شغلی پدید آورندگان است، اما متأسفانه نبود بیمه بیکاری و بازنشستگی این افراد با پایین ترین پایه حقوق وزارت کار، از مسائلی است که بازنگری اساسی در شرایط این بیمه را از سوی مجلس شورای اسلامی می طلبد. بیمه اهل قلم، نخستین بار در اواخر سال ۱۳۸۱ اجرایی شد. یکی از اشکالاتی که همیشه درباره

نحوه اجرای این طرح همیشه مطرح بوده، وجود شرط سنی ۴۵ سال برای پدید آورندگان زن و سن ۵۰ سال برای پدید آورندگان مرد است. ضمن این که بسیاری از پژوهشگران و نویسندگان نام آور، گاه با نوشتن یک جلد کتاب در سنین بالاتر از سن تعیین شده توسط وزارت کار، که حاصل عمری تحقیق و تجربه است، تاثیر زیادی بر فرهنگ و ادب جامعه گذاشته اند که با این قانون شرایط بیمه شدن را از دست می دهند.

موزنی درباره تسهیلات جدید بیمه ای می گوید: «ما با یکی از شرکت های بیمه ای قرارداد بسته ایم و بیمه تکمیلی هم برای پدید آورندگان صادر می شود. شرایط گرفتن بیمه تکمیلی با بیمه عادی متفاوت است و کافی است که اسم فرد در بانک اطلاعاتی خانه کتاب موجود باشد. حتی نویسندگانی با یک عنوان کتاب هم می توانند از این بیمه استفاده کنند.» طبق آمار ارائه شده از سوی صندوق حمایت از هنرمندان و نویسندگان، از سال ۱۳۸۱ تاکنون دو هزار و دویست و چهل نفر از طرف خانه کتاب به این موسسه معرفی شده اند که برای همه آنها دفترچه بیمه صادر شده است.

سهم ناشران چیست؟

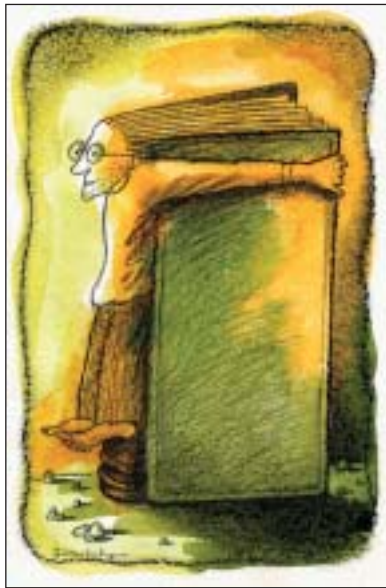
ناشران به عنوان مهم ترین حلقه وصل پدید آورندگان کتاب به بازار مصرف، از این لحاظ وضعیت مناسبی ندارند. کمک ها و تخفیف های دولتی در موضوع بیمه، شامل حال ناشر نمی شود و تنها درباره کارکنان دفاتر نشر موضوعیت دارد.

طبق نظر بسیاری از کارشناسان و مسوولان بلند پایه دولتی، فعالیت های فرهنگی از جمله چاپ کتاب در ایران، در بیشتر موارد از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست؛ با این حال این قشر و مهم تر از همه خود ناشران که برخی از آنان با انتخاب این شغل دست به یک ریسک اقتصادی بزرگ می زنند، از حمایت های دولتی در زمینه بیمه بهره چندانی نمی برند.

حسن کیانیان، رییس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران و مدیر نشر چشمه، درباره شرایط بیمه ناشران می گوید: «قانونی در این زمینه وجود ندارد و بیمه آنها در چارچوب بیمه تامین اجتماعی و به صورت خویش فرماست که شامل تخفیف های دولتی نمی شود.»

وی می افزاید: «این اتحادیه در سال های اخیر تلاش هایی برای بهبود شرایط بیمه ای اعضای خود انجام داده که تنها نتیجه آن تنظیم قرارداد بیمه تکمیلی برای ناشران و کتابفروشان عضو اتحادیه است.»

کیانیان از مذاکرات سال های قبل با بیمه هم مواردی را ذکر می کند، از جمله این که در سال ۸۰ با پی گیری های اتحادیه، سازمان تامین اجتماعی به صورت شفاهی با این مورد موافقت کرد که تسهیلات بیمه ناشران به انتشاراتی هایی که دارای



کتابفروشی اند هم تسری پیدا کند تا آنها هم بتوانند از مزایای این قانون بهره مند شوند.

طبق قانون مصوب سال ۱۳۶۲، هیأت وزیران موافقت کرد تا تعدادی از کارگاه های تولیدی از جمله چاپخانه ها، موسسات انتشاراتی و ناشران از معافیت سهم بیمه کارفرما تا میزان پنج نفر کارگر استفاده کنند. البته این قانون تنها شامل حال کارکنان نشر و چاپخانه ها می شود. طبق این قانون از ۳۰ درصد کل حق بیمه، ۲۰ درصد سهم کارفرما توسط دولت پرداخت می شود و جزو کمک های دولت برای ناشران است. این قانون شامل حال کتابفروشی ها و پخش ها نمی شود. ۱۰ درصد باقیمانده که شامل سه درصد بیمه بیکاری و ۷ درصد سهم کارگر است توسط خود کارکنان باید پرداخت شود.

کتابفروشان و توزیع کنندگان کتاب،

نیازمند تسهیلات بیمه ای

فعالان عرصه پخش و توزیع کتاب و کتابفروشی ها، از دیگر عوامل حوزه نشرند که هیچ یک از تسهیلات بیمه ای شامل حال آنها نمی شود.

سهم اعضای چرخه نشر و نقش هر یک از آنها در تولید و رسیدن این کالای فرهنگی به دست مصرف کننده از مزایای بیمه، موضوعی است که اکثر فعالان این حوزه به دنبال یافتن پاسخی برای آنند.

اکثر ناشران، به ویژه در بخش خصوصی، توزیع کتاب هایشان را برعهده مراکز پخش گذاشته اند و خودشان هیچ نقشی در این زمینه ندارند، اما با این حال، هیچ تسهیلاتی برای بیمه آنها در نظر گرفته نشده است. کتابفروشی هایی که جواز نشر ندارند و تنها کتابفروشی اند، وضعیتی مشابه پخش ها دارند.

حمایت دولت از اهل قلم برای ایجاد توسعه فرهنگی

با توجه به ماهیت کاملاً فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، انتظار می رود توجه بیشتری به حل مشکلات افراد دست اندر کار این حوزه بشود یا دست کم اجرای قوانین تصویب شده در حمایت از این قشر، در اولویت برنامه های توسعه فرهنگی قرار گیرد، زیرا تردیدی وجود ندارد که رسیدگی به وضعیت رفاهی افرادی که در حوزه فرهنگ و از جمله کتاب فعالیت می کنند، تاثیر بسزایی بر کیفیت آثار تولیدی و عرضه شده به جامعه خواهد داشت. نویسنده، مترجم یا پدید آوری که نگران بیکاری و هزینه های درمان و مسائلی از این دست نباشد، به یقین آثار ماندگارتری هم به جامعه عرضه خواهد کرد.

حمایت بیشتر دولت از ناشران، کتابفروشی ها و مراکز پخش و توزیع کتاب، عملاً در راستای کمک به توسعه و ترویج کتابخوانی و افزایش سطح فرهنگی جامعه نقش بسزایی ایفا خواهد کرد.

محمد صانعی، مسوول یکی از کتابفروشی های خیابان انقلاب، در این باره می گوید: «به عنوان یک کتابفروشی هیچ نوع تسهیلاتی در زمینه بیمه برای مادر نظر گرفته نشده است.» مدیر کتابفروشی صانعی در مورد مشکلاتی که عدم پرداخت سهم کارفرما توسط دولت برای آنها ایجاد کرده است، می گوید: «دست کم پنج نفر در هر کتابفروشی کار می کنند و مجموع سهم بیمه آنها مبلغ زیادی است که صاحبان کتابفروشی ها باید آن را بپردازند.»

وی تاکید می کند که تقریباً تمام مسوولان کتابفروشی ها با وجود هزینه زیادی که بیمه کردن پنج کارگر دارد، حق بیمه همه کارکنان را پرداخت می کنند و او دلیل آن را شرایط کار در کتابفروشی ها می داند. وی می گوید: «کارگری که سابقه کار دارد، کاملاً آموزش دیده است و نام کتاب ها و جای آنها را یاد گرفته است و کارگری که کمتر از دو سال کار کتاب کرده باشد، به درد کار در کتابفروشی نمی خورد.

به همین دلیل ما حاضر به از دست دادن آنها نیستیم و هزینه بیمه آنها را به طور کامل پرداخت می کنیم.» از آنجا که کارهای مربوط به حوزه نشر یعنی کتابفروشی و نشر و پخش کاملاً فصلی اند و با توجه به حوزه کاری ناشر، به فصل های درسی و غیردرسی دانشگاه و مدارس وابسته اند، به همین دلیل در برخی از ماه های سال بسیاری از کارکنان این حوزه ها عملاً در تعطیلی به سر می برند و هیچ درآمد ثابت ماهانه ای ندارند. پرداخت حق بیمه کارگران پخش کتابفروشی ها در این شرایط، یکی از مشکلات اساسی است که تلاش های اتحادیه هم برای رفع آن تا به حال نتیجه ای نداشته است.

در صحبت با چند تن از کارکنان کتابفروشی های خیابان انقلاب، آنها نیز بر این نکته تاکید داشتند که تمام کارکنان کتابفروشی ها، در نهایت بعد از شش ماه تا یک سال و اطمینان کارفرما از توانایی انجام کار، آنها را بیمه می کنند و کارفرما تمام سهم بیمه خود را می پردازد. البته در مواردی، این سهم به صورت توافقی به صورت نصف - نصف، توسط کارگر و کارفرما پرداخت می شود.

چاپخانه دارانی که کارشان به صورت عمده، چاپ کتاب است و از این راه زندگی شان را می گذرانند هم می توانند از قانون معافیت بیمه ای تا سقف پنج نفر استفاده کنند.

کهنمویی زاده، مدیر یکی از چاپخانه های قدیمی تهران، درباره مشکلات بیمه ای می گوید: «بیشتر از قوانین کار گله مندیم؛ زیرا این قوانین بیشتر یکطرفه و به نفع کارگردند.»

وی نیز از تعهد اعضای این صنف برای پرداخت بیمه کارگران به دلیل نیاز آنها به کارگرانی که توسط خودشان آموزش دیده اند، سخن می گوید. وی در مورد مشکلات چاپخانه ها در این باره اظهار می کند: «دولت تنها سهم پنج نفر را پرداخت می کند. در حالی که در چاپخانه ها معمولاً تا ۲۰ نفر هم شاغل اند و هزینه بیمه همه آنها بار سنگینی را به کارفرما تحمیل می کند. در صورتی که کار در محیط چاپخانه و سروکار داشتن با مواد شیمیایی، ضرورت بیمه اجباری تمام کارکنان چنین مجموعه هایی را نشان می دهد.»

بیمه کردن افراد شاغل در این حوزه، موضوعی بسیار مهم است که متأسفانه اغلب کارفرمایان در پی آنند که بار مالی آن را به گردن دولت بیندازند و جالب این که هنگام پرداخت مالیات نیز به دنبال گرفتن معافیت اند!



یگانه وصالی

نادین گوردیمر، نویسنده سفیدپوست آفریقایی در سال ۱۹۹۱ جایزه نوبل را از آن خود کرد. او برای داستان‌های ضد نژادپرستی اش، در تمام دنیا به شهرت رسیده است. این زن ۸۶ ساله همچنان پایدار در نویسندگی، از روزهای طلایی آغاز نوشتن اش می‌گوید و از شور و هیجان اولین داستانی که در پانزده سالگی اش در نشریه‌ای به چاپ رساند. یکی از مشهورترین آثار او «مردمان جولای» است که در آن سقوط حکمرانی سفیدپوستان و به قدرت رسیدن سیاه پوستان را پیش بینی می‌کند. او همچنین چندین مجموعه داستان کوتاه دارد. در گفت و گوی حاضر، گوردیمر درباره زندگی شخصی و همین طور حرفه‌ای اش صحبت کرده است. این گفت و گو یازدهم نوامبر ۲۰۰۹ در نشریه اینترنتی «اچیومننت» منتشر شده است.

نادین گوردیمر:

نویسنده باید به ارزش‌های جامعه اش بها بدهد

اینها چیزهایی نبود که بتوان در موردشان بی‌غصه اندیشید.

آیا هیچ وقت در حرفه‌تان دچار ناامیدی شده‌اید؟ هیچ رخداد یا نقطه عطف ناامیدی بوده است که شما را از ادامه کارتان باز دارد؟

صادقانه بگویم، نه. به این خاطر که من هیچ وقت به نقاط عطف در کارهایم فکر نمی‌کنم. همیشه از اینکه فلان کتابم توجه بیشتری را به خود جلب کرده است و از آن دیگری بیشتر طرفدار دارد، متعجب می‌شدم. هیچ وقت هم با آن موافق نبوده‌ام. فکر می‌کردم: «چرا این کتاب بیشتر مورد توجه و پسند دیگران قرار گرفته است؟» مثلاً یکی از کتاب‌های من به نام «مردمان جولای» خواننده‌های بسیاری دارد و در مدارس هم تدریس می‌شود. اما من گمان می‌کنم این استقبال دلایل خاصی داشته باشد. چون آن کتاب تنها زمانی است که من در آن موضوعاتی پیشگویانه گنجانده‌ام. آن را موقعی نوشتم که احساس می‌کردم ما مثل آدم‌هایی منفور، در انتظار این هستیم که بالاخره روزی خودمان را از پرنگاهی بیندازیم درون یک جنگ داخلی وحشتناک. این موضوع خیلی راحت ممکن است رخ دهد. بنابراین، چیزی که ممکن است خیلی شخصی در یک خانواده بیان شود، در کتابم انعکاس پیدا می‌کند و ما را به آنجا می‌کشاند که با توجه به اوضاع پیرامون به خود بگویم «خدای من، همین روزهاست که این اتفاق بیفتد.» و به همین خاطر است که آن را تدریس می‌کنند. برای خود من خیلی سرگرم کننده است. شاید هم فکر می‌کنند که بهتر است. به خاطر اینکه به آنها یادآوری می‌کند که چه بوده‌اند و کجا زندگی می‌کردند، اما حالا چه هستند و چه اتفاقی برایشان افتاده است.

به نظر تان کسانی که کتاب‌های شما را می‌خوانند، چه چیزی از شما را می‌توانند در آن ببینند؟ یا به طور کلی آیا شما به عنوان نویسنده از نوشته‌هایتان جدا هستید و بنابراین با خواندن آثار شما به سختی می‌توان به شخصیت شما و خود شما رسید؟

من متوجه منظور تان نمی‌شوم. فکر نمی‌کنم من موضوع جالبی برای خواندن باشم. هر چیز که به نظر وجه جالب من می‌آید، همان است که در کارهایم می‌بینید، و در مورد من هم نیستند، تا آنجایی که وسعت تجربه‌هایم من را قادر می‌سازد که آنها را در کارهایم به کار ببرم.

خودتان فکر می‌کنید که موضوع جالبی نیستید؟ اما خیلی از مردم بسیار مشتاقند که اتوبیوگرافی شما را بخوانند.

من هیچ وقت اتوبیوگرافی [= خودزندگی‌نامه] ننوشته‌ام. اصلاً چرا باید بنویسم؟ زندگی خصوصی من متعلق به خودم و کسانی است که با آنها زندگی کرده‌ام. شما هم داستان کوتاه می‌نویسید و هم رمان بلند. نوشتن آنها تا چه حد با هم تفاوت دارند؟

گاهی یک رمان خیلی ناگهانی رخ می‌دهد. می‌دانید، هر داستان مثل یک تخم مرغ کامل است. یک پوسته دارد و قسمت سفیده و زرده. با این توضیح می‌توانم اینطور بگویم که داستان کوتاه هم کامل برای من رخ می‌دهد. آغازش، پایانش، و مسیری که از آغاز به پایان می‌رسد. اما رمان متفاوت است. وقتی قصد دارم رمانی بنویسم، همیشه آغازش را می‌دانم، پایانش را هم همین‌طور.

کار جدیدتان داستان کوتاه است؟

من هیچ وقت نمی‌گویم روی چه کار می‌کنم، اصلاً دوست ندارم در مورد کارهای جدیدم پیشاپیش صحبت کنم. پس بهتر است صبر کنید.



که بابخش کودک این روزنامه آشنا شدم. در این بخش، آنها کودکان را به ارسال مطالب گوناگون دعوت به همکاری می‌کردند و من هم که از ۹ سالگی، هر چند بی‌اهمیت و کم ارزش می‌نوشتم، داستانی در مورد رنگین‌کمان و اینکه در انتهای رنگین‌کمان چه چیزهایی پیدا می‌شود نوشتم. آنها هم داستان را چاپ کردند. اما اولین داستان جدی و بزرگسالی‌ام وقتی پانزده ساله بودم در مجله‌ای که در آن زمان به نام «لیبرال» منتشر می‌شد، چاپ کردم. آنها هیچ نمی‌دانستند که این کتاب را بچه‌ای به سن و سال من نوشته است و چه لحظه باشکوهی بود وقتی که در نوامبر آن سال مجله درآمد و داستان من در آن چاپ شده بود. آنها حتی به خاطر داستان به من پول هم دادند.

چطور شد که علاقه‌مند شدید برای نشریات مطلب بفرستید؟ هیچ لحظه خاصی برایتان پیش آمده بود که شما را از علاقه تان به نوشتن حرفه‌ای دل زده کند؟

نه، هرگز. شاید این اتفاق درباره خیلی کارهای دیگر رایج باشد، اما برای نوشتن و نویسندگی نه. چطور می‌توانم بگویم. من همیشه یک نویسنده را با یک خواننده ابرامقایسه می‌کنم. اگر کسی بخواهد خواننده ابراشود، باید قبل از هر چیز با تارهای صوتی خاصی به دنیا آمده باشد و بعد از آن حتی ساده‌ترین تمرین‌های آوازی به او کمک می‌کند تا بهترین باشد و به هنرش ارتقا ببخشد. حال برای نویسنده بودن هم همین‌طور است و باید با خصوصیات فردی خاصی به دنیا آمده باشید. نخستین نکته، قدرت مشاهده دقیق است، بعد هم کنجکاوی بسیار در مورد خود زندگی. وقتی احساس کنید که واقعا این خصوصیات با شما زاده شده‌اند، دیگر راه گریزی از نوشتن ندارید.

آیا همان وقت که اولین داستانتان چاپ شد، در همان نوامبر پانزده سالگی، گمان می‌کردید که این کار را ادامه دهید و حتی از این طریق زندگی تان را هم تأمین کنید؟

چطور می‌توانستم چنین تصویری داشته باشم؟ من آن موقع یک نوجوان پانزده ساله بودم و اصلاً تصویری از اینکه چطور بخواهم روزگار بگذرانم نداشتم. البته گاهی اوقات با خودم فکر می‌کردم که بعد از تمام کردن مدرسه ممکن است «حروف نگار» شوم یا چیزی مثل آن، و اینکه بعد هم از دواچ خواهم کرد و دیگر نمی‌توانم کار کنم و به همین جا که می‌رسیدم، دیگر دست از فکر کردن می‌کشیدم. آنجا که من زندگی می‌کردم فقط چند دکتر زن بودند و تا آنجا که خاطر من هست، هیچ وکیل زنی نمی‌شناختم و نداشتم. آنجا که ما زندگی می‌کردیم،

شخصی، اتفاقاتی که پیرامونش رخ می‌دهد، نوع جامعه‌ای که در آن می‌زید، رشد درونی خودش، احساساتش و روابطش با دیگران است.

می‌خواهم باز هم به دوران مدرسه شما برگردیم. دانش آموز خوبی بودید؟

نه به طور خاص. نوع آموزش آن روزها خیلی ترغیب‌کننده نبود.

آیا هیچ وقت شده با خود بگویید که ای کاش سطح تحصیلات بهتری داشتید؟

من فقط یک آرزو دارم، و این است که ای کاش یک زبان آفریقایی یاد گرفته بودم. در آفریقای جنوبی، یازده زبان مختلف داریم، اما ما به عنوان سفیدپوستان فقط و فقط انگلیسی را در مدرسه آموختیم. من الان خودم را سرزنش می‌کنم که چرا وقتی جوان بودم یکی از آنها را یاد نگرفتم. ولی به هر حال به عنوان یک نویسنده مجبور بوده‌ام روی زبانی که با آن آثارم را می‌نویسم تمرکز کنم.

در کتابخانه شهر کوچکتان، چه کتاب‌هایی بودند که متقاضی زیادی داشتند و دسترسی آسان به آنها نداشتید؟

واقعا شگفت‌آور بود، چرا که در بخش کودکان واضح بود که چه کتاب‌هایی از همه زودتر بیرون می‌رفتند. برای نسل من، یکی از آن کتاب‌های محبوب، کتاب «دکتر دولیتل» اثر «هیولافتینگ» بود که حتی من آن کتاب را بعداً به بچه‌های خودم هم دادم و آنها هم به بچه‌هایشان. اما به محض اینکه به کتابخانه بزرگسالان رفتم و خانم کتابدار هم به خاطر دوستی‌ای که با مادرم داشت، کاری با من نداشت، می‌توانستم آثار متنوعی را بخوانم؛ آثار تاریخی، برخی آثار ترجمه شده از یونان، مانند آثار سوفوکل و خیلی چیزهای دیگر. در عین حال، پدر و مادرم دوستانی داشتند که آخر هفته‌ها دور هم جمع می‌شدند و من هم همیشه با آنها می‌رفتم. یکی از دوستان خانوادگی که معمولاً به خانه شان می‌رفتم و کیلی بود که کتابخانه نسبتاً کاملی در اتاق مطالعه‌اش داشت که من اکثر کارهای کمیاب و نایاب را در آنجا پیدا می‌کردم و می‌خواندم.

آیا عناوینی از آن کتاب‌ها در ذهنتان مانده است؟

البته، من در آنجا «چارلز دیکنز» را خواندم و خیلی زود «تولستوی» و «جنگ و صلح» اش را کشف کردم. اولین داستانتان در بخش کودک روزنامه «سان دی» به چاپ رسید، کمی هم درباره این موضوع برایمان صحبت کنید.

پدر و مادرم این روزنامه را می‌خریدند و از آنجا بود

معمولاً خوانندگان تان درباره آثار شما اظهار نظر می‌کنند؟ و اینکه آیا نظرات آنها تأثیری روی کار شما می‌گذارد یا خیر؟

بله، گاهی عقیده و نظرشان را به من ابراز می‌کنند، اما تأثیر زیادی روی کارم ندارند.

آیا معتقدید که یک نویسنده موظف است محدودیت‌های فرهنگی را در زمان خاصی یا در یک کشور خاص از میان بردارد؟

ترجیحاً از دیدگاه عدالت به پیرامونم می‌نگرم، ولی به گمانم مسئله فرهنگ بسیار فراگیر و جامع است. آلبر کامو، یکی از عالی‌ترین نویسندگانی که برای من همیشه از ارزش بالایی برخوردار بوده است، در جایی گفته که «اگر روزی برسد که بینم فقط و فقط یک نویسنده‌ام، دیگر نخواهم نوشت». چرا که شما نمی‌توانید همیشه برج عاج نشین باشید. البته باین معنا نیست که نویسنده دچار شعار زدگی شود. شعار دادن و طیفه سیاستمداران است، نه نویسنده. و در حقیقت زمانی که یک نویسنده شروع به شعار تو خالی دادن می‌کند، زمان مرگ استعدادهای اوست. از سوی دیگر، شماتهای یک نویسنده نیستند، بلکه به عنوان یک انسان بخشی از جامعه انسانی کشورتان را شکل می‌دهید. در نتیجه محصور قوانین و طرز تفکر مردمان کشورتان خواهید بود و می‌بایست به عنوان یک نویسنده، ارتباط مناسبی با جامعه و قوانینش برقرار کنید و مسئولیت خود را به عنوان یک انسان در جامعه‌ای انسانی بپذیرید.

شما در جامعه‌ای خاص زاده شدید، می‌شود کمی راجع به دوران کودکی تان صحبت کنید؟ دقیقاً کجا متولد شدید؟

در آفریقای جنوبی، در شهرستان کوچکی به نام اسپرینگ (در انگلیسی به معنی بهار و چشمه) به دنیا آمدم. البته در آنجا هیچ وقت از بهار خبری نبود، نمی‌دانم چرا این اسم را رویش گذاشته بودند. در واقع کودکی ام در آنجا سپری شد و همان‌جا هم بزرگ شدم.

در جوانی چه کسی الهام بخش و الگویی شما بود؟ آیا مادر تان الگویی شما بود؟

من از اصطلاح «الهام گرفتن» خوشم نمی‌آید. به نظر من شخص خودش باید به زوایای پنهان و جودش وقوف پیدا کند و به بیداری برسد. ممکن است شما فردی را تحسین کنید، اما باین معنی نیست که دقیقاً شبیه او شوید یا از او تقلید کنید. به هیچ وجه نمی‌شود شبیه فرد دیگری بود، حتی اگر این شخص هنرپیشه یا نویسنده مورد تحسین و علاقه شما باشد. بگذارید کمی راجع به کتاب خواندن و مطالعه بگویم. میل من به درک و کشف زندگی از طریق ادبیات و به طور کلی خواندن شکل گرفت و همیشه به نویسندگان جوان هم می‌گویم که «کلاس‌های خلاقه نویسی را فراموش کنید.» نمی‌شود به مردم شاعری، داستان کوتاه نویسی و رمان نویسی را درس داد. می‌شود روزنامه نگاری را تدریس کرد اما نویسندگی و شاعری درس دادنی نیست و تنها راهی که می‌توانید نویسندگی را به خودتان آموزش دهید خواندن و فقط خواندن است. البته آن هم نه در راستای گرتنه برداری از آنچه می‌خوانید، بلکه به این خاطر که انتقاد از خود را فرابگیرید و بعد به نوشته‌های خودتان نگاهی بیندازید و با خود فکر کنید: «خدای من، ببین فلانی با یک واژه چه کارها که نمی‌کند و من هنوز هیچ کاری نکرده‌ام.»

آیا یک نویسنده جوان بدون داشتن تجربه کافی شخصی می‌تواند نویسنده خوبی باشد؟ چه عاملی باعث می‌شود که نویسنده‌ای کارآمد تلقی شود؟

در واقع یک نویسنده خوب تلفیقی از تجارب زندگی

مروری بر ۷۰ سال فعالیت ادبی نادین گوردیمر

آوای قاره سیاه؛ صدایی به بلندی نوبل ادبیات

نادین گوردیمر، نویسنده ۸۶ ساله ای است که نه تنها در این سن و سال دست از نوشتن برنداشته، بلکه بر انرژي تر به فعالیت های خود ادامه می دهد. نویسنده گانی که به سن و سال گوردیمر می رسند همین که همین قدر عمر کرده اند جای خوش شانس است و خود را باز نسته اعلام می کنند، چه برسد به آن که بخواهند از نو بنویسند.

نادین گوردیمر، نویسنده آفریقایی را به راحتی می توان در جرگه نویسندگان فعال قرار داد و تعداد آثار و فعالیت هایش در حیطه ادبیات و سیاست آنقدر زیاد است که برتری دادن هر یک نسبت به دیگری کاری بسیار دشوار است.

گوردیمر سال ۱۹۲۳ میلادی در اطراف شهر ژوهانسبورگ به دنیا آمد. مادرش بریتانیایی و پدرش اهل لیتوانی بود. او خودش را آفریقایی سفیدپوست می داند. وی به آفریقایی بودنش می بالد و می گوید: «هیچ کس باور نمی کند که بتهوون هم یک شانزدهم رگش سیاه پوست بوده.» وی دوران نوجوانی اش را در مدرسه کاتولیک هاسپری کرد. از همان دوره کودکی فقر سیاهان آفریقایی آزرده اش می کرد و همیشه دنبال راه حلی برای خاتمه به این درد و رنج بود. گوردیمر سرانجام نوشتن را با داستان های کوتاه از سال ۱۹۵۱ شروع کرد و نخستین رمانش در ۱۹۵۳ را با عنوان «روزهای فرینده» منتشر کرد و در همین حال پس از گذراندن چندین سال نوشتن، فعالیت های سیاسی اش را در کنار نوشتن آغاز کرد. ابتدایی ترین جرقه فعالیت های سیاسی نادین گوردیمر از دستگیری دوست صمیمی اش (بتی دوتوا) در سال ۱۹۶۰ یعنی هنگامی که نادین ۳۷ ساله بود زده شد. او پس از پیوستن به جنبش ضد آپارتاید (ضد نژاد پرستی) آفریقایی به یکی از دوستان نزدیک نلسون ماندلا (نخستین رئیس جمهور سیاه پوست آفریقای جنوبی) تبدیل شد تا جایی که هنگام آزاد شدن نلسون ماندلا از زندان، گوردیمر از اولین کسانی بود که برای دیدار با ماندلا دعوت شد. نلسون ماندلا درباره این نویسنده می گوید: «آثار نادین از جمله رمان هایی بود که در زمان زندانی بودنم از خواندنشان خسته نمی شدم و رمان «دختر برگر» را بارها خواندم.»

در دهه های ۶۰ و ۷۰ قرن گذشته میلادی او در ژوهانسبورگ زندگی کرد و تنها چند بار برای ایراد سخنرانی و دریافت جوایزش به آمریکا سفر کرد. وی سال ۱۹۶۶ اولین تجربه های شخصی خود را درباره سانسور در رمان «اواخر دنیای بورژوازی» منعکس کرد؛ رمانی که حدود ۱۱ سال اجازه انتشار نداشت و سرانجام در ۱۹۷۶ اجازه چاپ گرفت و به همین دلیل

گوردیمر با خاک خوردن نوشته هایش و اجازه چاپ نداشتن آنها کاملاً خو گرفته است. رمان دیگرش با عنوان «دنیای غریبه ها» حدود ۱۲ سال انتظار انتشار کشید. آثار دیگرش مثل «دختر برگر» (۱۹۷۹) و «مردم جولای» (۱۹۸۱) نیز هر یک از ماه ها در انتظار انتشار بوده اند. پس از تجاری که گوردیمر در حیطه برخورد با سانسور داشت مشاهدات خود را در این رابطه در زمانی با عنوان «رفتار ضروری» در سال ۱۹۸۸ منعکس کرد. اعتراضات این نویسنده آنقدر ریشه دار بود که در سال ۲۰۰۱ کتاب «مردم جولای» از فهرست مطالعه دانش آموزان به طور موقت پاک شد.

پس از گذشت بیش از نیم قرن، نادین گوردیمر با نوشتن ۱۴ رمان و چیزی حدود ۲۰۰ داستان کوتاه و چند مقاله توانسته کارنامه درخشانی برای خود درست کند. وی از معدود نویسندگانی است که به علت عمق داستان هایش سبب شده نویسندگان دیگر در راستای تحلیل آثارش دست به نوشتن ببرند. انتشار ۱۰ جلد کتاب و بیش از ۲۰۰ مقاله تنها برای بررسی و تحلیل آثار این نویسنده مهر تاییدی است بر عمق داستان های گوردیمر. یکی از بهترین این نقدها، کتاب «رمان های نادین گوردیمر: تاریخ درون» (استفان کلینگمن، ۱۹۹۳) است. آثار گوردیمر به بیش از ۳۰ زبان ترجمه شده است و ۱۵ دکترای افتخاری از دیگر افتخاراتی است که قلم گوردیمر برای او به ارمغان آورده است.

در تمام این سال ها با تمام فراز و فرودهایی که در زندگی هر روزه آدمی انسان را در گرداب مشکلات غرق می کند، به نظر می آید روند زندگی گوردیمر غیرقابل تغییر و همچنان قانون گرا است. او با این که



در بیشتر انجمن های فعال سیاسی به عنوان عضوی فعال شناخته شده، اما جای تعجب است که همچنان توانسته درستی و کمال گرایی خود را ثابت کند. او با چشمانی تیز بین همان گونه که داستان های خود را می نویسد مسائل روز آفریقا را دنبال می کند، در بیشتر سخنرانی ها و گرهمایی هم شرکت می کند و با تمام این درگیری ها برای خود خلوتی عجیب ساخته است. ساعت های بسیاری را در تنهایی به کار و مطالعه می پردازد. این گونه که خود می گوید صبح هایش طولانی است و ناهارش را بسیار دیر می خورد. سخت

گوردیمر درباره گونتر گراس چگونه فکر می کند؟

نادین گوردیمر ۸۶ ساله این گونه که خود می گوید در زندگی اش تصمیمات مهم و قطعی فراوانی گرفته و هیچ گاه از نتیجه آنها ناراضی نبوده است. یکی از موضوعاتی که هیچ گاه دوست ندارد درباره آن تغییر عقیده بدهد نظرش درباره شخص گونتر گراس است. این نویسنده و نقاش آلمانی همیشه یکی از بحث برانگیزترین نویسندگان بوده و هر سال با اعترافات خود دنیا را در حیرت فرو می برد. چندین سال پیش وی با اعتراف این موضوع که سال ها جاسوس آلمان نازی بوده بحث های فراوانی برانگیخت. بسیاری معتقد بودند که چرا وی زودتر به افشای این راز سربه مهر نپرداخته است، اما در این بین گوردیمر این جنجال را نشانه وجود فرهنگی محکوم به اعتیاد می داند و اصلاً حاضر نیست که از موضع خود فاصله بگیرد. او در این باره می گوید: «اگر گونتر گراس در ۱۹۴۴ یعنی همزمان با شکست هیتلر از راز خود پرده برمی داشت، قطعاً کشته می شد.» وی در ادامه می گوید: «فکر نکنید که گراس این همه سال سکوت کرده. شما تنها با خواندن کتاب هایش می توانید پی به تک تک اعترافات وی ببرید.» وی برخلاف دیگر دوستان برنده نوبلش مثل گراس و داریوفو هیچ گاه نخواست به چاپ کتابی از بینش سیاسی اش سخن بگوید. او خود در این باره می گوید: «دوست دارم بخشی از زندگی من و همسر من و فعالیت های سیاسی مان برای همیشه مسکوت بماند. من از آن دسته نویسندگان نیستم که تمام زندگی ام را در بین کاغذهای آثارم برملا کنم.» به جز این اختلاف نظر گوردیمر با گراس، گاه احساس می شود که گوردیمر در حس عرق ملی گراس خود را شریک می داند.

دوست و رفیق پیدا می کند، اما هنگامی که کسی را به عنوان دوست پذیرفت به سختی فراموشش می کند. گوردیمر سال های سختی را پشت سر گذاشته و مانند بسیاری از دیگر روشنفکران آفریقایی ترک وطن را برای خود منع کرده است. همسرش (رینولد کاسیرر) از جنگجویان ارتش انگلیس در جنگ جهانی دوم بوده است. دخترش با این که در فرانسه زندگی می کند اما این گونه که گوردیمر می گوید هیچ گاه پل های پشت سرش را خراب نکرده و هر گاه بخواهد به آفریقا بازمی گردد. پسرش نیز در نیویورک است. حس تعهد به آزادی سیاهان آفریقایی سبب شده که گوردیمر سفرهایش را تنها به درون آفریقا محدود کند؛ سفرهایی که در طول زمان در نظرش ریشه اصلی انگیزه برای نوشتن بوده اند. وی در جایی می نویسد: «من صدای تمام سیاهانی هستم که نمی توانند حرف بزنند.»

آثار گوردیمر بازتاب تمام لرزش های درون آفریقا است. برای این نویسنده ۸۶ ساله راه انفعال و کوری برای وجود داشتن، رفاقت های ممنوعه و کارهای غیرقانونی و زیرزمینی به گونه ای تعریف شده که هیچ گاه دست از پا خطا نمی کند. وی توانسته پیامد غرق شدن در این گونه مسائل را با ادبیات خود پیوند بزند و با ایهام و داستان های دوپهلو هدفش را به خواننده اش بشناساند.

سیل جوایز ادبی ای که گوردیمر در این سال ها از آن خود کرده از سال ۱۹۶۱ آغاز شد و در سال ۱۹۹۱ با جایزه ادبی نوبل به اوج خود رسید. از جمله این جوایز می توان به جایزه من بوکر برای رمان «طرفدار حفظ منابع طبیعی» (۱۹۷۴) و «چیدن» (۲۰۰۱)، جایزه ادبی بنت در سال ۱۹۸۷ اشاره کرد.

میلان کوندرا، نویسنده فرانسوی متولد چک، در جایی می نویسد: «گاه گاهی نویسنده به خط باریکی می رسد که دیگر نمی تواند درباره آن نظریه پردازی کند. آن خط باریک مرزی است که باید بدانند زمان سکوت فرارسیده است. این سکوت معنی بیشتری به داستان می دهد.» گوردیمر به این مرز رسیده است، از کارها و آثارش راضی است و هیچ گاه نمی خواهد از آثارش دفاع کند. وی در این باره می گوید: «خود اثر باید به قدر کافی گویا باشد و منتقدان ادبی آنچه را می خواهند از آن بیرون بکشند.» گوردیمر پیوند بین داستان و نویسنده را شکسته و همه را یکی می داند. او معتقد است که نویسنده خود داستان است. هنگامی که او از قصه اش خارج می شود، خواننده با واقعیت داستان روبه رو می شود و شاید بتوان گفت که حقیقت هر قصه در هدف آن پنهان شده؛ هدفی که رسانش کشف و ثبت دنیای انسانی انسان است. همین و بس.

رمان را خواند و پس از آزادی اش از آن بسیار تقدیر کرد.

پس از «مردم جولای» بسیاری رمان «طرفدار حفظ منابع طبیعی» را یکی از بهترین آثار گوردیمر می دانند. این اثر که در سال ۱۹۷۴ منتشر شد، توانست برنده بخش داستانی جایزه ادبی من بوکر شود. در این داستان گوردیمر باز داستان سیاه پوست دیگری را بیان می کند که کنار مزرعه اش جنازه ای را پیدا می کند و تصمیم می گیرد برای پیدا کردن حقیقت بدن بی جان که در مزرعه او پیدا شده و جدانش را آزمایش کند. وی در راه یافتن حقیقت ماجرا با آدم های جدیدی آشنا می شود و داستان ادامه می یابد. نادین گوردیمر باز هم در این داستان توانسته با لحن محکم و موقرش به بیان جریانات رفتاری و گاه نژاد پرستانه ای که در بین سیاهان و سفیدها وجود دارد بپردازد. از دیگر آثار این نویسنده می توان به «فرصتی برای عاشق بودن» (۱۹۶۳)، «یک ورزش طبیعی» (۱۹۸۷)، «سرگذشت پسر» (۱۹۹۰)، «خانه اسلحه» (۱۹۹۸) و از میان مجموعه داستان های کوتاه وی می توان به «داستان های منتخب» (۱۹۷۵)، «لحظه قبل از شلیک» (۱۹۸۸)، «یکی بود یکی نبود» (۱۹۸۹) و «یک شانزدهم بتهوون سیاه پوست بود» (۲۰۰۷) اشاره کرد.

سفیدپوستان می دهد و گاه آنها را مقصر می بیند. خانواده ای که چند سال پیش با خدمتکاران سیاه پوستشان زندگی می کردند، اینک محتاج آنها شده اند. جولای گاه به یاد ظلم هایی که در حقیقت شده می افتد و می خواهد انتقام خود را از این خانواده آواره بگیرد و از طرفی برای خانواده «سمیلیس» که از خانه و کاشانه خود فرار کرده و آواره شده اند پذیرفتن این موضوع که به خدمتکار خود محتاج شده اند بسیار دشوار است. مورین، مادر خانواده در روزهای اقامتش نزد خانواده جولای روزهای کودکی خود را به یاد می آورد که خدمتکار سیاه پوستش (لیدی) در سرمای زمستان و گرمای تابستان دنبال وی راه می رفت و وسایلی را حمل می کرد و از خود مدام می پرسید چرا این گونه بوده؟ با گذشت زمانی از اقامت آنها در دهکده، هر دو خانواده از موضع خود کنار می آیند و با هم سازش می کنند. اما به نظر می رسد که این تنها آرامش قبل از طوفان است. نادین گوردیمر داستان را در یکی از نقطه های عطف آن تمام می کند و خواننده را بر سر دوراهی عقل و وجدان باقی می گذارد. نلسون ماندلا، نخستین رئیس جمهور آفریقای جنوبی، زمانی که در زندان بود این گونه که خود می گوید چند بار این

چهره آپارتاید در «مردم جولای»

بیشتر منتقدان از رمان «مردم جولای» به عنوان یکی از بهترین آثار نادین گوردیمر یاد می کنند. این اثر که در سال ۱۹۸۲ اجازه چاپ گرفت نزدیک به ۱۲ سال در منزل گوردیمر خاک می خورد. گوردیمر هنگامی این رمان را نوشت که جنبش آپارتاید به انتهای خود نزدیک می شود و وی تلاش می کند پیش بینی های خود را از این جنبش در قالب داستان بنویسد.

«مردم جولای» حکایت از خانواده سفید پوستی می کند که در طی جنگ های داخلی مجبور به ترک ژوهانسبورگ می شوند. آنها برای آن که از خطر این جنگ های داخلی در امان بمانند به دهکده کوچکی سفر می کنند که زادگاه یکی از خدمتکاران سیاه پوستشان است. «جولای» همان خدمتکار سیاه پوستی است که اینک آزادی اش را به دست آورده و همراه خانواده اش در آن دهکده زندگی می کند. تمام داستان حول نژاد پرستی و تفاوت نژاد سیاه و سفید موج می زند. گوردیمر این داستان را به گونه ای نوشته که خواننده گاه حق را به



سر دلبران و ترجمه هایی جدید از همینگوی

یونان و جنگ های داخلی اسپانیا حضور داشت و برخی از داستان هایش بازتابی از این حوادث است. این مجموعه سال ها پیش توسط نشر آهنگ منتشر شده بود.

نشر افق رمان مشهور «پیرمرد و دریا» از همینگوی را با ترجمه نازی عظیمی به دست چاپ سپرد. این رمان هم که سال ها پیش توسط انتشارات امیرکبیر به بازار آمده بود و یکی از موفق ترین و معروف ترین آثار این نویسنده محسوب می شود و موضوع فیلم های سینمایی و تلویزیونی قرار گرفته، با اقبال جهانیان روبه رو شد.

«پیرمرد و دریا» اثر همینگوی با ترجمه محمدتقی فرامرزی نیز توسط موسسه انتشارات نگاه منتشر شده است. این انتشاراتی چاپ سوم از این ترجمه را به بازار عرضه کرد و در ابتدای کتاب تحلیل و تفسیر مفصلی به قلم مترجم تحت عنوان پیرمرد و دریا در بوته نقد آمده که حجمی برابر متن داستان دارد و بسیار خواندنی و آموزنده است.

موسسه انتشارات نگاه «تیره بختان جامعه» اثری از جک لندن را با ترجمه اصغر مهدی زادگان چاپ و منتشر کرده است. جک لندن که در اغلب آثارش زندگی تیرهستان و اقلات محروم اجتماع را به تصویر می کشید و از رنج و سختی زندگی آنان و زاغه نشینان می نوشت، در رمان «تیره بختان جامعه» نیز که به شیوه اول شخص روایت می شود، به عنوان سخنگوی ستمدیدگان جامعه سرمایه داری عصر خویش به اندیشه رهایی آنان وفادار می ماند.

«از روی دست رمان نویس» مصاحبه هایی با پنج نویسنده برجسته چون فورستر، فاکنر، همینگوی، هاگسلی و سیمنون است که با زبانی ساده و صمیمی اسرار و فنون کار خود را با همه علاقه مندان به داستان نویسی در میان گذاشته اند. این کتاب اکنون با ترجمه محسن سلیمانی از سوی انتشارات سوره مهر به چاپ سوم رسیده است. چاپ اول آن را سال ۷۶ ناشر دیگری منتشر کرده بود.

«آداب و رسوم و فرهنگ عامه احمدآباد جرقویه» کتابی است که زهرا کریمی آن را با همکاری محمد اکبری تالیف و تدوین کرده و ناشر آن انتشارات طهوری است. در این کتاب، خواننده طی چند فصل با اوضاع جغرافیایی، وقایع تاریخی، اوضاع اقتصادی، ساختار فرهنگی و اجتماعی روستای احمدآباد جرقویه آشنا می شود.

«پشت دیوار رویا» به قلم مسعود مهرابی از سوی نشر پیکان منتشر شده است، عنوان فرعی این کتاب که «سیاحتنامه جشنواره های جهانی فیلم» است، گزارش مصور و مستندی از جشنواره های مختلف چون چهل و هفتمین دوره جشنواره جهانی فیلم کن در سال ۹۴ میلادی تا بیست و دومین جشنواره بین المللی فیلم مونترال در سال ۹۸ میلادی و جشنواره تسالونیکي یونان در سال ۲۰۰۶ به دست می دهد.

«مردان بدون زنان» مجموعه ۱۴ داستان کوتاه از ارنست همینگوی با ترجمه اسدالله امرابی از سوی نشر افق منتشر شد. همینگوی که جایزه نوبل و پولیتزر را کسب کرده، در جنگ های ایتالیا، ترکیه،

ترجمه علیرضا عیاری از سوی موسسه فرهنگی منادی تربیت چاپ و منتشر شده است. نویسنده این کتاب که با نام مستعار هارون یحیی می نویسد، اهل آنکاراست و تمامی آثارش حول یک هدف تمرکز می یابد. ابلاغ پیام قرآن به مردم و تشویق آنها به اندیشیدن درباره موضوعاتی چون وجود خداوند، وحدانیت او، آخرت از جمله این اهداف است. این کتاب برای کودکان و نوجوانان به صورت مصور (رنگی) با کاغذ گلاسه چاپ و منتشر شده است.

«تاریخ عرفان و عارفان ایرانی» کتابی به قلم عبدالرفیع حقیقت است که چاپ پنجم آن از سوی انتشارات کومش به بازار آمد. چاپ اول این کتاب که در سال ۱۳۷۰ منتشر شده، تاریخ عرفان و عارفان ایرانی از بازید بسطامی تا نورعلی شاه گنابادی را دربرمی گیرد. خواننده با مطالعه این اثر با بسیاری از عارفان ایرانی و فلسفه و آثارشان آشنا می شود و شناخت نسبتا جامعی از تاریخ عرفان کسب می کند.

«روانکاوی زیگموند فروید و روایت ویلیام بولیت» اثری از توماس وودرو ویلسون بیست و هشتمین رئیس جمهور آمریکا و پایه گذار جامعه ملل است که با ترجمه و اقتباس احمدشاه رخ غفاری توسط نشر آبی چاپ و منتشر شده است. این نوشتار درباره شخصیت انسانی است از لحاظ جسمی ضعیف، بسیار مذهبی، تحصیل کرده، فرهیخته و بالاخره سیاست بازی برجسته و شاخص به نام توماس وودرو ویلسون که پایه گذار جامعه ملل بود.

«سر دلبران» نام کتابی در حوزه ادبیات دینی است که به اهتمام حسین حداد از سوی انتشارات سوره مهر منتشر شده. کتاب مذکور شامل منتخبی از متن های تاریخی، ادبی کهن و معاصر، مصاحبه و نقد و نظر درباره آثار و کتاب هایی مربوط به شخصیت پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد(ص) است که در چهار بخش گردآوری و تدوین شده است. در یکی از بخش های این کتاب، گفتارهایی از تاریخ بلعمی، تاریخ سیستان، کشف الاسرار و عده الابرار، روضه الصفا، ناسخ التواریخ، طبقات ناصری و... آمده است. بخش دیگری از این اثر مطالبی را از دکتر علی شریعتی، محمدرضا سرشار، علی موسوی گرمارودی، زین العابدین رهنما و... در خود جای داده است.

«آمنه، مادر پیامبر» اثری از دکتر بنت الشاطی با ترجمه احمد صادقی اردستانی است که توسط نشر علم چاپ و منتشر شده است. ادیب مصری، تاریخ نگار و قرآن پژوه، دکتر عایشه (بنت الشاطی) مدرس زبان و ادبیات عرب در دانشگاه مراکش برای تالیف و تدوین این اثر منابع کافی در دست نداشته، اما ذوق سلیم، دانش گسترده و ایمان استوار و رسالت اسلامی، وی را چنان نیرومند و خلاق ساخته که به زیبایی، توانسته ابعاد ایمانی و شخصیت حضرت آمنه را واکاوی کند و به عنوان یک مادر وارسته به خصوص برای زنان مخاطب عرب، او را نمونه همه فضائل و مدارج عالی انسانی معرفی کند.

«جلوه های آفرینش»، اثری از هارون یحیی با

گزارش آماری هفته

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب های چاپ اول، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی با بیست و پنج عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ محمدبن حسن طوسی با ده عنوان پرکارترین مولف؛ و مهدی الهی قمشه ای با چهار عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

شاخص های آماری کتاب های بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۲۳۰۰ ریال	عسل گنجینه شفا بخش؛ احمد شریفی؛ ناشر: معروف؛ چاپ ۸؛ ۳۲ صفحه؛ ۵۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۶۹۰۰۰۰ ریال	Jams Thompsin: Genetics In Medicine؛ ناشر: کتاب امیر؛ چاپ ۱؛ ۶۱۰ صفحه؛ ۵۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۰۰ مرتبه	دا: خاطرات سیده زهرا حسینی؛ ناشر: سوره مهر؛ ۸۱۴ صفحه؛ ۲۵۰۰ نسخه؛ ۱۲۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۰۰۰۰ نسخه	پرتوی از اسرار نماز؛ محسن قرائتی؛ ناشر: ستاد اقامه نماز و احیای زکات؛ چاپ ۳۶؛ ۲۵۶ صفحه؛ ۱۳۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۵۰ نسخه	درختان و درختچه های مناطق خشک و نیمه خشک؛ ناشر: دانشگاه سمنان؛ چاپ ۱؛ ۳۴۰ صفحه؛ ۵۸۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۷۷۰ صفحه	فرهنگ جامع شیمی، در زمینه مفهومی، مواد، ابزارهای آزمایشگاهی و زندگی نامه ی کوتاه شیمی دان ها برای دانش آموزان دبیرستانی، ...؛ سیدرضا آقاپورمقدم؛ ناشر: سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی؛ انتشارات مدرسه؛ چاپ ۳؛ ۳۸۵۰ نسخه؛ ۱۲۰۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۱۶ صفحه	اب رازی بزرگ در طبیعت؛ اسدالله ابراهیم کتی؛ ناشر: فرانس؛ چاپ ۱؛ ۱۰۰۰ نسخه

شاخص های آماری کتاب های کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
ارزاترین کتاب	۱۰۰۰۰ ریال	هندسه (۱)؛ حیدر احمدی؛ ناشر: فریاد کویر؛ چاپ ۱؛ ۵۲ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۲۲۰۰۰۰ ریال	کتاب خلاصه نویسی شده ریاضیات عمومی کنکور مخصوص رشته های تجربی؛ امیر کریمی؛ ناشر: نگارش روز؛ چاپ ۱؛ ۲۵۸ صفحه؛ ۱۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۶۴ مرتبه	گنجینه سوالات طبقه بندی شده نوبت: کتاب کار تعلیمات اجتماعی کلاس پنجم دبستان؛ نصرالله جلالی؛ ناشر: مهدانش؛ ۲۸۸ صفحه؛ ۲۰۰۰ نسخه؛ ۲۶۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	ریاضی کامل: سال دوم راهنمایی؛ آموزش، سوال های امتحانی با پاسخ، سوال های امتحانی بدون پاسخ، آزمون های هماهنگ استانی، تست تیزهوشان؛ کریم کریمی؛ ناشر: کریم کریمی؛ چاپ ۵؛ ۴۷۲ صفحه؛ ۶۲۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۵۰۰ نسخه	ریاضی عمومی (۱)؛ به روش حل مساله؛ مهدی رضایی بهرمنند؛ ناشر: فراگیر هگمتانه؛ چاپ ۱؛ ۱۶۴ صفحه؛ ۳۵۰۰۰ ریال

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸۸/۱۲/۱۵ تا چهارشنبه ۸۸/۱۲/۱۹، ۱۳۷۷ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع دین و سپس علوم عملی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات ادبیات، علوم اجتماعی، کودک و نوجوان و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	متوسط صفحه
۱	کلیات	۸۷	۷۴	۱۳	۳۸	۴۹	۷۸	۹	۲۳۸۷	۲۴۲
۲	فلسفه و روانشناسی	۴۷	۳۳	۱۴	۲۷	۲۰	۴۳	۴	۱۹۸۵	۲۳۵
۳	دین	۳۶۵	۲۲۰	۴۵	۱۴۷	۱۱۸	۱۴۱	۱۲۴	۲۸۷۶	۲۹۳
۴	علوم اجتماعی	۱۳۷	۱۱۶	۲۱	۷۳	۶۴	۱۲۱	۱۶	۲۳۴۰	۲۹۲
۵	زبان	۵۸	۵۱	۷	۴۳	۱۵	۵۰	۸	۲۳۴۹	۲۷۶
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۷۶	۶۴	۱۲	۴۲	۳۴	۷۰	۶	۲۲۰۹	۳۱۲
۷	علوم عملی	۲۵۲	۲۱۴	۳۸	۱۹۱	۶۱	۲۲۹	۲۳	۱۶۶۱	۲۷۹
۸	هنر	۴۳	۳۱	۱۲	۲۷	۱۶	۴۰	۳	۱۹۲۶	۲۰۹
۹	ادبیات	۱۴۶	۱۲۳	۲۳	۱۰۳	۴۳	۱۱۴	۳۲	۲۳۱۶	۲۳۳
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۷۱	۶۵	۶	۳۱	۴۰	۶۲	۹	۲۲۵۱	۳۳۵
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۷۰	۶۹	۱	۲۸	۴۲	۶۶	۴	۳۸۰۳	۲۱۰
۱۲	کودک و نوجوان	۱۲۵	۹۳	۳۲	۷۸	۴۷	۸۷	۳۸	۴۷۱۰	۴۷
	جمع بندی	۱۳۷۷	۱۱۵۳	۲۲۴	۸۲۸	۵۴۹	۱۱۰۱	۲۷۶	۲۵۶۸	۲۵۵

* «تالیف»: به تمامی آثاری اطلاق می شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص های آماری کتاب های کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتاب ها
گرانترین کتاب	۱۸۰۰۰۰ ریال	۷۰ قصه قد و نیم قد برای کودکان (مجموعه ۱۰ جلدی)؛ فریبا کلهر؛ ناشر: قدیانی؛ چاپ ۱؛ ۱۴۶ صفحه؛ ۳۳۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۳ مرتبه	قصه های شب (جلدهای ۶ تا ۱۰)؛ ویلهلم کارل گریم؛ سیده خلیلی؛ ناشر: قدیانی، کتابهای و بنفشه؛ ۵۵۰۰ نسخه؛ ۴۵۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۳۰۴ صفحه	
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰ نسخه	آموزش تصویری حیوانات؛ حسین شرقی؛ ناشر: یکی بود یکی نبود؛ چاپ ۱؛ ۱۲ صفحه
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	خرگوش کوچولو گرفته دل درد؛ ناشر: کیلاس؛ چاپ ۳؛ ۱۲ صفحه؛ ۳۵۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد کتاب های بدون قیمت	تعداد پدیدآورندگان			
		مرد	زن	مرد	زن
۵۱۵	۱۵۰	۱۷۰	۹۵۳	۵۴	۱۹۳

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و...) به جز مترجم.



لعیا درفشه

کتاب «ملانی کلاین» نوشته دکتر پرویز شریفی در آمدی، بیست و یکمین مجلد از مجموعه ۱۲۰ جلدی بزرگان روان‌شناسی و تعلیم و تربیت است که چندی پیش از سوی نشر دانه به چاپ رسید. کلاین از جمله روان‌کاوانی است که به گفته نویسنده این کتاب، شناخت او از مکانیزم‌های روانی بدوی موجب شد مطالعات روان‌تحلیل‌گری به بررسی روابط سه قطبی ادیبی محدود نماند و روابط نخستین و دوقطبی مادر - کودک نیز مورد مطالعه قرار گیرد. دکتر پرویز شریفی در آمدی، استادیار دانشگاه علامه طباطبایی در گروه روان‌شناسی، تاکنون بالغ بر ۳۰ اثر تالیفی و ترجمه‌ای را در این حوزه به رشته تحریر در آورده است. از جمله آثار قلمی او می‌توان به «نظریه‌های روان‌شناسی تحولی»، «نظریه‌های روان‌کاوی شخصیت»، «در دفاع از پیاز»، «ویژگی‌های کودکان استثنایی»، «زندگی شادمانه» و... اشاره کرد. کتاب «ملانی کلاین» جدیدترین اثر دکتر شریفی در آمدی است که گفت‌وگوی ما نیز با او، به این کتاب و ویژگی‌ها و کیف آن اختصاص یافت.

دکتر پرویز شریفی در آمدی، نویسنده کتاب «ملانی کلاین»:

مادر؛ محور روان‌شناسی کلاین

«ارزیابی و نقد نظریه کلاین» اختصاص داده‌اید، گذشته از این که نقد چنین نظریه‌ای به نظر نمی‌رسد در حجمی تا این حد اندک امکان‌پذیر باشد. اما در همین دو صفحه هم باز به موضوع نقد پرداخته نشده و بیشتر به وجوه تمایز آراء کلاین و فروید پرداخته‌اید. در زمینه نقد، پرداختن به آراء ملانی کلاین واقعا کار دشواری است و دلیل عمده‌اش هم کمبود منابع است. افرادی هم که گاه دست به نقد و بررسی آراء کلاین زده‌اند غالباً کسانی بوده‌اند که بیشتر از تجارب شخصی خودشان استفاده کرده‌اند. نکاتی هم که من در این کتاب آورده‌ام آراء و عقاید افرادی است که در واقع معنای نقد را نمی‌تواند دربرگیرد، اما به هر حال این همه آن چیزی بود که در حد امکان در کتاب مطرح کردیم.

منابع فارسی که در پایان کتاب آورده‌اید کلاً هشت عنوان است. آیا کل منابع ما درباره کلاین همین هشت منبع بوده‌اند یا شما فقط از این تعداد استفاده کرده‌اید؟

شاید بشود گفت کل منابع ۹ عنوان بود که من از هشت عنوان آن استفاده کرده‌ام. بعید می‌دانم که بیشتر از ۹ منبع وجود داشته باشد. همین تعداد منابع هم هیچ‌یک اثری مستقل درباره کلاین نیستند و در هر یک فصلی یا بخشی از فصلی به کلاین اختصاص داده شده است.

کتاب از نظر ویرایشی و اغلاط تایپی مشکلات زیادی دارد، دلیلش چیست؟

سایر آثار نشر دانه شاید کمتر چنین مشکلی را داشته باشند، اما از آنجا که کار ویرایش این کتاب بر عهده خود من گذاشته شد و من هم به دلیل مشغله کاری نتوانستم چنان که باید به آن پردازم، متأسفانه کتاب قدری لطمه دید، شاید اگر نشر دانه خودش کار ویرایش را می‌پذیرفت نتیجه کار هم بهتر می‌شد. اما به هر حال امیدوارم این نقایص در چاپ‌های بعدی اصلاح شود.



زیادی دارد. ویژگی اصلی کار کلاین، روش «بازی درمانی» او آن هم در سنین بسیار پایین کودکی است که بسیار اهمیت دارد، در حالی که آن فروید و دیگران اصلاً به این روش مجهز نبودند. همچنین کلاین در مقایسه با آن فروید به مسائل هیجانی کودک اهمیت زیادی می‌داد، در حالی که آن فروید بیشتر موضوع روان‌کاوی کودک را در جنبه‌های تربیتی و آموزشی مدنظر داشت. بنابراین من فکر می‌کنم وجوه افتراق کلاین با معاصرانش یکی توجه به ضمیر ناخودآگاه در دوران نوزادی است، دوم استفاده از روش بازی درمانی و سوم این که او برای اولین بار این موضوع را مطرح کرد که کودک یک موجود خیال‌پرداز است. «او توانست از خیال‌پردازی‌های ناهوشیار کودک برای پی بردن به ضمیر ناخودآگاه او استفاده کند.

در بخش پایانی کتاب حدود دو صفحه را به

نابسامانی‌های روانی می‌شود. در یک مفهوم وسیع‌تر می‌شود گفت نظریه موضوعی نشان می‌دهد که بررسی روان‌کاوانه ماهیت و اساسی روابط بین شخصی و ساختارهای درون - روانی می‌تواند ناشی از تثبیت، تعدیل و بازگشت روابط درونی شده در ارتباط با دیگران باشد. مبحث نظریه روابط موضوعی یکی از حوزه‌هایی است که عمدتاً در روان‌شناسی شخصیت و روان‌شناسی رشد بیشتر مورد توجه قرار گرفته و بیش از همه بر نقش ضمیر ناخودآگاه در شکل‌گیری رفتار و ویژگی‌های روانی کودک تأکید دارد که کلاین تخیل و بازی کودک را ابزار اصلی خود برای دستیابی به این ضمیر ناخودآگاه قرار می‌دهد.

کلاین تحت تأثیر نظریه فلسفی خاصی هم بوده؟ اگر بوده چرا در کتاب به آن اشاره‌ای نشده است؟ کلاین آنچنان که خودش درباره سابقه تعلیم و تربیتی‌اش می‌گوید بیشتر تحت تأثیر روان‌کاوان قبل از خودش بوده و چنان که می‌دانید حوزه روان‌کاوی نیز در آن دوره عمدتاً تحت تأثیر فلسفه نیچه بود، اما نمی‌توانیم بگوییم که مثلاً کلاین مستقیماً تحت تأثیر نیچه بوده. نیچه تأثیر عمده‌ای بر روان‌کاوی گذاشته که فروید از آن بهره‌مند شده است. فروید به رغم اهمیتی که به سال‌های اولیه کودکی می‌دهد، اما بیشتر به بررسی تأثیر ناخودآگاه در شخصیت دوران بزرگسالی می‌پردازد. کلاین در این زمان متوجه خلأیی می‌شود که متوجه دوران نوزادی و ماه‌های اولیه کودکی است و تمرکز مطالعات خود را بیشتر بر این موضوع قرار می‌دهد. بنابراین درباره کلاین می‌توانیم بگوییم بیشتر تحت تأثیر جریان روان‌کاوی قبل از خودش بوده تا تحت تأثیر فلسفه‌ای خاص. تأثیر‌پذیری او از فلسفه در واقع به نحوی به واسطه حوزه روان‌کاوی فروید بود.

آثار کلاین در حال حاضر در غرب چه جایگاهی دارد؟

ملانی کلاین و آن فروید دو چهره مشهور در زمینه ظهور و کاربرد رویکرد روان‌تحلیل‌گری یا روان‌کاوی کودک برای فهم و درک و درمان کودکان هستند، اما تفاوت‌هایی هم با هم دارند. آن فروید بیشتر به مکتب وین معروف است و کلاین به مکتب انگلیسی یا بریتانیایی تحلیل روانی کودک. به همین دلیل می‌توان گفت چون در رویکرد کلاین یافته‌های مربوط به تجربه و رشد کودک مورد توجه زیادی قرار نگرفته آثار کلاین هیچ‌گاه نتوانست به صورت وسیع در آمریکا و در جهان مورد توجه واقع شود، ولی در انگلستان به عنوان یک چهره مشهور، آثار او مورد استقبال قرار می‌گیرد.

در این کتاب وجوه افتراق نظریه کلاین با آراء هم‌عصرانش تا چه حد مورد توجه قرار گرفته و اساساً پرداختن به این وجوه چقدر اهمیت دارد؟ اتفاقاً عمده تلاش من بر این بود که کلاین را بیشتر به عنوان یک یاری‌دهنده حوزه روان‌کاوی کودک مطرح کنم و وجوه افتراق و تفاوتش را با افرادی مثل فروید و آن فروید تحلیل و تبیین کنم که فکر می‌کنم در این زمینه تا اندازه‌ای نیز موفق بوده‌ام. در این زمینه آن فروید به عنوان یکی از معاصران کلاین که او هم در حوزه روان‌کاوی کودک کار می‌کرد از اهمیت خاصی برخوردار است و من در این کتاب به مقایسه آراء این دو نیز پرداخته‌ام؛ از جمله این که آن فروید که به مکتب وین معروف است از لحاظ روشی با کلاین تفاوت

در روان‌شناسی از کلاین به عنوان یکی از مهم‌ترین روان‌کاوان مولف یاد می‌شود که توانست روان‌کاوی پدر محور فرویدی و یونگی را به چالش بکشد و اهمیت نقش زن را به عنوان مادر در شکل‌گیری شخصیت نشان دهد، با توجه به درجه اهمیتی که کلاین در عرصه روان‌شناسی دارد چرا در ایران از او مانند بسیاری از نوآوری‌های دیگر مثل هورنای، فروم، برن و... کتابی ترجمه یا تالیف نشده است؟

این که کلاین هرگز مثل سایر روان‌تحلیل‌گرها نظیر آن فروید، هورنای و فروم در ایران شناخته نشده و به عبارتی مظلوم واقع شده، دلایل متعددی دارد؛ از جمله این که ما در ایران اساتیدی که در رشته روان‌تحلیل‌گری کودک تربیت شده باشند کم داریم که بالطبع این مسأله باعث شده آثار این روان‌کاوان نیز کمتر مطرح شود. دلیل دیگر برمی‌گردد به این که کلاین اساساً وارد رشته‌پزشکی می‌شود و روان‌شناسی را به صورت غیر آکادمیک فرامی‌گیرد، ضمن این که شاید ویژگی جنسیتی زن بودن او نیز در این امر بی‌تأثیر نباشد. همچنین به رغم این که به نظر می‌رسد کارهای کلاین به دلیل بکر بودن مورد تأیید فروید بوده، ولی او هیچ‌جا کلاین را تأیید یا تشویق نکرد و در هیچ محفل و انجمن علمی نامی از او نبرد. همه این دلایل شاید به نحوی باعث کمتر شناخته شدن کلاین در مقایسه با دیگر روان‌کاوان بوده است.

کتاب شما ظاهراً نخستین اثری است که به طور مستقل درباره کلاین نوشته شده است. همین طور است؟

بله. تا جایی که من اطلاع دارم پیش از این، اثری که به طور مستقل به نظریه کلاین پرداخته باشد نداشته‌ایم و این کتاب احتمالاً نخستین اثری است که در ارتباط با زندگی و آثار علمی و نقش مولف بودن کلاین نوشته شده است. من به جرأت می‌توانم بگویم که در ایران کسانی که کلاین را به درستی بشناسند شاید به تعداد انگشتان یک دست هم نرسند. در بعضی از کتاب‌ها می‌بینیم در حدی فصل در حوزه تحول روانی کودک و در حوزه شخصیت، آرای او از کلاین را آورده‌اند، در حالی که کلاین از نخستین کسانی است که روزه‌های اولیه نوزادی را در روان‌شناسی مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد و موضوع تخیل و خیالپردازی کودک را برای نخستین بار مطرح می‌کند. من حتی فکر می‌کنم فروید با تمام عظمتی که در این حوزه دارد به نوعی به کلاین غبطه می‌خورد و حسادت می‌کند که چرا خود او نتوانست به این حد از شناخت عمیق درباره کودک برسد. به این نکته نیز باید توجه داشت که کلاین در حوزه روابط موضوعی جزو اولین کسانی است که مادر را به عنوان موضوع رابطه کودک تلقی و مسائلی را در این زمینه مطرح می‌کند.

این روابط موضوعی - که در زیر عنوان کتاب هم آن را آورده‌اید - کدام حیطه از روان‌شناسی را شامل می‌شود و به چه معناست؟

نظریه روابط موضوعی به طور کلی نظریه‌ای است که بر تجارب و ارتباطات اولیه کودک تمرکز می‌کند و تأثیر آنها را بر روابط بعدی کودک با افراد بزرگسال از جمله مادر مورد تأکید قرار می‌دهد. از آنجا که مادر موضوع اصلی تعاملات روانی کودک است نقش زیادی در این که غرایز کودک مورد حمایت قرار گیرد دارد و بالعکس اگر از مادر محروم شود، دچار

برای حضور در سال آینده زمانی باقی نمانده

فرصت را از دست ندهید !!!

کتاب مرجع نشر ایران سال ۱۳۸۹

درج آگهی شما در مجموعه کامل اطلاعات مرجعی

ناشران، کتابفروشان، مراکز پخش، صحافی‌ها،

لیتوگرافی‌ها، چاپخانه‌ها، تصویرگران، طراحان گرافیک،

ناشران الکترونیک، نمایندگان ناشران خارجی و ...

سازمان آگهی‌های کتاب مرجع نشر ایران؛ موسسه فرهنگی و هنری همراهان جوان؛

تلفن: ۰۲ ۸۸ ۵۲ ۳۵ - ۳۷ ۲۹ ۵۲ ۸۸ همراه: ۰۲ ۳۴ ۴۵ - ۰۹۱۲



سفرنامه های جهانی

سعید فیروز آبادی؛ مترجم

در نگارش سفرنامه باید معیارهای نگارش سفرنامه و هدف را از ابتدا مشخص کرد تا سفرنامه نویسنده بدانند می خواهد درباره چه چیزی بنویسد. معمولاً افراد به چند دلیل به سفر



می روند. یکی از این دلایل انگیزه کشف و دیدن مکان های جدید و وقایع نگاری است. دلیل دیگر علایق شخصی آن شخص و دلیل سوم علایق استعماری و دخالت در امور سایرین است.

سفر با هر یک از این انگیزه ها که باشد برای نگارش سفرنامه انتظاراتی را از نویسنده در پی دارد. اگر هدف نگارش خاطرات و وقایع نگاری است باید ذکر دقیق وقایع و خاطره ها به دور از جانبداری باشد تا بتواند اساس پژوهش های بعدی قرار گیرد؛ چرا که در بسیاری از مواقع در ارتباط با وقایع تاریخی منبع خوبی در دسترس نیست و سفرنامه ها بهترین منبع برای آن واقعه تاریخی به حساب می آیند.

سفرنامه نویسی روش عینی و مشخصی برای نگارش دارد و آنچه سبب جهانی شدن آن سفرنامه می شود، شیوه نگارش آن است. «سفرنامه اولاریوس» یکی از سفرنامه های ارزنده درباره ایران است. آدام اولاریوس، یکی از سفرنامه نویسان آلمانی است که اوایل قرن هفدهم میلادی به ایران سفر کرده است. کتاب او شامل دو بخش «سفر به روسیه» و «سفر به ایران» می شود که در بخش «سفر به ایران» اولاریوس در چند فصل مجزا تمامی مسائل فرهنگی ایران را بررسی کرده است. این کتاب به دلیل دقت نگارنده آن منبع خوبی برای شناخت ایران در آن دوران به حساب می آید.

در سفرنامه نویسی و وقایع نگاری دیده می شود که گاه و بیگاه آن سفرنامه به راه های دیگر کشیده می شود اما باید دانست هر سفرنامه ای باید با یک نگاه و زاویه دید مشخص و دور از جانبداری نوشته شود و هر چه نگاه نگارنده عینی تر و بی طرفانه تر باشد و تصویر ذهنی او در اثر منتقل نشده باشد، سفرنامه معتبر تر خواهد بود.

شناخت رهآورد سفرنامه خوانی

مرتضی محسنی، استاد دانشگاه

سفرنامه یکی از انواع نوشته هایی است که از رهگذر آن می توان با فرضیات نویسنده و روح حاکم بر یک دوره تاریخی آشنا شد. بدین ترتیب سفرنامه ها می توانند نقطه اتصال و اشتراک سلیقه های فردی و شخصی نویسنده با جهان پیرامونی باشند.

در سفرنامه ها مسافری در حرکت است تا با دیدن واقعیت های تازه به کشف حقیقت های جدید دست یابد. این حقیقت های تازه زمانی که از صافی ذهن و زبان نویسنده خلاق بگذرند، بهره ای از دستمایه های زیبایی شناختی می یابند که در این صورت خواننده از خواندن آنها لذت می برد.

در سفرنامه ها، صدق نظر نویسنده نمایان می شود. سفرنامه نویسنده به جای این که خود را پنهان کند، بیشتر نقاب از چهره کنار می زند و احساسات خود را صادقانه به قلم می آورد. البته گفتنی است سفرنامه هایی این ویژگی را دارند که به سفارش صاحبان قدرت به نگارش درنیا شده باشند.

از آنجا که سفرنامه ها برآیند مشاهدات و تجربیات شخصی نویسنده اند، زبانی صمیمی دارند پس طبیعی

است که یک سفرنامه ما را با مناطق مورد سفر مسافر آشنا می کند و بر گستره شناخت و تجربیات ما می افزاید.

سفرنامه ها فاصله میان ملت ها را کم می کنند. بدین ترتیب می توانند یکی از مولفه های مهم در فرهنگ پذیری و اختلاط فرهنگی و به دنبال آن نقد الگوهای فرهنگی و اجتماعی باشند.

اگر سفرنامه ها بتوانند کارکرد های فوق را داشته باشند، یعنی موجبات لذت و ارتقای شناخت خواننده را فراهم کنند و سبب تبادل آرا و نقد فرهنگی شوند، می توانند برای ملت ها ارزشمند باشند و به همین نسبت ترجمه شوند.

نگاهی متفاوت به جزئیات سفر

هادی منوری، شاعر

«سفرنامه ای از یک شاعر»، خاطرات و مشاهدات سفر من به عتبات عالیات بود که در سال ۱۳۸۳ منتشر شد. این سفرنامه با نثری شاعرانه نوشته شده و ویژگی آن شکست زمان خطی و تبدیل آن به زمان دایره ای است. یعنی در آن واحد می توانیم از زمان حال به گذشته و آینده یا برعکس سفر کنیم.

خواننده با خواندن این سفرنامه در تمام دوران ها سیر می کند. به روز عاشورا می رود یا هارون الرشید را می بیند. آنچه بیشتر در این سفرنامه بدان پرداختم مسائل معنوی بود و نه جغرافیای مکان و سعی کردم حس و حالی را که داشته ام به دیگران نیز منتقل کنم. به نظرم در دنیای امروز سفرنامه نوشتن باید شکل و شمایل ویژه ای پیدا کند تا برای خواننده جذابیت داشته باشد. زمانی که ناصر خسرو «سفرنامه حج» را می نویسد مردم امکان سفر را به سادگی نداشته اند. اما در این روزگار سفر کردن آسان تر از هر فعل دیگری است از سوی دیگر تکنولوژی این امکان را فراهم کرده تا دستیابی به اطلاعات جغرافیایی هر مکان برای همگان امری راحت باشد پس در نگارش سفرنامه در دوران معاصر باید به مسائلی پرداخت که از دید همگان پنهان مانده است.

سفرنامه هایی برای کودکان

جعفر ابراهیمی (شاهد)، نویسنده



معتقدم نگارش سفرنامه برای کودکان مناسب نیست؛ چرا که تجربه سفر و درک صحیحی از سفر ندارند و نمی توانند از چنین کتابی لذت ببرند. مگر آن که نویسندگان با تبحر و تجربه خود بتوانند سفرنامه را در قالبی داستانی بنویسند.

اما سفرنامه نویسی برای نوجوانان مناسب است. تجربه نیز نشان می دهد که این کار با استقبال خوبی مواجه می شود. نوجوان به دنبال کشف دنیای جدیدی است و مطالعه سفرنامه به او این امکان را می دهد که با محیط های دیگر نیز آشنا شود.

من سفرنامه ای با عنوان «بوی جوی مولیان» (خاطرات سفر به تاجیکستان شوروی) را برای نوجوانان نوشته ام که نخستین بار در سال ۱۳۷۹ منتشر شد و تاکنون به چاپ هشتم نیز رسیده است.

نگارش این سفرنامه بهانه ای برای بازگشت به دوران کودکی من بود چرا که سعی می کردم به نوعی به کودکی هایم بازگردم و خود را در آن دوران پیدا کنم. به بیان دیگر سفر به درون خود بخش عمده این سفرنامه را تشکیل می داد.

البته سفرنامه دیگری با عنوان «پنج روز در نیمروز» توسط محمد کاظم مزینانی برای گروه سنی نوجوان نوشته شده که این کتاب نیز استقبال نوجوانان را در پی داشته است.

امیدوارم سفرنامه های بیشتری برای نوجوانان نوشته شود و نویسندگان آنها سعی در پرداخت داستانی سفرنامه ها داشته باشند تا با استقبال بیشتری از سوی نوجوانان روبه رو شوند.

سفرنامه هایی برای شناخت

محمد علی علمی، نویسنده



سفرنامه های ایرانی شامل سفرنامه های دوران باستان و دوران ایران معاصرند. در دوران باستان، میان تاریخ نگاری و جغرافیا تفاوتی وجود نداشت. آنچه را که جهانگردان ایرانی و

عرب در سفرنامه های خود نوشته اند در انتقال ادراک، ارتباطات فرهنگی، اجتماعی و امثال اینها موثر بوده است. مصادف با دوران صفویه به بعد، در ایران که همزمان با آغاز استعمار نو در کشورهای اسپانیا، پرتغال و انگلستان بود، سفرنامه ها به طور عمده خواسته یا ناخواسته مورد بهره برداری دولت های استعمارگر قرار می گیرند.

نویسندگان سفرنامه ها یا به غریزه و یا با انگیزه تجارت سفر به شرق دور را آغاز می کردند و از آنجا که این افراد با هوش بودند، آنچه را که از روابط اجتماعی یا فرهنگ مردم، ارزش های غالب بر جامعه، اوضاع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می دیدند، در سفرنامه هایشان منعکس می کردند. همین امر سبب ادراک نقاط قوت و ضعف دولت ها و ملت های شرقی از جانب دولت های استعمارگر زمان می شد. در ایران، سفرنامه نویسی به خواست سلاطین و پادشاهان محدود می شده است. آنان افرادی را برای مأموریت به اروپا اعزام می کردند و این افراد مشاهدات سفر خود را در قالب سفرنامه ای می نوشتند. اما در دوران معاصر «برادران امیدوار» با انگیزه های شخصی به جهانگردی رفتند و سفرنامه قابل توجهی را با عنوان «سفرنامه برادران امیدوار» نوشتند.

سفرنامه هایی که توسط سفرنامه نویسان اروپایی درباره ایران نوشته شده است بهترین منبع برای مردم شناسی، شناخت فرهنگ مردم، روان شناسی اجتماعی، شیوه زندگی و به طور کلی مدنیت و فرهنگ ایرانی در چند صد سال گذشته محسوب می شوند. به طوری که دانشمندان علوم انسانی و علوم اجتماعی یا هنرمندان برای دریافت ویژگی های دوران گذشته و بازسازی شرایط آن دوران می توانند به این سفرنامه ها مراجعه کنند. «سفرنامه دکتر پولاک» بهترین نوع سفرنامه از این دست است.

اندوخته هایی از سفر

یوسف علیخانی، نویسنده و روزنامه نگار

من تنها با انگیزه سفر و لذت بردن از آن سفرهایم را آغاز کردم که گزارش آن سفرها در روزنامه همشهری امارات منتشر می شد البته به طور خلاصه. آنچه در این سفرها برایم اهمیت داشت باورها و قصه هایی بود که در ارتباط با هر یک از شهرها وجود داشت.

برای پی بردن به این قصه ها و خاطرات باید بومیان هر منطقه ای با آن مسافر احساس نزدیکی و راحتی کنند و این امر در صورتی ممکن می شود که از موضع بالا با آنها روبه رو نشویم. اگر احساس کنند راوی، گردشگر یا مسافر نگاهی از بالا به پایین دارد حتی سفره خود را از او دریغ می کنند و در غیر این صورت به او نزدیک می شوند و آن مسافر را در جمع خود می پذیرند.

گزارش سفرهایم به نوعی سفرنامه نویسی به حساب می آید و در واقع بخشی از زندگی من شده اند که اگر دغدغه های دیگر زندگی ام کمتر شود، شاید این گزارش ها را تنظیم و در قالب یک کتاب منتشر کنم. هر فردی نگاه خود را دارد. مردم شناس، خبرنگار، شاعر و نویسنده با زاویه دید ویژه خود به سفر می روند.

اگر نگاه شخصی باشد سفرنامه جهانی می شود و اگر طبق چارچوب های از پیش تعیین شده نوشته شود کاری تکراری خواهد شد اما باید توجه داشت که تفاوت هادر نگاه راه را برای جهانی شدن همواری کند.

سفر بسیار ساده تر و کم هزینه تر از آن چیزی است که ما فکر می کنیم. اگر نویسندگان و شاعران ما سفر نکنند و ایران را نبینند اندوخته شخصی شان به پایان می رسد و اول شخص آنها رو به پایان خواهد بود.

یادداشت

محمد علی اسلامی ندوشن

نویسنده و مولف سفرنامه «صغیر سیمبرغ»



رویای سفرنامه



سفر و سفرنامه نویسی بازمی گردد به یک مبنای ذهنی و آن کنجکاوی انسان است. کنجکاوی انسانی، نیاز به تنوع، سفر، گشت و گذار و مشاهده مناظر و مناطق را موجب می شود. سفر، ذهن

کنجکاو بشری را تغذیه می کند و روح ناآرام و جست و جوگر انسان را آرامش می دهد. «سفرنامه» نیز جدای از این نیاز نیست. مطالعه یک سفرنامه بازمی گردد به همان جست و جوگری و کنجکاوی ذاتی بشر. انسان همواره در پی دیدن و کاویدن بوده و اگر توان آن را نیافته که خود قدم در چنین راهی بگذارد، این نیاز را با مطالعه کنجکاوی های دیگران برآورده است.

سفرنامه نویسنده مشاهده گر است. آنچه را که در طول سفر دیده و شنیده و به باورش جذاب آمده، یادداشت می کند. او ابتدا برای خودش می نویسد تا به یاد داشته باشد آنچه را که در طول سفر یافته، دیده یا شنیده است اما در قدم بعدی سفرنامه نویسنده موفق، انسانی است که دریافته چه چیز ارزش شنیدن و بازگفتن برای دیگران را دارد است. اونکاتی را بازگو می کند که مخاطب از شنیدنش حظ کند؛ و گرنه هر دیدنی ای، نوشتنی نیست و هر شنیدنی، بازگفتن ندارد. تفاوت گزارش ساده سفر با سفرنامه نویسی ادبی نیز در همین است. او روح محمل را درمی یابد و آن را با نثری بازگو می کند که خواننده خویشتر را در همان محل احساس کند؛ آنچنان که گویی خود در سفر نویسنده شریک است.

این رسم نوشتن را مادر پیشینیان خود به وضوح می بینیم. ناصر خسرو چنان زنده و واضح به شرح سفر می پردازد که با خواندن آن تصویر در مقابل چشمان انسان شکل می بندد. او جزئیاتی می آورد که به بال گشودن ذهن کمک می کند و تا حد زیادی همان تصویری که توصیف کرده را می توان تصور کرد. این موفقیت او در سفرنامه نویسی برمی گردد به ذکر جزئیات. فرنگی ها خوب به ذکر جزئیات چیره اند اما نویسندگان ما به خوبی متوجه ارزش جزئیات در نوشته هایشان نشده اند.

دیگر ویژگی برجسته «سفرنامه» حقیقتی است که در پشت کلمات آن خفته است. رمان یا داستان، از تخیل برمی آید و خواننده می داند که با داستانی غیرواقعی مواجه است. اما «سفرنامه» گونه ای از ادبیات است که انسان (بسته به میزان صداقت نویسنده) می داند آنچه را که از نظر می گذراند، بخشی از واقعیت است و اگر توصیفی از بنایی می خواند، می داند که این بنا حقیقتاً در گوشه ای از جهان وجود دارد یا اگر برای او بخشی از آداب و فرهنگ و رسوم ملتی نقل می شود، می تواند مطمئن باشد که چنین مردمانی هستند و چنین رفتاری رایج است. لذت مطالعه «سفرنامه» هم از همین نکته برمی آید. کنجکاوی، انسان را به سمت مطالعه سفر می کشاند. اما علاوه بر این اشتیاق به کنجکاوی، انسان با پدیده ای روبه رو می شود که جاری است و زنده؛ یادست کم (در مورد سفرنامه های تاریخی) در زمانی خاص وجود داشته است.

نهایت این که «سفرنامه» در نوع تاریخی اش سفری است به تاریخ و منبعی است برای تحقیق و پژوهش (جدای از این که خوانندش شیرین و لطیف است) و «سفرنامه» غیرتاریخی که نویسنده به تازگی تالیف کرده است، می تواند ترغیب کننده خواننده باشد به سفر. یعنی شما با خواندن آن راغب شوید جای پای سفرنامه نویسنده بگذارید و راهی که پیموده، تکرار و آنچه را اکنون از صفحات کاغذ دریافته اید، با پوست و استخوان تجربه کنید.